



جمهوری اسلامی ایران
شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
مدرسه علمیه ی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان آبادان
تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان

نقش تلویزیون در تربیت کودک

استاد داور:

جناب آقای عبدالرضا آغاچری

استاد راهنما:

سرکار خانم زکیه فیاضی

پژوهشگر:

منار زری

زمستان ۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهوری اسلامی ایران

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه ی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان آبادان

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان

نقش تلویزیون در تربیت کودک

استاد داور:

جناب آقای عبدالرضا آغاچری

استاد راهنما:

سرکار خانم زکیه فیاضی

پژوهشگر:

منا زرپی

زمستان ۱۳۹۶

تحمیدیه

حَمْدًا يَكُونُ وُصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ، وَ سَبَبًا إِلَى رِضْوَانِهِ، وَ ذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ، وَ طَرِيقًا إِلَى جَنَّتِهِ، وَ خَفِيرًا مِنْ نَقَمَتِهِ، وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ، وَ ظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ حَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَ عَوْنًا عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَ وَظَائِفِهِ.

حمدی که ما را به مقام طاعتش واصل گرداند و موجب عفو و سبب رضا و خشنودی و وسیله مغفرت و آمرزش او گردد. حمدی که ما را راهنما به سوی بهشت او (که دار سعادت ابدیت است) شود و ز نقمت و عذابش، محفوظ دارد و از (آتش دوزخ قهرو) غضبش، ایمن گرداند و آن حمد، ما را بر طاعت و بندگیش موید و موفق بدارد و از معصیتش مانع گردد و بر ادای حق ربوبیت و انجام وظایف عبودیت، یاری کند.

«صحیفه سجادیه، دعای اول»

تقدیمہ

تقدیم بہساحت مقدس حضرت مہدی عج اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف:

بی تاب تر از جان پریشان در شب

بی خواب تر از گردش ہذیان بر لب

بی رویت روی او بلا تکلیفم

مثل گل آفتاب گردان در شب

تقدیر و تشکر

با سپاس فراوان از تلاش و زحمات دوستان و خانواده عزیزم و همسرگرامی، که مرا در این تحقیق یاری نمودند، و تشکر خاص خدمت استاد راهنمای عزیزم، با آرزوی عاقبت بخیری و طول عمر با عزت محضر شریفشون، خداوند بر توفیقات روز افزون ایشان بیفزاید.

«إن شاء الله تعالی»

چکیده

موضوع: نقش تلویزیون در تربیت کودک است. تربیت صحیح در راستای رسیدن به اهداف و تعالی انسان جهت تعامل با هم نوع خود یکی از ضروری ترین مسائل جهان امروزیست. هدف از این تحقیق، ارائه برنامه صحیح و برگرفته از قوانین اسلامی، جهت تربیت کودکان از بدو تولد است که میزان بزهکاری را در جامعه به حداقل رساند. روش جمع آوری این تحقیق کتابخانه ای (فیش نویسی) بوده است. تحقیق پیش رو متشکل از سه بخش است. بخش اول کلیات تحقیق، بخش دوم تربیت دینی کودک، بخش سوم نقش تلویزیون در تربیت کودک است. ایمان زوجین و انتخاب همسر مناسب و تشکیل خانواده به شکل اسلامی آن زمینه های تربیت صحیح را فراهم می آورد. نکاتی را باید در دوران قبل از انعقاد نطفه و بعد از آن رعایت نمود. برنامه های تلویزیونی در شکل گیری شخصیت کودک توسط فرهنگ وارداتی صورت می گیرد، کودکان را با توجه به پخش برنامه های کودک تحت تربیت قرار می دهد، و رفتار و جسم و خانواده و اجتماع کودک را به سبک آموزشی خود تربیت می نماید. بهترین راهکار برای جلوگیری از دین گریزی حاصل از برنامه ها، لازم است مسئولان تلاش بیشتری در جهت ارائه برنامه هایی با محتوا اسلامی تولید کنند. خانواده ها نیز به کنترل اوضاع خانه و... بپردازند.

کلید واژه ها: تربیت، دین، کودک، تلویزیون، خانواده.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱

بخش اول: مباحث کلی

فصل اول: کلیات تحقیق

۱. تعریف و تبیین موضوع:.....	۴
۲. اهمیت و ضرورت موضوع:.....	۴
۳. طرح اهداف و فواید تحقیق:.....	۴
۴. پیشینه و سابقه ی موضوع:.....	۵
۵. سؤالات تحقیق:.....	۵
۶. فرضیه تحقیق:.....	۶
۷. پیش فرض های تحقیق:.....	۶
۸. مفاهیم و متغیرها:.....	۶
۹. روش تحقیق:.....	۷
۱۰. ساختار تحقیق:.....	۷
۱۱. مشکلات و موانع تحقیق:.....	۱۱

فصل دوم: مفهوم شناسی

تلویزیون.....	۱۴
تعریف لغوی:.....	۱۴
تعریف اصطلاحی:.....	۱۴

دین.....	۱۵
تعریف لغوی:.....	۱۵
تعریف اصطلاحی:.....	۱۵
تربیت.....	۱۶
تعریف لغوی:.....	۱۶
تعریف اصطلاحی:.....	۱۶
خانواده.....	۱۷
تعریف لغوی:.....	۱۷
تعریف اصطلاحی:.....	۱۸

بخش دوم: تربیت دینی کودک

فصل اول: دوران قبل از ازدواج پدر و مادر

گفتار اول: ایمان.....	۲۱
۱-۱- نیروی علم و ایمان:.....	۲۲
۲-۱- پرورش ایمان:.....	۲۲
۳-۱- ضعف ایمان:.....	۲۳
۴-۱- لغزشهای مذهبی:.....	۲۴
۵-۱- تقدم تربیت خود بر تربیت دیگران:.....	۲۵
گفتار دوم: انتخاب همسر.....	۲۶
۱-۲- شرایط یک همسر خوب:.....	۲۷
۳-۲- دینداری:.....	۲۹
۳-۲- همسانی یا کفو بودن:.....	۳۰
۴-۲- خردمند:.....	۳۰
۵-۲- پرهیز از ارزشهای دروغین در ازدواج:.....	۳۰
گفتار سوم: خانواده.....	۳۱
۱-۳- حق فرهنگی:.....	۳۳
۲-۳- والدین، اسوه های محیط خانواده:.....	۳۴

۳-۳- مفاسد سوء تربیت: ۳۴

۳-۴- وظیفه والدین در ادای مسئولیت تربیتی: ۳۵

نتیجه: ۳۶

فصل دوم: دوران انعقاد نطفه و تولد کودک

مقدمه: ۳۸

گفتار اول: قبل و بعد انعقاد نطفه: ۳۸

۱-۱- دوران سیادت کودکی: ۴۰

۲-۱- آثار سیادت کودک: ۴۱

گفتار دوم: روشهای تربیت دینی: ۴۲

۱-۲- اهمیت موثر در تربیت دینی: ۴۲

۲-۲- امور موثر در تربیت دینی: ۴۲

۳-۲- ضرورت توجه به ظرافتهای تربیت کودک: ۴۴

۴-۲- ایجاد فضای اخلاقی در جامعه: ۴۶

۵-۲- اقسام محیط: ۴۶

۶-۲- تاثیر نماز در تربیت فرد و جامعه: ۴۷

۷-۲- نماز کودکان: ۴۷

گفتار سوم: آموزش مهارتهای اساسی به کودک: ۴۸

۱-۳- ارتقای مهارتهای حل مسئله و تصمیم گیری: ۴۸

۲-۳- ارتقای مهارت اجتماعی: ۴۸

۳-۳- روند اجتماعی شدن: ۴۹

۴-۳- بهبود مهارتهای ارتباطی: ۴۹

۵-۳- ارتقای بینش: ۵۰

۶-۳- قدرتمند بودن از طریق بیان جسمانی: ۵۰

۷-۳- تشویق به بیان کردن هیجانات: ۵۱

۸-۳- احیای شخصیت کودک: ۵۲

۹-۳- تفریحات سالم: ۵۲

نتیجه: ۵۳

بخش سوم: نقش تلویزیون در تربیت کودک

فصل اول: تاثیر تلویزیون بر بعد جسمی و رفتاری کودک

مقدمه.....	۵۶
گفتار اول: کودکان زیر پنج سال.....	۵۶
۱-۱- موقعیت رسانه ای تلویزیون.....	۵۶
۱-۲- تلویزیون و تربیت فرزندان.....	۵۹
۱-۳- هجوم روانی وارداتی تلویزیون.....	۶۱
گفتار دوم: کودکان بالای پنج سال.....	۶۲
۱-۲- اهمیت آموزش رسانه ای به کودکان.....	۶۲
۲-۲- سواد رسانه ای.....	۶۲
۳-۲- بررسی تاثیر تلویزیون بر بزهکاری کودکان و نوجوانان.....	۶۳
۴-۲- تلویزیون و روابط اجتماعی.....	۶۴
۵-۲- تاثیرات تلویزیون.....	۶۴
گفتار سوم: تاثیر مثبت و منفی برنامه های تلویزیون.....	۷۰
۱-۳- تبلیغات پدیده های عالمگیر.....	۷۳
۲-۳- تاثیر فرهنگی معماری اسلامی.....	۷۴
۳-۳- تجمل گرایی.....	۷۵
۴-۳- انتقال تجربیات انقلاب و دفاع مقدس به نسل جوان.....	۷۶
۵-۳- موسیقی.....	۷۷
۶-۳- بازداشتن از موسیقی و آهنگهای مضر.....	۷۹
۷-۳- اثرات و نتایج موسیقی.....	۸۰
۸-۳- حرمت موسیقی مطرب.....	۸۱
نتیجه.....	۸۱

فصل دوم: تاثیر تلویزیون بر بعد اجتماعی و خانوادگی کودک

مقدمه.....	۸۳
گفتار اول: اثر برنامه ها بر مهارت های اساسی کودک.....	۸۳

۱-۱-محتوای رسانه ها:	۸۷
۱-۲-القای فرهنگ بیگانه:	۹۰
گفتار دوم: تاثیر فرهنگ غرب بر فرهنگ اسلامی:	۹۰
۱-۲-تاکید بر توانایی اسلام و اراده ی جامعه:	۹۱
۲-۲-سلطه فرهنگی:	۹۴
۲-۳-بازسازی فرهنگی:	۹۴
۲-۴-آرمان جهانگرای غرب :	۹۵
۲-۵-جنگ تلویزیونی با جهان اسلام:	۹۶
۲-۶-ترویج ظواهر و مدهای غربی:	۹۸
۲-۷-جنبه های معنوی فرهنگ:	۹۹
گفتار سوم: تاثیر پذیری کودک از شیوه عملی غلط غرب در رسانه ها در بعد اجتماعی:	۱۰۱
۱-۳-رسانه ها، تغییر ارزشها سستی و شکاف نسلی:	۱۰۴
۲-۳-عدم آشنایی کافی با فرهنگ و معارف اسلامی:	۱۰۶
۳-۴-موانع جامعه پذیری بهینه در ایران:	۱۰۶
نتیجه:	۱۱۱

فصل سوم: نقش برنامه های تلویزیون در دین گریزی کودک

مقدمه:	۱۱۳
گفتار اول: نقش پدر و مادر در پیشگیری از دین گریزی کودکان:	۱۱۳
۱-۱-رابطه والدین با فرزندان:	۱۱۴
۱-۲-نقش پدر و مادر در ایجاد و رشد محیط سالم خانوادگی:	۱۱۶
۱-۳-الگوی فرهنگی:	۱۱۶
گفتار دوم: نقش رسانه های ملی در پیشگیری از دین گریزی کودکان:	۱۲۲
۱-۲-تعریف دین و قلمرو آن:	۱۲۲
۲-۲-رسالت سیمای و رسالت دینی:	۱۲۲
۲-۳-رسانه ها و نظارت:	۱۲۶
گفتار سوم: راهکار:	۱۲۹
۱-۳-فرهنگی	۱۲۹

۱۳۳	۲-۳- اجتماعی
۱۳۷	۳-۳- خانوادگی
۱۳۸	نتیجه:
۱۳۹	نتیجه گیری
۱۴۰	فهرست منابع

مقدمه

بسیاری از آیات الهی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مقام تربیت انسان نازل شده است. و برنامه های جامعی برای زندگی بشر به ارمغان آورده است، از آنجایی که تربیت انسان مسئله مهم در تعاملات اجتماعی است، لذا نیاز است در این زمینه تلاش جدی صورت گیرد، برای کاهش میزان بزهکاری در جامعه، تربیت صحیح را از زمان انعقاد نطفه و قبل از آن باید انجام داد، چرا که کودک مانند لوح سفیدی است که با ورود به جهان کنونی که خالی از تراحمات نیست او را از هدف خلقت دور خواهد کرد.

با توجه به گسترش فن آوری و پر کردن اوقات فراغت کودک بوسیله تلویزیون یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در تربیت کودک پخش برنامه های است با محتوای فرهنگ ضداسلامی و تقلید کورکورانه کودک از این برنامه ها تاثیر منفی بر رفتار او خواهد گذاشت. دشمنان اسلام و ایران از هرگونه حربه ای جهت نابودی بنیان خانواده استفاده می کنند، نفوذ برنامه های با محتوای فرهنگ غلط غرب در برنامه کودک و استفاده از برنامه های تولید شده در غرب که هر کدام از آنها بیانگر تفکرات غربی است موجب تثبیت رفتار نادرست در کودکان از بدو تولد می شود.

ضمن فراهم نمودن محیط سالم و به دور از تنش در خانه برای تربیت صحیح کودکان، لازم است مسئولان نظام برنامه های جذاب و متنوع با محتوای فرهنگ اسلامی که متناسب با روحیه و فرهنگ کامل اسلامی است، تولید کنند.

«من الله التوفیق»

منا زرپی

زمستان ۱۳۹۶

بخش اول:

مباحث کلی

فصل اول:

کلیات تحقیق

۱. تعریف و تبیین موضوع:

امروزه، استفاده از تلویزیون جهت پرکردن اوقات فراغت کودکان یک امر بدیهی است. بنابراین تربیت کودک تحت تاثیر مضامین و محتوای برنامه های تلویزیونی قرار می گیرد. چگونه برنامه های کودک را با کیفیت بالا تولید کنیم، که به تربیت صحیح دست یابیم؟ برای بالا بردن کیفیت برنامه های کودک استفاده از فرهنگ غنی اسلام می تواند ما را به اهداف طولانی مدت نزدیک گرداند، چراکه تربیت صحیح کودک آینده یک کشور را تشکیل می دهد. نگرش و تفکر کودک که تحت تاثیر برنامه های کودک و دیگر برنامه های تلویزیونی خواهد بود، به آن بستگی خواهد داشت.

۲. اهمیت و ضرورت موضوع:

مهمترین مسئله در دنیای امروز، تربیت انسان است، تربیت صحیح می تواند میزان بزهکاری در جامعه را به حداقل برساند و میزان رضایتمندی افراد جامعه نسبت به رفتار یکدیگر را افزایش دهد. تربیت صحیح کودک آینده کشور را رقم می زند و موجب صعود یا سقوط کشور می شود. تلویزیون که یکی از وسایل ارتباط جمعی است و به دست مسئولان کشور اداره می شود. با وارد کردن برنامه های کودک از کشورهای غربی، تاثیر مثبت و منفی بر رفتار کودک خواهد داشت، لذا مسئولان وظیفه دارند که به تولید برنامه های با محتوای اسلامی و فرهنگ ایرانی منطبق با موازین شرعی بپردازند. تا از تربیت ناصحیح و تقلید کورکورانه کودک از فرهنگ وارداتی غلط غرب جلوگیری کنند.

۳. طرح اهداف و فواید تحقیق:

هدف از انجام این تحقیق معرفت افزایی در باب تربیت صحیح کودک است. ارائه بهترین راه جهت تربیت گام به گام کودک طبق تعالیم اسلام و در نظر گرفتن تمام جوانب در راستای مشاوره تربیتی به خانواده ها و اطلاع رسانی به آنها در باب عوامل و گزینه های موثر در تربیت کودک، بخصوص برنامه های کودک که محصول کشورهای غربی است. عوامل و برنامه های تلویزیونی که در تربیت کودک و در تغییر رفتار او تاثیر دارد شناسایی شوند و

راهکار راهبردی جهت تولید برنامه های متنوع و جذاب طبق تعالیم اسلامی در دستور کار خود قرار دهند.

۴. پیشینه و سابقه ی موضوع:

الف) پیشینه ی تاریخی

استفاده از تلویزیون به سال ۱۳۳۷ برمی گردد که اولین فرستنده تلویزیونی در تهران ایجاد شد، از ساعات اولیه شروع برنامه ها، ابتدا برنامه خردسال و کودک اجرا شد، با توجه به اهمیتی که کودکان در آینده کشور دارند باید زمینه های مناسب تربیتی آنها فراهم شود تا موجب سربلندی کشور شوند از سال های اولیه تا به الان از برنامه های کودک وارداتی از کشورهای شرقی و غربی استفاده شده است. تا الان که یک شبکه مجزا به نام پویا برای کودک افتتاح نمودند که تا ساعت بیست و دو پخش برنامه کودک را برعهده دارد. هدف از ارائه این تحقیق روشنگری به خانواده ها در باب برنامه های کودکی است که به طور نامحسوس روح و روان کودک را درگیر می کند.

ب) پیشینه علمی

در کتاب محیط و وراثت و ریحانه بهشتی مسائل تربیتی را بیان نمود و تربیت صحیح و معیارهای تربیت صحیح را شرح دادند، در کتاب های فرهنگ و رسانه، جامعه شناسی نوین، تهاجم فرهنگی و رسالت صدا و سیما، در این کتب وظیفه مسئولان و رسالت صدا و سیما در ارائه برنامه های مناسب را بیان می کند و نحوه استفاده از برنامه های کودک را برای خانواده ها تشریح می کند و وظیفه کنترل فرزندان توسط خانواده ها را به درستی بیان می کند. سعی شد با تلفیق این دو موضوع که در ارتباط با هم هستند یک راهکار مناسبی جهت تربیت مناسب کودکان ارائه دهیم. بهترین راهکار این است که در استفاده از تلویزیون محدودیت زمان برای کودک قائل شد تا از منفعل بودن آن جلوگیری شود و برنامه های دیگری برای رشد او در نظر گرفت. مثل بازی و تفریح های سالم و کتابخوانی

۵. سؤالات تحقیق:

سؤال اصلی تحقیق: نقش تلویزیون در تربیت کودک چیست؟

سؤالات فرعی عبارت است از:

۱_ دوران قبل از ازدواج زوجین چه مواردی را برای تربیت کودک باید رعایت کنند؟

۲_ دوران تولد و انعقاد نطفه چه مواردی را باید رعایت کنند؟

۳_ نقش تلویزیون بر مهارت های اساسی کودک چگونه است؟

- ۴_ تاثیر فرهنگ غربی بر فرهنگ غنی اسلام چه خطراتی را در پیش دارد؟
- ۵_ تاثیر تلویزیون بر کودکان زیر پنج سال و بالای پنج سال به چه صورت است؟
- ۶_ تاثیر برنامه های تلویزیون بر بعد جسمی و رفتاری کودک چه خواهد بود؟
- ۷_ نقش تلویزیون بر بعد فرهنگی و خانوادگی کودکان چگونه خواهد بود؟
- ۸_ نقش برنامه های تلویزیون در دین گریزی کودکان چیست؟
- ۹_ راهکارهای ارائه شده جهت تربیت صحیح و استفاده درست از تلویزیون کدامند؟
- ۱۰_ نقش رسانه ملی در پیشگیری از دین گریزی کودک کدام است؟

۶. فرضیه تحقیق:

اصحاب رسانه ملی با انتخاب مدیران کارآمد و تنوع در ساخت برنامه های کودک با محتوای اسلامی و همچنین کنترل صحیح خانواده در جهت رشد و تعالی کودک به آینده درخشان کودک کمک خواهند کرد.

۷. پیش فرض های تحقیق:

۱. تربیت صحیح کودک به صعودیک کشوردر آینده کمک خواهد کرد.
۲. تربیت صحیح میزان بزهکاری موجود در جامعه را کاهش می دهد.
۳. رابطه معنادار تاثیر تلویزیون بر تربیت کودک است.
۴. تاثیر مستقیم تلویزیون بر تغییر رفتار کودک به محض مشاهده برنامه های کودک قابل درک است.
۵. فرهنگ وارداتی غرب در برنامه های تلویزیونی تاثیر منفی بر نگرش و بینش کودک می گذارد.

۸. مفاهیم و متغیرها:

تربیت:

پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن

دین:

کیش، ملت، طریقت، شریعت، مقابل کفر

کودک:

فرزندى که بحد بلوغ نرسیده است.

تلویزیون:

دستگاهی که تصاویر اشیاء و اشخاص را از مسافت دور بوسیله امواج الکتریکی انتقال دهد.

خانواده

خانواده: کوچکترین گروه اجتماعی در جامعه که شامل پدر و مادر و فرزندان است

۹. روش تحقیق:

تحقیق پیش رو با روش کتاب خانه ای (فیش نویسی) و سایت های معتبر جمع آوری شده است.

۱۰. ساختار تحقیق:

پژوهش حاضر شامل سه بخش است:

بخش اول: مباحث کلی

فصل اول: کلیات تحقیق

فصل دوم: مفهوم شناسی

بخش دوم: تربیت دینی کودک

فصل اول: دوران قبل از ازدواج پدر و مادر

مقدمه

گفتار اول: ایمان

۱-۱- نیروی علم و ایمان

۱-۲- پرورش ایمان

۱-۳- ضعف ایمان

۱-۴- لغزش های مذهبی

۱-۵- تقدم تربیت خود از دیگران

گفتار دوم: انتخاب همسر

۲-۱- شرایط انتخاب همسر خوب

۲-۱- دینداری

۲-۱- همسانی یا هم کفو بودن

۲-۱- خردمند

۲-۲- پرهیز از ارزش های دروغین

گفتار سوم: خانواده

- ۳-۱- حق فرهنگی
- ۳-۲- والدین، اسوه های محیط خانواده
- ۳-۳- مفاسد سوء تربیت
- ۳-۴- وظیفه والدین در ادای مسئولیت تربیتی:

نتیجه

فصل دوم: دوران انعقاد نطفه و تولد

مقدمه

گفتار اول: قبل و بعد انعقاد نطفه

- ۱-۱- دوران سیادت کودک
- ۱-۱- توجه بیشتر به خواسته ها و نیازها
- ۱-۲- توجه بیشتر به آزادی
- ۱-۳- توجه بیشتر به محبت و عطوفت
- ۱-۴- توجه بسیار به بازی
- ۱-۲- آثار سیادت کودک

گفتار دوم: روش موثر در تربیت دینی فرزند

- ۲-۱- اهمیت موثر در تربیت دینی
- ۲-۲- امور موثر در تربیت دینی
- ۲-۳- ضرورت توجه به ظرافت های کودک
- ۲-۴- ایجاد فضای اخلاقی در جامعه
- ۲-۵- اقسام محیط
- ۲-۶- تاثیر نماز در تربیت فرد و جامعه
- ۲-۷- نماز و کودکان

گفتار سوم: آموزش مهارت های اساسی به کودک

- ۳-۱- ارتقای مهارت های حل مسئله و تصمیم گیری
- ۳-۲- اتقای مهارت های اجتماعی
- ۳-۳- روند اجتماعی شدن
- ۳-۴- بهبود مهارت های ارتباطی

۳-۵- ارتقای بینش

۳-۶- قدرتمندبودن از طریق بیان جسمانی

۳-۷- تشویق به بیان کردن هیجانات

نتیجه

بخش سوم: نقش تلویزیون بر تربیت کودک

فصل اول: تاثیر برنامه های تلویزیون بر بعد جسمی و رفتاری کودک

مقدمه

گفتار اول: کودکان زیر پنج سال

۱-۱- موقعیت رسانه ای تلویزیون

۱-۲- تلویزیون و تربیت کودکان

۱-۳- هجوم روانی وارداتی تلویزیون

گفتار دوم: کودکان بالای پنج سال

۲-۱- اهمیت آموزش رسانه ای به کودکان

۲-۲- سواد رسانه ای

۲-۳- بررسی تاثیر تلویزیون بر بزهکاری کودکان و نوجوانان

۲-۴- تلویزیون و روابط اجتماعی تاثیرات تلویزیون

گفتار سوم: تاثیر مثبت و منفی برنامه تلویزیون

۳-۱- تبلیغات پدیده عالمگیر

۳-۲- تاثیر فرهنگی معماری اسلامی

۳-۳- تجمل گرایی

۳-۴- انتقال تجربیات انقلاب و دفاع مقدس به نسل جوان

۳-۵- موسیقی

۳-۶- بازداشتن از موسیقی های و آهنگهای مضر

۳-۷- اثرات و نتایج موسیقی

۳-۸- حرمت موسیقی مطرب

نتیجه

فصل دوم: تاثیر تلویزیون بر بعد فرهنگی و خانوادگی کودکان

مقدمه

گفتار اول: اثر برنامه ها بر مهارت‌های اساسی کودک

۱-۱- محتوای رسانه ها

۱-۲- القای فرهنگ بیگانه

گفتار دوم: تاثیر فرهنگ غرب بر ضد فرهنگ اسلامی

۱-۲- تاکید بر توانایی اسلام و اداره جامعه

۲-۲- سلطه فرهنگی

۲-۳- بازسازی فرهنگی

۲-۴- آرمان جهان گرای غرب

۲-۵- جنگ تلویزیونی با جهان اسلام

۲-۶- ترویج ظواهر و مدهای غربی

۲-۷- جنبه های معنوی فرهنگ

گفتار سوم: تاثیر پذیری کودک از شیوه عملی غلط غرب در رسانه ها در بعد اجتماعی

۳-۱- رسانه ها، تغییر ارزش های سنتی و شکاف نسلی

۳-۲- عدم آشنایی کافی با فرهنگ و معارف اسلامی

۳-۳- موانع جامعه پذیری بهینه در ایران

نتیجه

فصل سوم: نقش برنامه های تلویزیون در دین گریزی کودک

مقدمه

گفتار اول: نقش پدر و مادر در پیشگیری از دین گریزی حاصل از برنامه ها

۱-۱- رابطه والدین با فرزندان

۱-۲- نقش پدر و مادر در ایجاد و رشد محیط سالم خانوادگی

۱-۳- الگوی فرهنگی

گفتار دوم: نقش رسانه ملی در پیشگیری از دین گریزی کودکان

۲-۱- تعریف دین و قلمرو آن

۱-۱- رسالت سیما و رسالت دین

۱-۲- دین در دنیای رسانه

۲-۲- رسانه ها و نظارت

گفتار سوم: راهکار

نتیجه

۱۱. مشکلات و موانع تحقیق:

الحمد لله در طی جمع آوری مطالب بامشکل خاصی برخورد نکردم.

فصل دوم:

مفهوم شناسی

رسانه

تعریف لغوی:

وسیله ای است برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده ها و افکار افراد یا جامعه، اگر این تعریف را قبول کنیم باید حساب کنیم که رسانه بتواند از نوع انسانی باشد یا سازمانی یا تکنولوژی، خود زبان نیز یک نوع رسانه است. یا کلاس درس و دانشگاه بالاخره رسانه های جمعی، از مطبوعات گرفته تا تلفن، رادیو، تلویزیون، اینترنت رسانه یک واسطه عینی و عملی در فرآیند برقراری ارتباط است.

تعریف اصطلاحی:

و دو نوع کارکرد آشکار و نهان برای آن وجود دارد که کارکرد آشکار آن یعنی اینکه رسانه محل برخورد پیام و گیرنده پیام است. اما کارکرد پنهان رسانه یعنی برقرار کننده جریان ارتباط و پیام رسانی.

نظام رسانه ای دولتی: هزینه اش را دولت تامین می کند و در تمام مسائل آن دولت دخالت دارد. قالب محتوایشان سیاسی است.

نظام رسانه ای عمومی: بیشتر در کار اطلاع رسانی و خدمات عمومی است.

نظام رسانه ای خصوصی: رسانه های که خودکفا هستند و به دولت متکی نیستند اما از لحاظ پیروی از قوانین تابع قوانین مطبوعات هستند.

تلویزیون جزء رسانه های دیداری و شنیداری محسوب می شود.

رسانه فراهم آورنده دانش و شکل دهنده ارزش هایند و مردم همواره از آن ها تاثیر می پذیرند و می آموزند. اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباطی در جوامع معاصر، به حدی است که جامع شناسان معتقدند که وسایل ارتباطی با پخش اطلاعات و معلومات جدید، به موازات کوشش معلمان و اساتید، وظیفه آموزشی انجام داده و دانستنی ها عملی، فرهنگی و اجتماعی دانش آموزان و دانشجویان را تکمیل می کنند.

تلویزیون نه تنها موجب بازاندیشی و سازماندهی دوباره زمان و فضای جهانی میشوند بلکه پایگاه های فرهنگ بنیاد بومی یعنی چگونگی دریافت و سازمان دهی و بهره گیری ما از گستره های زیستی و نیز بر کنش ما با دیگر ساکنین این گستره ها اثر می گذارند. به عنوان

نمونه: تماشای تلویزیون در خانواده، بهره گیری از (سی دی ، دستگاه ویدئو، صفحه های فشرده، ماهواره) و چگونگی تغییر زندگی و دید و نگرش افراد را دگر گون می سازد.^۱

تلویزیون

تعریف لغوی:

تلویزیون، دستگاهی که تصاویر اشخاص و اشیاء را از مسافت دور بوسیله امواج الکتریکی انتقال دهد.^۲

تعریف اصطلاحی:

فناوری تلویزیون با آزمایش های الکترونیکی در اواخر دهه ۱۱۲۹ آغاز شد و در دهه ۱۱۳۹ به صورت وسیله ارتباطی در حال رشد باقی ماند و پیشرفت تلویزیون در خلال جنگ جهانی دوم به طرز موقت متوقف شد ولی پایان دهه ۱۱۴۹ این وضعیت با گسترش آن در کشور به عنوان یک رسانه تعدیل و جبران شد، در دهه ۱۱۵۹ توسعه و گسترش تلویزیون ادامه یافت.

فناوری تلویزیون طی تاریخ کوتاه خود به صورت قابل ملاحظه ای در حال تغییر و پیشرفت بوده است. محتوای برنامه ها غنی و پربار شده، بیننده گان تلویزیون افزایش یافته اند. با این حال انتقادات زیادی از تأثیرات منفی تلویزیون به عمل می آید، با وجود این انتقادات تلویزیون به عنوان محبوب ترین رسانه باقی مانده است

در بدو کار، گیرنده های خانگی، تصویری سیاه و سفید که به زحمت به ابعاد یک کیف فعلی می رسید، نشان می دادند. نسبت به معیارهای امروزی، کیفیت تصویر، بسیار پایین بوده، ولی مردم مجذوب ایده ارسال تصویر به وسیله امواج به منازل بودند. حتی به نظر می رسید، تجارت رو به پیشرفت گذاشته است. همه چیز در حال تحول است طولی نکشید که تازگی تلویزیون از بین رفت، بینندگان مشکل پسندتر شده و برنامه های خاصی را طلب می کردند.

۱. مهدی، حبیبی، رسانه شناسی، دانشگاه علمی کاربردی واحد بیرجند، پاییز ۲۹

۲. محمد، معین، فرهنگ معین، جلد یک، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر ۱۳۸۹، ۱۱۳۶ ص

آن‌ها خواهان تصاویر روشن‌تری بودند و بعد طالب تصاویر رنگی و سرانجام خواستار صفحات نمایشگر بزرگ و عاقبت کنترل کامل بر مطالبی شدند که می‌دیدند.^۱

رسانه: وسیله‌ای که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند، مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله و شبکه‌های کامپیوتری، رسانه گروهی، رسانه همگانی

صوتی: رادیو

تصویری: تلویزیون^۲

دین

تعریف لغوی:

کیش، ملت، طریقت، شریعت، مقابل کفر

تعریف اصطلاحی:

مجموعه عقاید موروث مقبول در باب روابط انسان با مبدا وجود وی و التزام بر سلوک و رفتار بر مقتضای آن عقاید دین قطع نظر از چگونگی منشا آن امری است که جنبه اجتماعی آن مسلم است و اگر چه فرضیه کسانی که دین را منشا جمیع تحولات تاریخ و مبدا تمام حوادث عالم شمرده‌اند، امروز لاقلاً کاملاً مقبول و مسلم نیست لیکن تاثیر و نفوذ عوامل دین در حوادث تاریخ محقق است. تحقیق درباره دین و ماهیت و احوال آن موضوع علم ادیان و ملل و نحل است که امروز شعب و فنون مهم دارد از آنجمله است، از جهت تاریخ ادیان را به ادیان موجود و ادیان گذشته و همچنین ادیان الهی و ادیان غیرالهی میتوان تقسیم کرد. ادیان الهی، دینهای هستند که بنای آنها بر اعتقاد به یگانگی خداست و آنرا ادیان آسمانی نیز گویند. احکام این ادیان بوسیله پیغمبران از جانب خدا به خلق ابلاغ میشود اساس این ادیان تسلیم است و دین اسلام از جمله ادیان الهی یا آسمانی و به امر حق است.

مسلمانان دین را عبارت از مجموعه قواعد و اصولی میدانند که انسانرا به پروردگار نزدیک میکند.^۳

تعریف مبنا شناختی دین:

۱. تورج، مهدی زاده، مبانی ارتباط با رسانه‌ها، چاپ دوم، تهران، انتشارات: پارس بوک ۱۳۹۱، ص ۷ تا ۵

۲. حسین، انوری، فرهنگ بزرگ سخن، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱، ص ۳۶۱۵

۳. علی اکبر، دهخدا، لغت نامه، جلد هفت، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۰۰۴۲

این تعریف متکی بر درک و پیش فرضی است درباره هستی و پیوند اجزای آن به هم در یک منظومه از پیش طراحی شده و مقدر به نحوه ی که شناخت و معرفی هر جزء، منوط به کشف موقعیت آن است در آن دستگاه و شناخت پیشینه اجزای مرتبط با آن. مثلاً در ارائه تعریفی از این نوع برای دین، داشتن درکی از نظام هستی و مبدأ و غایت آن و جایگاه انسان در آن و مقدورات و مشخصات انسان و غیره لازم است.

این بنیان های نظری در باب هستی و انسان نقش بسیار تعیین کننده ای در پاسخ به پرسش (دین چه باید باشد؟) دارند. بدین طریق هم ضرورت وجودی دین و هم مشخصات ذاتی و مقومات اساسی آن و هم اهداف و غایات آن مشخص می شود و در تعریف آن متجلی می گردد.

تعاریف جوهری، منظور آن دسته از تعاریفی است که از پی کنکاش گسترده و تاملی عمیق، به کشف و آشکار سازی عنصری «تمایز بخش» و «بر پا دارنده» از دین نائل آمده اند.^۱

تربیت

تعریف لغوی:

پروردن و پروراندن، آداب و اخلاق را بکسی آموختن، پرورش^۲

تعریف اصطلاحی:

هدف غایی تعلیم و تعلم اسلامی، ایجاد تحول مثبت «رشد» در انسان و یافتن هویتی مطلوب برای او در زندگی فردی و اجتماعی است. بنابر قرآن، انسان مختارانه و با اعمال ارادی در کار شکل دادن به هویت خویش است و تعلیم و تعلم چراغی است فرا راه این انسان عامل تا در پرتو آن تحولی بنیادی در او پدید آید.

در واقع، هدف غایی تعلیم و تعلم همان هدف غایی تربیت اسلامی است که از پیوند پایدار با پروردگار حاصل می شود و انگیزه و سمت گیری انسان را در تعلیم و تعلم، و نیز در مقام عمل تعالی می بخشد

۱. علی رضا، شجاعی زند، جامعه شناسی دین، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر نی، ۱۳۸۸ ص ۲۴۰

۲. محمد، معین، فرهنگ معین، ج ۱، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹ ص ۱۰۶۳

لازمه نیل به اهداف تعلیم و تربیت، شناخت مبانی معرفت شناختی این فرآیند است. مراد از مبانی توصیفها و تبیینهایی از امور مختلف به انسان و جهان است. این مبانی همراه با اهداف تعلم و تربیت، نقش تعیین کننده ای در شکل دادن به نظام معینی از تعلیم و تربیت دارند، به طوری که اصول تعلیم و تربیت، محتوای تعلیم و تربیت و شیوه های تعلیم و تربیت، همه تحت تاثیر آنها شکل می گیرند.

گرایش گروه دوم، با نگاهی اخلاقی به گزینش آیات و روایات می پردازد و با بهره گیری از اصولی که آنها را از متن استخراج می کند و هم برخی تجربیات فردی و اجتماعی و حتی اندکی از منابعی غیر از کتاب و سنت که آگاهانه یا ناآگاهانه استفاده شده، به شرح و توضیح آنها می پردازد.

در این گرایش تلاش می شود که حالات نفسانی و بعد اخلاقی وجود انسان و اعمال رفتار اجتماعی و فردی وی، بر اساس آیات قرآن و روایات پیامبر و صحابه و امامان معصوم تشریح و تفسیر شود و بر اساس آنها، دستور العملهایی برای بهبود زندگی انسان طراحی گردد. گرایش گروه سوم، فقهی است، صاحبان این گرایش در چارچوب فقه به مسئله تعلیم و تربیت می نگرند و در چارچوب مصادر و ابواب فقهی و احکام خمس، به امر تعلیم و تربیت-که با واقعیت جامعه سرو کار دارد-اهتمام می ورزند.^۱

تربیت روحی و روانی: تربیت روحی، پرورش روانی، آنچه که مربوط به تربیت روان باشد. اصولی که براساس آن می توان روان کودکان را تا سر حد کمال از انحراف و گرفتارشدن به عقده های روانی و جز آن بازداشت و استعدادها مختلف آنان را در جهت صحیح راهنمایی کرد.^۲

خانواده

تعریف لغوی:

خانواده: کوچکترین گروه اجتماعی در جامعه که شامل پدر و مادر و فرزندان است.^۳

۱. غلامعلی، حدادعادل، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۷، چاپ اول، انتشارات بنیاددایره المعارف اسلامی، ص ۵۲۹، ص ۵۳۰، ص ۵۳۶،

۲. لغت نامه، دهخدا، جلد چهارم، ص ۵۷۷۷

۳. فرهنگ سخن بزرگ، جلد چهارم، ص ۲۶۶۵

تعریف اصطلاحی:

یگانه سازمان اجتماعی که بادوام و همگانی است و از دیر باز در زندگی بشرهای ماقبل تاریخ وجود داشته و حتی قبل از عبادتگاه و دولت و هر سازمانی که برای تمرکز فعالیت آدمی بوجود آمده است خانواده می باشد. گر چه در طول تاریخ خطراتی برای آن پیش آمده و بر اثر آن نزدیک بوده است که خانواده از بین برود ولی چون روابط انسانی در این سازمان بیشتر از سایر روابط دیگر برآورنده مهمترین خواستههای حیاتی اوست لذا این امر موجب شده که این سازمان بتواند بکار مستمرش ادامه دهد و از جمع به پراکندگی نگراید.^۱

مردم شناسان می گویند علت استمرار و دوام خانواده از آنست که در خانواده روابط اجتماعی به بهترین وجه حوائج آدمی را برمی آورد و رفع نیازمندی های او در هیچ رابطی ای بغیر این رابطه باین خوبی و آسانی امکان پذیر نیست. روابط آدمیان و اشکال خانوادگی، بستگی بقدرت خاص انسانی دارد و شکل آن در ادوار مختلف متفاوتست.

اهل - خانواده - خاندان - اهل الرجل در اصل کسانی هستند که با او در یک خانه زندگی می کنند، بعد بطور مجاز بکسانیکه او و آنها را یک نسب جمع میکند اهل بیت آنمرد گفته اند، در قاموس گویند اهل مرد، عشیره و اقربای اوست.^۲

۱. لغت نامه، دهخدا، جلد شش، ص ۸۳۹۲

۲. سید علی اکبر، قرشی، قاموس قرآن، ج اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴، ص ۱۳۵

بخش دوم:

تربیت دینی کودک

فصل اول:

دوران قبل از ازدواج پدر و مادر

مقدمه

اساسی ترین بنیان جامعه خانواده است، با ایمان و عمل صالح و انتخاب سنجیده و درست می توان به خانواده با معیارهای اسلامی دست یافت، بنابراین تمام موارد لازم جهت تربیت صحیح را باید رعایت کنند، چرا که با تربیت صحیح کودک، خانواده موفق خواهد بود و میزان مشکلات خانواده به حداقل می رسد.

گفتار اول: ایمان

اساسی ترین رکن دین -یعنی ایمان به خدای یکتا- انسان را از نگرانی و اضطراب و دغدغه خاطر مصون داشته، در برابر رویداد های نا مطلوب زندگی ثابت و استوار نگه می دارد، به گونه ای که هیچ حادثه ای نمی تواند تزلزلی در او ایجاد کند.

بر اساس بینش اسلامی، هر انسانی از هنگام تولد با فطرت الهی و گرایش به خدا شناسی قدم به عرصه زندگی می گذارد: ساختار وجودی انسان به گونه ای است که او را به سوی خدا هدایت می کند و در این میان، تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد، بلکه همه انسان ها در آغاز زندگی، از استعداد خاصی برای حقیقت جوی و نیل به کمال بهره مندند.

با وجود این فطرت و ساختار وجودی انسان در هر شرایطی به صورت یکسان عمل نمی کند و ممکن است عوامل نامساعد بیرونی و محیط ناسالم زندگی مانع از شکوفایی و بروز نقش صحیح آن گردد.

براین اساس، لازم است به این جنبه از وجود آدمی توجه ویژه ای مبذول گردد تا حس دینی اش شکوفا گردد، به خصوص در مورد کودکان و نوجوانان توجه به این جنبه وجودی آنها اهمیت فراوان دارد، زیرا نسبت به بزرگسالان تربیت پذیرند. این کار تنها در سایه تربیت صحیح امکان پذیر است.^۱

۱. محمد، احسانی، تربیت دینی خانواده، کتابخانه دیجیتال تبیان، تاریخ بازدید، ۹۴

۱-۱- نیروی علم و ایمان:

به موجب روایات مذهبی که به ما رسیده است پیشوایان گرامی اسلام در ۱۴ قرن قبل برای درمان بیماری های روحی و گشودن عقده های روانی مردم به دو نیروی علم و دیگری نیروی ایمان.

به عبارت دیگر از یک طرف رهبران ارجمند اسلام از تمام مبانی علمی و دقایق روانی برای مبارزه با نگرانی استفاده نموده و عقده های روحی را گشوده اند، و از طرف دیگر به قدرت عظیم و بی نظیر ایمان تکیه کرده و دل های ناراحت و نگران را با اتکای به خداوند بزرگ آرام و مطمئن ساخته اند.

(أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)

بدون تردید تاثیر ایمان در آرامش نفس و اطمینان خاطر به مراتب از قدرت علم بیشتر و قوی تر است.

در مواقع خطیر، در آن جایی که نگرانی و اضطراب روح به اوج اعلای خود می رسد و هیجان درونی طوفانی بر پا می کنند و دانش روان شناس از آرام کردن آن عاجز می شود، قدرت نیرومند ایمان به آن ناراحتی خاتمه می دهد و روح خود باخته و طوفانی را مطمئن و آرام می کند. همین نکته است که برنامه اسلام را نسبت به روان شناسی دنیای امروز ارزنده تر می کند و برتری مکتب اسلام را بر تمام مکاتب علمی جهان آشکار می سازد.^۱

۱-۲- پرورش ایمان:

در جهان امروز، در دنیایی که بیشتر توجه مردم به شئون مادی معطوف است، در نظر دانشمندان واقع بین جهان، پرورش های روحانی و ایمانی که منشاء پاکی و فضیلت و سرمایه بزرگ خوشبختی و سعادت است ارزش بسیاری دارد و آنان به چنین تربیت های به نظر تکریم و احترام خاصی می نگرند.

لازم است پدران و مادران جوان به مسئولیت شرعی خویش متوجه باشند و در پرورش ایمان و اخلاق در فرزندان خود کمال جدیت و کوشش را اعمال نمایند و در ضمن تامین سلامت جسم و تقویت عقل و علم کودکان، آنان را افرادی با ایمان و پاک دل، وظیفه شناس و درست کار تربیت کنند. انجام این وظیفه تنها در پرتو دانایی و درستکاری پدر و مادر و مربی طفل میسر است. پرورش کودک یکی از مسائل مهم مذهبی و علمی است.

۱. محمدتقی، فلسفی، کودک از نظر وراثت و محیط، چاپ پانزدهم، تهران، نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۹ ص ۴۹۱ و ۴۹۲

پدر و مادر باید وظایف خود را در تربیت طفل به خوبی فرا گیرند و در مقام عمل به کار بندند تا به تربیت خوب و شایسته فرزند خویش نائل شوند.

لازم مسموعات و مبصرات کودک از راه گوش و چشم وارد مغز او می شود شدیداً تحت مراقبت قرار گیرند. یک سخن پلید و یک منظره منحرف کننده کافی است فکر طفل را از صراط مستقیم بگرداند و برای همیشه او را بدبخت و آلوده نماید.

تکنیک تعلیم اخلاق و مذهب خیلی با تعلیم فکری متفاوت است، زیرا تشخیص خوب و بد و برخوردای از تملک نفس و جمال دوستی و خداپرستی با آشنایی به دستور زبان و تاریخ و حساب فرق زیادی دارد. این تعلیم عملی اصول زندگی جز در محیط تربیتی خاص ممکن نیست. چگونه می توان چنین محیطی ساخت؟ در میان انحطاط اخلاقی امروزه این امر تصمیمی بس خطیر است.

توافق محیط اجتماعی با ضروریات تعلیم و تربیت در وهله اول مستلزم تصفیه پر دامنه ای است. سانسور منظم سینما و رادیو و بستن بسیاری از دانسینگ ها و میخانه ها و تحولی در وضع مطبوعاتی که مورد مطالعه کودکان و جوان قرار می گیرد از آن جمله است.

ساختمانی بدنی و روانی زن و مرد یکسان نیست اتخاذ یک قسم روش تربیتی برای پسران و دختران یک نظریه بی اعتبار قدیمی و باقیمانده ای از دوره ما قبل تاریخ بشریت است.^۱

۱-۳- ضعف ایمان:

در متون اسلامی از ضعف ایمان و کمبود حس معنوی به عنوان عمده ترین عامل نفوذ افکار و عقاید بیگانه و گسترش انحراف یاد شده است. از طرفی اعتقاد به منبع لایزال الهی و قوی ترین و موثر ترین سد و مانع در مقابل کجروی ها و انحرافات و یا به معنای دیگر تهاجم فرهنگی بیگانه تلقی شده است. قرآن می فرماید: و أما من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی!^۲

امام علی علیه السلام می فرماید:

۱. کودک از نظر وراثت و محیط ص ۷ تا ۹

۲. نازعات (۷۹) آیه ۴۰

بندگان خدا! بدانید که تقوا، حصار بلند و غیر قابل تسلط است و بی تقوایی و هرزگی، حصار و با رویی است که حافظ ساکنان خود نیست.

روانشناسان و جامعه شناسان برجسته، منبع و منشأ بسیاری از بزهکاری، جرم و جنایت ها را در ضعف ایمان می دانند. ویلیام جیمز فیلسوف پراگماتیست آمریکایی می گوید: «ایمان نیروی است که در جاهایی که همه ی وسایل مادی بی ثمر می ماند، موثر واقع می شود، درمان می کند، برمی انگیزد و الهام می بخشد.»

استاد مطهری می نویسد:

ریشه بسیاری از انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را باید در لا به لای افکار و عقاید آنان جستجو کرد. فکر این نسل، آنچنان که باید، راهنمایی نشده است.^۱

۱-۴- لغزش های مذهبی:

در عصر ما نوجوانان و جوانان با مشکلات عظیمی روبرو هستند. زیرا از یکطرف تمایلات و گرایش های فطری آنان را به سوی مذهب فرا میخواند و از سوی دیگر خرافه های برخی از شبه مذاهب میخواند و از سوی دیگر خرافه های برخی از شبه مذاهب و القائنات فکری مکاتب و فلسفه ها آنان را از راه و مسیر اصلی دور و منحرف میسازد و یا لا اقل آنان را به تردید و شک درباره آنچه را که تا حال فرا گرفته اند وامیدارد.

از جهت سوم وجود تعصب های مذهبی در نزد عده ای بحدی است که حتی حاضر نیستند اشکالات و ایرادات نسل جوان را بشنوند و از آنچه که در درون شان میگذرد آگاه باشند و یا برای اشکالات و هیجانات فکری شان در این زمینه پاسخ و راه حلی پیدا کنند. دنباله روی آنان در مسیر حیات، اهل جلسه شدنشان، پیروی آنان از اهل مذهب مسأله ای که ظاهراً مثبت و مفید مینماید ولی در مواردی، بویژه آنگاه که افرادی ناآگاه و یا خطرناک در سر راهشان قرار گیرند برای شان میتواند مصیبت آفرین باشد.

زمینه های لغزش در آنان از دیدهای مختلفی وجود دارد که سبب پیدایش تلون عقاید و تغییر آن میشود که این امر برای آینده آنان خطرناک است. اما آن زمینه ها بسیار و برخی از آنها عبارتند از:

کم آگاهی و کم تجربگی آنان و بویژه آنچه تحت عنوان ضعف عقیدتی مطرح است. غلبه احساسات بر عقل که سبب می شود گاهی تحت القائنات قرار گیرد.

۱. احمد، طهماسبی، شبیخون فرهنگی، چاپ هفتم، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۹۱، ص ۴۵

علاقتمندی به پذیرفته شدن در جمع، بویژه در جمعی که جنبه احترامی او محفوظ باشد. میل به تنوع طلبی و علاقتمندی به نو آوری هائی که در زندگی مطرح میشود. تمایل به آن دستور العملی که از یک سو جنبه فطری خدا جوئی او را ارضا کند و از سوی دیگر میل به آزادی بی بند و بار او را اقناع نماید. تمایلات غریزی، بویژه در آنگاه که از این چارچوب استفاده سوئی شود و او را بغلطاند. میل به استقلال از قید و بند خانواده که تلون عقیده میتواند نوعی دهن کجی نیز برای آنان بحساب آید.^۱

۱-۵- تقدم تربیت خود بر تربیت دیگران:

تربیت نفس (خود سازی) از حیث رتبی و زمانی بر تربیت نفوس تقدم دارد. فلسفه تربیتی اسلام، ناظر به تعالی فرد و جامعه است، لیکن اولی را مقدم و اولی بر دومی تلقی می کند. چنانچه آدمی قادر به سلطه بر خویشتن شود، در پرورش دیگران نیز توفیق خواهد یافت. یکی از فرمایش های حضرت علی علیه السلام ناظر به همین معناست:

هرکس که خود را در منصب پیشوایی مردم قرار میدهد، باید پیش از آنکه به تربیت دیگران اهتمام ورزد، در تأدیب نفس خویش همت گمارد و کسی که ابتدا به تعلیم نفس خود قبل از تأدیب دیگران، پردازد، بیشتر سزاوار تجلیل و تکریم است، نسب به کسی که به تعلیم دیگران اشتغال دارد.

بی تردید مربیانی که قادر به خود سازی و تعالی خود باشند، در ساختن جامعه ای متعالی و پیشرو توانا هستند و در جلب اعتماد دیگران از موفقیت چشمگیری برخوردارند. امام خمینی در این زمینه می نویسد:

«تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را، از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید، شما نمی توانید دیگران را تهذیب کنید، آدمی که خودش آدم صحیحی نیست نمی تواند دیگران را تصحیح کند، هر چه هم بگوید، فایده ندارد»

باطن و ظاهر آدمی، دو جلوه از واقعیت وجودی او را تشکیل می دهند، اولی نمود پیچیده و پنهان این واقعیت را به خود اختصاص می دهد و دومی نمود کم و بیش آشکار و سطحی را شامل می شود. این دو جلوه از رابطه ای معنا دار و عمیق با یکدیگر برخوردارند.

۱. شناخت، هدایت و تربیت، قائمی، دکتر علی، چاپ پنجم، انتشارات امیری، ص ۱۹۰، تران ۶۳

یکی از بهترین توصیف‌ها در این زمینه را می‌توان از کلام حضرت علی علیه السلام برداشت کرد، بدان برای هر ظاهر و آشکاری، برابر آن باطن و پنهانی است، پس آنچه را ظاهر نیکو باشد، باطنش هم نیکوست، و آنچه را ظاهرش زشت و بد باشد، باطنش نیز زشت و ناپاک است.

مکتب تربیتی اسلام، ناظر به تحول آدمی از درون و اعماق وجود اوست، زیرا چنین دگرگونی که از درون و باطن ایجاد شود، به ندرت در معرض زوال قرار می‌گیرد و به تعبیری در وجود او نهادینه می‌شود.

علاوه بر آن، انسان برای دست‌یابی به هر تحولی نیاز به امید و نگرش مثبت دارد تا انگیزه‌ای برای تحولات بعدی در او ایجاد شود.^۱

قرآن شریف می‌فرماید: یا ایها الذین آمنوا أَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ^۲

ای افرادی که ایمان آوردید شما باید هم خودتان و هم زن و بچه‌تان را از آتش جهنم نجات بدهید. چنانکه به فکر خود هستید به فکر اولادتان باید باشید، چنانکه خود روزه می‌گیرید به فکر روزه گرفتن اولادتان باشید. چنانچه نماز می‌خوانید و حجاب می‌گیرید به فکر اولادتان باشید.

إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ.^۳
ورشکسته آشکار در روز قیامت آنست که باید برای خاطر اولاد به جهنم برود، ورشکسته آشکار آن است که خود و زن و بچه‌اش را از آتش جهنم نجات نداده است. و در روایات می‌خوانیم: وای بر آن پدر و مادری که به فکر دنیای بچه‌هایشان هستند، اما به فکر آخرت آنها نیستند. بفکر اخلاق و ادب بچه نیستند.^۴

گفتار دوم: انتخاب همسر

با توجه به اهمیت همسرگزینی و تاثیر فروان آن در شکل‌گیری شخصیت فرزند در منابع روایی از قول پیشوایان معصوم علیهما السلام توصیه‌هایی بیان شده است، از جمله: از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که می‌فرماید:

۱ دکتر محمد رضا شرفی، تربیت اسلامی، با تاکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران، نشر پنجره، ۱۳۷۹، ص ۲۹ و ۶۳ و ۶۴

۲ تحریم (۶۶) ۶۰

۳ زم (۳۹) ۱۵

۴ حسین، مظاهری، تربیت فرزند از نظر اسلام، چاپ دهم، نشر بین الملل، ۱۳۸۸، ص ۸ تا ۳

أَنْظُرْ فِي أَى شَىءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛

بنگر فرزند خود را کجا قرار می دهی که عرق اثر گذار است.

تَخَيَّرُوا لِنُطْفَتِكُمْ فَاَنْكِحُوا الْكُفَّاءَ وَ انْكِحُوا اِلَيْهِمْ؛

برای نطفه های خود محل مناسب انتخاب کنید و از اشخاص هم شأن خود زن بگیرید و به آنها زن بدهید .

نظر به اهمیتی که مادر خوب در تکوین شخصیت طفل و پرورش همه جانبه او و در نتیجه بهسازی جامعه دارد، در اسلام توصیه شده در انتخاب همسر، عفت، اصالت خانواده و شرف، تقوا و ایمان زن را در نظر بگیرند.

از نظر مذهب، وجود زن مایه خیر، آرامش، سکون و وقار است اوست که با انتقال خصائص و روحیات انسانی خود به کودک، به جامعه بشری انسان تحویل می دهد. و «بهشت زیر پای مادران است. زیرا بخش اعظم سعادت‌مندی فرزندان و در نتیجه لایق بهشت شدن، توسط آنان پایه ریزی می شود.

ضمناً بعد از اطمینان از حسن خلق و سایر شرایط معنوی، قبل از اقدام به امر ازدواج، انجام آزمایشات مهمی همچون تالاسمی یا مشاوره ژنتیک که به صورت قانونی اجباری نیست توصیه می شود.

بخصوص در شرایطی که ازدواج فامیلی باشد و یا سابقه تولد یک فرزند با اختلال ژنتیکی در خانواده یکی از طرفین وجود داشته باشد.

البته شایسته است دختران و پسران قبل از ازدواج خود را برای پدر و مادر خوب بودن آماده نموده و در کسب آگاهی های دینی و ارتقای معنوی خود بکوشند؛ در این صورت زن و شوهری که آراسته به حسنات و پیراسته از سیئات و رذائل شوند، نسبت به هم منبع آرامش آسایش و برای فرزندان عامل رشد و کمال و ترقی خواهند بود.^۱

۲-۱- شرایط انتخاب همسر خوب:

از یک نظر، وجود مادران را می توان به ظرفی تشبیه کرد که آدمی خوراک یا شربتی را در آن می گذارد، بدیهی است که هرچه ظرف پاکیزه تر باشد، مطروف هم گوارتر خواهد بود. امام علی علیه السلام می فرماید: «همانامادران به منزله ظروفند»

۱. سیما، میخبر، ریحانه بهشتی، چاپ ۱۳۹۱، قم، ناشر نوال الزهراء، ۱۳۹۵ ص ۲۷ و ۲۸

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم فرمودند: «پرهیزید از گیاه سبز و شادابی که در مزبله گاه می روید». پرسیدند: منظور از خضرء دمن چیست؟ فرمود: «منظور زن زیبایی است که در یک خانواده بی تربیت بار آمده باشد». کسی که در آستانه زناشویی است و می خواهد کانون خانوادگی یعنی همسر آینده اش را انتخاب کند، نباید تنها در فکر پیدا کردن دوشیزه ای باشد که از میان تمام مزایا، فقط دارای زیبایی و حسن اندام است و بس، اما فاقد مزایایی اخلاقی و خانوادگی است. زیرا در یک همسر ایده آل و خوب، تنها زیبایی شرط نیست، بلکه به اضافه زیبایی، اخلاق و نجابت، حسن معاشرت و سازگار بودن، صلاحیت فامیلی و سایر مزایای معنوی نیز از شرایط مهم و اساسی او بشمار می رود. افراد کوتاه نظر تنها به پیروی از مطامع شهوت پرستانه و تمایلات جنسی خود که یک نوع غریزه حیوانی است می روند و عمر و زندگی گران بهای خود را فدای شهوت موقت می کنند پس از چند صباحی در اثر نامساعد بودن وضع اخلاقی و عدم توافق فکری، اختلافات داخلی، تشاجر و بدبینی در میان آن دو پیدا شده، رفته رفته زندگی آنان را تلخ تر و آشفته تر ساخته تا در نتیجه، این زن و شوهر جوان با فرسودگی روحی و آلام فکری، اعصاب در هم ریخته، ناراحتی، پریشانی قلبی و اضطراب خاطر مواجه شده و به جای یک زندگی شیرین، لذت بخش و آرام، عمری را تلف کرده و چه بسا منجر به جدایی و طلاق می شود. و این خود، عواقب بسیار خطرناکی در پیش دارد که یکی از آنها بی سرپرست ماندن طفل معصوم و آشفته گی تربیت آنان و اختلال زندگی طرفین است، متأسفانه باید گفت که در اجتماع کنونی ما این گونه جوانان بی خبر زیادند که با یک نگاه سطحی دل را باخته و به مصداق «هر آنچه دیده ببیند، دل کند یاد» عجولانه پیشنهاد ازدواج می کنند و دیگر فکر نمی کنند که این امر حیاتی بازیچه نیست که با یک روز خاتمه پذیرد، بلکه یک عمر می خواهد با همسر خود به سر برد و باید به سایر مطالعات لازمه نیز بپردازد و با یک نظر عاقلانه، دقیق و همه جانبه ببیند آیا این همسری را که به دنبال یک نگاه کوتاه می خواهد به او پیشنهاد ازدواج کند، از لحاظ صلاحیت اخلاقی، اصالت و نجابت خانوادگی نیز نظر او را تامین می کند.^۱

انتخاب همسر، هم برای مرد هم برای زن، از دوره های حساس زندگی به شمار می رود. کامیابی زندگی آینده در تمامی ابعادش، به انتخاب درست، هنگام ازدواج بستگی دارد. بسیاری از ناکامی های زندگی زناشویی، از انتخاب نادرست سرچشمه می گیرد. اگر انتخاب،

۱. علی محمد، نراقی، حیدری رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، چاپ سیزدهم، قم، انتشارات مهدی نراقی، ۱۳۸۸ص ۳۱۲

درست و مناسب صورت گیرد، آینده خانواده، روشن و امیدبخش خواهد بود و گرنه، سرنوشتی تیره و یا دست کم مبهم در انتظار خانواده خواهد بود. منطق این امر، آن است که موفقیت خانواده به ویژگی های همسران بستگی دارد و خاستگاه بخشی از این ویژگی ها، پیش از ازدواج است.

ازاین رو انتخاب شایسته، نقش مهمی در پایداری ازدواج دارد. دراینجا، موضوع انتخاب همسر، به جد مورد توجه قرار گرفته و دو مسئله، بررسی شده است: یکی دقت در انتخاب و دیگری معیارهای انتخاب.

معیار های انتخاب همسر مناسب، دینداری، حسن خلق، همسانی، خردمندی است. برای انتخاب باید معیاری در دست داشت تا بتوان بر پایه آن، به گزینش در موضوع انتخاب همسر، یک جهتگیری کلی و یک سری معیارهای مشخص برای انتخاب وجود دارد. جهت گیری کلی معیار ها، هماهنگی آن با دیدگاه دین درباره ازدواج است. از آن جا که دیدگاه دین در فلسفه ازدواج، «سکونت- تربیت» است، معیارهای انتخاب نیز در راستای تامین همین هدف تنظیم شده اند.

۱- دینداری:

آنچه بیش ازهر چیز مهم است، دینداری همسر است. همسر دیندار، در تضمین سرنوشت توحیدی فرد و همچنین تربیت توحیدی فرزند، نقش اساسی دارد. شخص دیندار، ویژگی های دارد که عامل موفقیت در زندگی زنashویی و پایداری خانواده می گردد.

در یک کلام می توان گفت که تمام ویژگی های لازم برای یک زندگی موفق و شاد، به نوعی زیر مجموعه ایمان و دینداری قرار می گیرد. از این رو به دیندار بودن همسر، توجه جدی شده است.

یکی از معیارهای مهم در انتخاب همسر، «خوش اخلاقی» است. در برخی روایات، سفارش شده است که دخترانتان را به ازدواج مردان خوش اخلاق در آورید. پیشوایان دین، همان گونه که به والدین سفارش می کنند که به مرد بد اخلاق دختر ندهند، به مردان نیز این نکته را گوشزد می کنند که در انتخاب همسر، معیار حسن خلق را در نظر بگیرند.

۲- همسانی یا کفو بودن:

همسانی یا «کفو بودن» از دیگر معیار انتخاب همسر است. همسانی، موجب تناسب و همسویی بیشتر همسران با یکدیگر می گردد. میان تناسب همسران و اختلاف خانوادگی، رابطه معکوس وجود دارد. هر اندازه که تناسب بیشتری میان همسران برقرار باشد، زمینه های اختلاف و تنش، کمتر می گردد و در نتیجه، زندگی بهتری شکل می گیرد، سطح رضامندی همسران افزایش می یابد و پایداری خانواده تضمین می گردد. با توجه به تعدد ابعاد همسران، همسانی در چند بعد فرهنگی و شخصیتی مورد توجه قرار می گیرد.

۳- خردمند:

معیار دیگر در انتخاب همسر، خردمندی همسر است. مراد از خردمندی، دیوانه نبودن فرد و فقدان بیماری های روانی است که موجب اختلال در تشخیص و تصمیم درست می شود.

همسر باید حداقل های تفکر منطقی را دارا باشد تا بتواند زندگی سالمی را رقم بزند. این ویژگی، در دو زمینه نقش آفرین است: یکی در روابط میان همسران و دیگری در تربیت فرزند. خردمندی طرفین یک ارتباط، از لوازم موفقیت آن ارتباط است. و این مهم، در خانواده - که این ارتباط، تنگاتنگ است - اهمیت بیشتری می یابد.

از سویی، زندگی با فرد نابخرد، بسیار آزاردهنده است و همسران، زندگی را تلخ و زجرآور خواهد ساخت. از سوی دیگر، این ویژگی می تواند از راه وراثت یا تربیت، به فرزند منتقل شود و آینده فرد دیگری را نیز به تباهی بکشاند و زندگی خانوادگی دیگری را با مشکل رو به رو سازد.^۱

۲-۲- پرهیز از ارزش های دروغین در ازدواج:

در امر مقدس ازدواج که پایه تربیت انسانهای کامل است، نباید ارزشهای دروغین و آداب و رسوم ناروا و ناپسند توجه نمود

بلکه سلامت جسم و جان و دین دختر و پسر را باید اساس پذیرش قرار داد. بزرگان قبائل و سرمایه دارانی با باور های زشت مادی و جاهلی، از دختر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خواستگاری نمودند، ولی جواب منفی شنیدند.

۱. عباس، پسندیده، رضایت از زناشویی، چاپ ششم، قم، انتشارات سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۹۰، ص ۷۶ و ۷۴

پیامبر و فاطمه سلام الله علیها، در شرایطی به ازدواج امام علی علیه السلام پاسخ مثبت دادند. که نه سرمایه ای داشت و نه باغ و زمین و اموال فراهم آورده بود
در این ازدواج مقدس، توجه فاطمه سلام الله علیها به ارزشهای معنوی و سلامت معنوی و سلامت و عصمت همسر آینده اش بود.^۱

گفتار سوم: خانواده

خانواده یکی از محیط هایی در جامعه ما است که تعاملاتی را پدیدآورده و القا می کند که منجر به جامعه پذیری و شکل گیری جهانبینی جمعی قوی و جهانبینی فردی ضعیف می شود. در محیط های خانوادگی جامعه ما، اعضای خانواده با آراء، ایده ها، سلیق، باور ها و رفتارهای مختلفی روبرو هستند که برخاسته از تفاوت های مختلف سنی، جنسی، علمی و تجربی آن هاست، اما حرکت کلی اعضای خانواده در جهت یک الگوست اکنون در خانواده ها بر خلاف گذشته حتی افراد کوچکتر اجازه طرح آراء و سلیق خود را دارند، ولی آنچه تغییر نکرده این دیدگاه است که آراء، نظرات، سلیق و رفتارهای مختلف نباید در جهت یک رنگ و محتوا شدن، به نفع یکدیگرکنار روند. بنابراین، با وجود طرح آراء و سلیق مختلف، در راه جمع بندی و نتیجه گیری کلی، جملگی به نفع یکی کنار می روند.

در نتیجه با پدیده تعارض بین نسل ها مواجه هستیم به بیانی دیگر، جهانبینی های فردی با وجود طرح، به نفع جهانبینی فردی قوی تر با جهان بینی های جمعی کنار می روند و در کنار آن جذب نشده و به موجودیت خود ادامه نمی دهند، و عملاً فاقد تاثیرگذاری بر نهاد خانواده بوده و خواهند بود. در جامعه ای الگوهایی موجودند که در قالب باورها، هنجارها، ارزش ها، عادت ها، کنش ها و... بروز می کنند، ولی هرگز به زبان رانده نشده و در بسیاری از موارد افراد عمل کننده، حتی از وجودشان نیز آگاهی ندارند و فقط به گونه ای بدیهی و ناخواسته، آن ها را در سبک زندگی در منزل و فعالیت های کاری پدید آورده و به کار می برند. در اظهارات رسمی و رفتارهایی که اهدافشان ذکر شود، به کار نمی برند، بلکه آن ها را به صورت معنا دار جهت دهنده نگرش ها، قضاوت ها و رفتارهایشان می سازند، «الگو هایی خاموش» گفته می شود آن دسته از الگوهایی که افراد از آن آگاهی ندارند و یا به گونه ای بدیهی و مفروض، آن ها را اعمال می کنند. الگوهایی پنهان می نامند. در شرایطی که در خانواده، قدرت و خود کامگی افراد بزرگتر، خواهان ساختار روانی و فکری باشد که به فرد

۱ محمد، دشتی، فرهنگ سخنان حضرت زهرا سلام الله علیها، چاپ سیزدهم، قم، انتشارات مشهور، ۱۳۸۹ ص ۱۸ و ۱۹

اجازه بروز خواست ها و تمایلاتی مختلف و مخالف را ندهد، افراد زیر دست از رشد و قوام شخصیت و استقلال لازم برخوردار نشده و به درستی نمی توانند راه آزاد را تجربه کرده و بیاموزد.

در نهاد خانواده، مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی، دخالت های بی جا (در خانواده یا جامعه) همچون ترساندن، تحکم، امر و نهی های بی مورد می تواند مانع از رشد کودک شود. چنین تعاملات معطوف به قدرتی منجر به رشد شخصیتی ناقص و رشد نارس می شود و حاصلش آن می شود که بسیاری از بزرگسالان از مرحله خود محوری کودکی به درستی بیرون نیایند و بلوغی نا تمام داشته باشند. این افراد هنگامی که وارد جامعه شوند در تمامی کنش های اجتماعی همواره خود را سرکوب می کنند.^۱

یکی از کارکردهای تشکیل خانواده بعد از نیازی جنسی و تولید بچه، تعلیم و تربیت، یا آموزش و پرورش است.

در نظام مدرن چپ کوشیده می شود که خانواده حذف شود و به جای آن بر تربیت و تعلیم اجتماعی توسط دولت تاکید می شد (شوروی و اسرائیل اولیه) به این معنی که جامعه به جای خانواده مورد تعلیم قرار می گرفت که البته شکست خورد.

آموزش و پرورش خانواده بر اساس الگو گیری انجام میشود؛ یعنی بر اساس الگو هایی که پدر و مادر ترسیم می کنند. به عبارت دیگر، فرزند در عمل یاد می گیرد نه با گفتن اولین قدم در تربیت الگویی، تقلید است؛ یعنی بچه براساس اینکه به چه کسی تکیه کند به تقلید نقش ها می پردازد؛ یعنی تکرار نقش پدر و پسر و مادر و دختر.

یکی دیگر از حالاتی که تعلیم و تربیت از خانواده خارج می شود و به جامعه سپرده می شود زمانی است که تحولات اجتماعی به شدت اوج می گیرند و خانواده در فشار از بیرون واقع می شود مثل زمان انقلاب و جنگ و دیگر تحولات اجتماعی این وضعیت سبب می شود که وزنه جامعه سنگین تر شود و خانواده در حالت محافظه کارانه ای قرار بگیرد.^۲

والدین باید در تربیت فرزندان هدف معین و واضحی داشته باشند. مهمترین هدف همان رشد تکامل شخصیتی و سخن گفتن در مورد شخصیت و تکامل آن است؛ یعنی کودک از بدو

۱. کاوه، احمدی علی آبادی، فراتحلیل هایی بر آسیب های اجتماعی و فرهنگی در جامعه، کتابخانه مجازی ایران، ص ۲۴ و ۶۷

۲. ابراهیم، فیاض، مهندسی فرهنگ عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر کتاب، ۱۳۹۲، ص ۱۵۶

تولدش دارای نعمت های خاصی بوده که به واسطه همان ها، والدین و مربیان برای تعلیم و تربیت فرزندانشان تلاش می کنند.

والدین جهت موفقیت در تربیت فرزندان صالح و ایجاد آینده یی درخشان برای آنها باید برای آنها مواردی را در نظر داشته باشند که عبارتند از:

- ۱- آشنایی با نشانه های تعلیم و تربیت اسلامی و علوم تربیتی
 - ۲- استفاده از کتاب ها و روزنامه های تربیتی تا جایی که می توانند
 - ۳- مشارکت در روش تعلیمی خانواده برای دست یابی به نشانه های تربیتی لازم.
 - ۴- استفاده از تجربه ی مادران و پدران که توانستند فرزندانی دانا به جامعه تقدیم کنند.
- در بین خانواده های شهری روستایی استفاده از دستگاه های ویدیویی و الکترونیکی به تعداد زیاد متداول می باشد و هر روز نیز به تعداد مصرف کنندگان این دستگاهها افزوده می شود. سرمایه داران و صاحبان تولیدات از این فرصت برای ایجاد انحطاط فکری و افزایش ثروت و فرستادن نوارها و برنامه های رایانه ای مبتذل برای هدایت به سوی بازار کشورهای جهان سوم از جمله بازارهای کشورمان استفاده می کنند.
- والدین باید مجموعه یی از برنامه ها و نوارها ی مفید را در خانه مورد استفاده قرار دهند تا فرزندان از دیدن نمونه های فاسد بی نیاز شوند.
- با گسترش چارچوب دستگاه های تبلیغاتی در جهان، نوعی پیچیدگی بین ارتباطات فردی ایجاد شده به احتمال قوی، وسایل ارتباطی و تبلیغاتی به دلیل تنوعی که دارند، باعث می شوند فرزندانمان در آینده دارای ارتباط های تنگاتنگ - که پیچیدگی های زیادی به همراه دارد- با سایر افراد اجتماعی شوند.^۱

۳-۱- حق فرهنگی:

هدایت، مراقبت، رسیدگی، آموزش و از حقوق اعضای خانواده است که سرپرست خانواده تامین آنها را برعهده دارد. غفلت کم کاری و بی اعتنائی به این امور، به هر دلیل و بهانه ای که باشد، پذیرفتنی نیست و شخص مقصر را در برابر ملامت وجدان و نكوهش دیگران، بی دفاع و محکوم می سازد.

۱. زهراسحق، حسنعلی، میرزابیگی، نقش خانه و مدرسه در تربیت کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، ناشر فراگفت، ۱۳۸۹، ص ۱۲ و ۱۳ و ۱۴

یکی از وظایف مرد در خانه تعلیم و ارتقای فرهنگ افراد و مواظبت بر سلامت روحی و اخلاقی و ارشاد در زمینه مسائل فکری و فرهنگی و حتی سیاسی اجتماعی است. البته تامین نیاز های عاطفی و تربیتی هم که شامل همه افراد و همه مراحل می شود، تکلیفی دیگر است^۱

۳-۲- والدین، اسوه های محیط خانواده:

یکی از مسائل مهم تربیتی نوع پوشش والدین در محیط خانواده است. پدر و مادر وظیفه دارند که نوع پوشش خود و همچنین به پوشش که بر تن فرزندانشان می کنند، توجه داشته باشند.

حیا یکی از فطریات انسان بوده که در جای خود ثابت شده است، اما متأسفانه برخی از والدین با نوع پوشش این فطرت الهی را در وجود فرزندانشان سرکوب می کنند. والدین می توانند با نوع پوشش خود حیا و عفاف فطری فرزند خود را شکوفا کنند؛ اما برخی به این مطالب اصلاً التفاتی ندارند و با بی تفاوتی تمام از کنار این موضوعات می گذرند.

انسان با نوع پوشش خود، محیط خانواده را الهی و یا شیطانی می کند. کسی نگوید که مقصد شیطانی کردن محیط خانواده را نداشتیم، زیرا همان طور که عرض شد، نیت ما دخالتی در پرورش دادن ندارد اگر والدین همسو با فطرت خود و فرزندانشان رفتار نمایند، محیط خانواده را الهی کرده اند؛ و گرنه خواهی نخواهی شیطان جایگزین خواهد شد.^۲

۳-۳- مفاسد سوء تربیت:

بعضی از پدران و مادران خود مردمی فاسد و بد اخلاقند و فرزندان خود را با خوی مذموم و خلق ناپسند خویش تربیت می کنند. این کودکان در محیط خانواده از پدر و مادر درس نادرستی و بد اخلاقی می آموزند و با نا پاکی و انحراف رشد می کنند. بدیهی است رفتار و گفتار چنین کودکانی در اجتماع جز پلیدی و فساد نخواهد بود.

بعضی از پدران و مادران تنها توجه خود را به تامین غذا و لباس و مسکن کودک معطوف داشته و به علت نادانی و نارسایی فکر کمترین توجهی به جهات تربیتی و اخلاقی طفل ندارد و اگر فرضاً موقعی بخواهند به این وظیفه بزرگ توجه کنند و در اخلاق و آداب کودک اعمال نظر نمایند، نمی دانند چه کنند، چه بگویند، و کودک را چگونه رهبری نمایند.

۱. جواد، محدثی، راه زندگی الفبای سعادت خانواده، چاپ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۹۸.

۲. حاج آقامجتبی، تهرانی، ادب الهی تربیت فرزند، جلد سوم، چاپ دوم، نشر موسسه فرهنگی و پژوهشی مصابیح الهدی تهران

زیرا هرگز به فرا گرفتن برنامه پرورش اخلاق کودک علاقه نداشته اند و نمی خواسته اند وظیفه خود را در این امر مهم بفهمند.

بعضی از پدران و مادران تا اندازه ای معنی پرورش های اخلاقی و تربیت های روانی را می فهمند و راه اعمال آن را نیز می دانند، ولی عملاً از انجام وظیفه شانه خالی می کنند و برای خود در این باره احساس مسوولیتی نمی نمایند. اینان گویی رشد روانی کودک را تابع پیشامدهای اتفاقی دانسته بدون کمترین مراقبت طفل را به دست تصادف می سپارند و به راه بی بند و باری رها می کنند! طولی نمی کشد که نتایج سوء این بی اعتنایی و عدم مراقبت آشکار می گردد. این قبیل اطفال در اثر نداشتن شخصیت اخلاقی و نیروی روانی خیلی زود تحت تاثیر عوامل مخرب و گمراه کننده قرار می گیرند و از صراط مستقیم منحرف می شوند و ممکن است به انواع گناهان و ناپاکی ها دست بزنند. در هر صورت این قبیل پدران و مادران مسؤلیت دارند.^۱

۳-۴- وظیفه والدین در ادای مسؤلیت تربیتی:

ممکن چنین تصور شود که ادای مسؤلیت اقتضا می کند والدین تمام توان خود را در این راه به کار گیرند تا فرزندان آنان از نظر اعتقادی و عملی افرادی متدین بار آیند، در غیر اینصورت، مسؤلیت آنان انجام نیافته است. شاید علت اینکه یکی از یاران پیامبر بعد از نزول آیه تحریم نشست و شروع به گریه کرد، همین برداشت از آیه و مسؤلیت والدین بوده است. اما خوشبختانه پاسخ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به این صحابی و نیز روایات دیگری که در ذیل این آیه از معصومان وارد شده است، با این برداشت سازگار نیست. مطابق این روایات، ادای این مسؤلیت به این معنا نیست که والدین با فرزندان خود چنان رفتار کنند که آنان لزوماً افرادی متدین و معتقد تربیت شوند، بلکه والدین باید فرزندان و خانواده خود را به نیکیها امر، و از بدیهها نهی کنند. به عبارت دیگر، مسؤلیت والدین این است که عبادات و آداب و اوامر و نواهی دینی را به آنها بیاموزند و آنان را به انجام اوامر مذکور، امر و ارتکاب محرمات الهی، نهی کنند. خود پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در مواجهه با مردی که به گریه وزاری مشغول بود، فرمودند. همین که آنان را امر کنی به آنچه خود را به آن امر می کنی و نهی کنی از آنچه خود را از آن نهی می کنی (برای انجام مسؤلیت) کفایت می کند.^۲

۱. کودک از نظر وراثت و محیط، ص ۱۰۷

۲. محمد، داوودی، تربیت دینی، جلد دوم، چاپ هفتم، قم، انتشارات، حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، ص ۲۴۷

غرب در طول دوران استعماری خود به یاری متخصصان خود فروخته، عوامل استحکام خانواده را بررسی کرده و آنها را یکی پس از دیگری تخریب نموده است. از هم گسیختگی خانواده یک ناهنجاری شناخته شده است و باید به طور جدی با آنان مبارزه گردد. افزایش سطح سواد والدین، جلوگیری از ازدواج های تحمیلی، تقویت مراکز مشاوره جهت راهنمایی افراد در انتخاب همسر مناسب، وازدواج های صحیح، آشنا نمودن زن و مرد نسبت به حقوق خود در زندگی مشترک، آگاهی به زوجین در زمینه ایجاد ارتباط درست با یکدیگر و آشنا نمودن افراد جامعه با اهداف اسلامی ازدواج و روش های صحیح تربیتی از عوامل مهم جلوگیری از گسیختگی خانواده هاست.

اگر محیط خانواده به کانون امنیت و آسایش برای فرزندان مبدل شود و پدر و مادر در آن با فرزندان شان پیوند دوستی برقرار نمایند، آنان نیازها و کاستی های مادی و معنوی خویش را با والدین در میان می گذارند و در نتیجه گروه های منحرف نخواهند توانست آنها را در دام فریب خود بیفکنند.

این مهم برآورده نخواهد شد مگر آن که پدر و مادر خود را مسئول بدانند و حقوق همدیگر را مراعات کنند و احترام یکدیگر را پاس دارند، در این میان وظیفه دولت در جهت حفظ کانون خانواده ها، سامان دادن به امور اقتصادی است.

به صورتی که خانواده ها برای امرار معاش ناچار از داشتن چند شغل نباشند و بتوانند ضمن نظارت و همیاری با فرزندان، ارتباط عاطفی و کلامی با آنان برقرار نمایند، همچنین ترویج و ابلاغ معارف دینی و تشویق مردم است.

بر پایی فرهنگ و شعایر اسلامی و اهمیت دادن به دستورات قرآنی و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین اولین قدمی است که باید در مبارزه با تهاجم و شبیخون فرهنگی از طرف ملت ما برداشته شود.^۱

نتیجه:

مهمترین عامل که در تربیت کودک نقش دارد، ایمان زوجین بویژه ایمان و عفت و حسن خلق زن است که با نبود مرد کانون گرم خانواده را مستحکم می کند و ضعف ایمان

۱. عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، قم، ناشر: شکوفه یاس، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵ و ۱۷۶

ضربه سنگینی به بنیان خانواده وارد می کند. بنابراین با انتخاب صحیح طبق معیارهای دینی می توان به خانواده اسلامی دست یافت و تربیت فرزندان را به درستی انجام داد.

فصل دوم:

دوران انعقاد نطفه و تولد کودک

مقدمه:

در تربیت فرزند، نکاتی باید مورد توجه قرار بگیرد ابتدا زوجین قبل از انعقاد نطفه سعی کنند روح خود را از رذایل اخلاقی پاک کنند، و در زمان انعقاد نطفه نکاتی را رعایت کنند و تغذیه مناسب داشته باشند تا تربیت صحیح میسر شود. و از سیره معصومین علیهم السلام در این رابطه استفاده نمایند.

گفتار اول: قبل و بعد انعقاد نطفه:

در دین مقدس اسلام، هم از لحاظ مادی بررسی می شود و هم از لحاظ معنوی، درست است که غذای مسموم موجب اختلالاتی در دستگاه های بدن فرزند می شود؛ ولی غذای حرام تاثیری بدتر در روح و روان فرزند می گذارند.

امام حسین علیه السلام در خطاب به مردم کوفه و شاید بیان علت آن همه پستی می فرماید:

قَدْ مُلِّتْ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ

شکم های شما از حرام پر شده است.^۱

در قرآن کریم می فرماید: (كلوا من الطيبات و عملوا صالحا)

از غذاهای پاکیزه بخورید و کار نیک و شایسته انجام دهید.

این آیه نیز به ارتباط بین تغذیه پاکیزه و عمل صالح اشاره دارد.

از این رو بسیار سفارش شده که غذای حلال و طیب استفاده کنید و از غذای حرام و حتی غذای مشکوک پرهیز نمایید. در زندگانی رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم دیده شده که برای انعقاد نطفه حضرت زهرا سلام الله علیها به امر خداوند چهل روز از حضرت خدیجه سلام الله علیها کناره گرفت و پس از چهل روز عبادت و روزه داری، با غذای که از بهشت آورده شد افطار کردند، آنگاه نطفه حضرت زهرا سلام الله علیها منعقد شد. شاید با تاسی از

۱. محمد، دشتی، فرهنگ سخنان امام حسین، ناشر بهشت جاوید، تهران ۱۳۹۱، ص ۳۳۶.

همین سنت باشد که عده ای از بزرگان سفارش می کنند که والدین پیش از بچه دار شدن، روزه بگیرند یا عبادت خاصی را انجام دهند.

از جمله موارد تاثیر گذار که، به پدران و مادران سفارش شده است آنست که در حین نزدیکی با وضو بوده و به یاد خدا باشند. بدیهی است یاد خدا موجب آرامش قلب می شود و در فرزند اثر مثبتی خواهد داشت. همچنین رغبت و میل قوی جنسی زوجین، در زیبایی جنین و هوشمندی وی اثری قطعی خواهد نهاد. ترس و اضطراب والدین به هنگام عمل زناشویی، بدترین تاثیر را بر روی طفل می گذارد؛ همانگونه که آرامش خاطر پدر و مادر؛ تاثیری بس نیکو در فرزند می نهد. تاثیر خستگی زیاد، روی جنین کاملاً محسوس است و او را ضعیف و رنجور می کند.^۱

ایجاد علاقه به علم در فرزندان، به زمان انعقاد نطفه باز می گردد. بر اساس روایات دینی ما؛ اگر نطفه فرزند، شب پنج شنبه یا عصر جمعه منعقد شود، به آموختن علم علاقه مند و دانشمند خواهد شد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به حضرت علی فرمود:

یا علی ان جامعه اهلک ليله الخميس فقضى بینکما ولد فانه یكون عالما و ان جامعهها

یوم الجمعة بعد العصر فقضى بینکما ولد فانه یكون معروفا مشهورا عالما

ای علی! اگر از تو و همسرت، شب پنج شنبه نطفه ای منعقد شود، دانشمندی از دانشمندان، و اگر عصر جمعه فرزند می میان شما پدید آید، مشهور و اندیشه ور خواهد شد.

از علل علاقه مندی فرزند به کتابخوانی، این است که مادر باردار، در دوران جنینی برای فرزندش کتاب بخواند این مسئله پس از چهار ماهگی که دستگاه شنوایی جنین شکل می گیرد و به ویژه در سه ماه آخر بارداری، اهمیت ویژه ای می یابد.

آموزش به فرزند را می توان از دوران جنینی آغاز کرد؛ زیرا در این دوران، صدا ها را می شنود و در مقابل آن ها واکنش نشان می دهد؛ پس خوب است مادر باردار، با جنین خود سخن بگوید و برایش شعر های زیبا و بامحتوای خوب و به ویژه قرآن بخواند؛ همان گونه که حضرت زهرا سلام الله علیها با جنین در رحم خود سخن می گفت.

این رفتار مادر، افزون بر ضمیر ناخودآگاه او نیز اثر می گذارد و پس از سال ها، با این سخنان و شعر ها و آیات شریف قرآن، احساس انس و آشنایی خواهد کرد.

۱. ریحانه بهشتی، ص ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۴۱

آموزش فرزند، بی درنگ پس از تولد آغاز می شود؛ زیرا نوزاد، بر خلاف تصور پیشینیان، هوشیار و تاثیر پذیر است و زمینه یادگیری در او وجود دارد؛ به همین جهت، ۱۲ ساعت پس از تولد، به صدای انسان واکنش نشان می دهد. او در پایان هفته اول، نشانه هایی از مادر را به خاطر می سپارد و از حدود هفته سوم، به چهره وی در حالی که از نزدیک مشغول شیردادن و حرف زدن با کودک است، چشم می دوزد. او حدود شش هفتگی، در واکنش به صدای گفت وگویی والدین، نجوا می کند و لبخند می زند. آموزش از لحظه آغاز می شود؛ البته به صورت غیر مستقیم و القا بر ضمیر ناخودآگاه کودک صورت می گیرد که در آینده با انتقال از ضمیر ناخودآگاه به ضمیر خودآگاه خود را نشان می دهد.^۱

۱-۱- دوران سیادت کودکی:

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

الولد سید سبع سنین وعبد سبع سنین و وزیر سبع سنین.

کودک تا ۷ سال سرور، تا ۷ سال بنده، و تا ۷ سال وزیر است.

هفت سال اول زندگی کودک، سال های شکل گیری شخصیت او است؛ بدین سبب باید سروری کند؛ اما معنای سروری و سیادت، این نیست که برای انجام هر کاری آزادی مطلق داشته باشد. با توجه به نارسایی درک و ناتوانی جسم کودک در ۷ سال اول، در زمینه های گوناگون باید توجه بیشتری به او شود:

۱- توجه بیشتر به خواسته ها و نیازها: به نیازهای کودک در ۲ ماه اول زندگی به طور مطلق توجه کنید. از ماه سوم به بعد (با توجه به از بین رفتن کولیک^۲ و کاسته شدن از ناراحتی جسمی) در برابر گریه هایش با تامل برخورد کنید؛ زیرا با توجه به تجربه خوشایند ۲ ماه اول زندگی، هر گاه گریه می کرد، او را بغل می کردید. اکنون نیز به امید همان توجه، گریه می کند که اگر به طور مطلق به گریه هایش توجه کنید، ممکن است لوس شود و مشکلاتی را برایتان فراهم آورد).

تا پایان یکسالگی که دوران دلبستگی کودک است؛ توجه فراوانی به او داشته باشید؛ اما در برابر خواسته های غیر منطقی او از اصل خاموشی استفاده کنید.

۱. حسین، دهنوی، نسیم مهر (۳)، چاپ پنجم، قم، انتشارات خادم الرضا، ۱۳۸۸، ص ۱۳ و ۱۴ و ۱۵

۲. دل پیچه ایست که حدود دو هفتگی یا سه ماهگی، سبب گریه شدید نوزاد می شود.

۱-۲- توجه بیشتر به آزادی: فرزند شما در دوران سیادت، بسیار کنجکاو است؛ بنابراین، لازم است برای ارضای کنجکاویش، آزادی بیشتری به او بدهید، اما متوجه خطر هم باشید. چیدن درست وسایل زندگی و در دسترس نبودن وسایل خطر ساز، از میزان خطرهای می‌کاهد.

۱-۳- توجه بیشتر به محبت و عطوفت: کودک در ۷ سال اول زندگی به محبت و عطوفت فراوان تری نیاز دارد؛ ولی باید از زیاده روی در محبت بپرهیزد تا از لوس شدن کودک او جلوگیری کنید.

۱-۴- توجه بسیار به بازی: بازی والدین و همسالان با کودک و در اختیار قرار دادن اسباب بازی‌های مناسب، در رشد عاطفی او بسیار موثر است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الغلام یلعب سبع سنین

کودک تا ۷ سال بازی می‌کند.

هفت سال اول زندگی کودک باید با شادابی کامل بگذرد؛ بنابراین، او را تحت فشار آموزش‌های رسمی قرار ندهید. آموزش غیر رسمی به ویژه در قالب بازی، شعر، سرود، معما، جدول سازی و ... اشکالی ندارد.

۱-۲- آثار سیادت کودک:

سیادت کودک در هفت سال اول زندگی، آثار مثبتی را بر او خواهد داشت: شکوفایی استعداد های نهفته؛ ۲. اعتماد کودک به والدین؛ ۳. اعتماد والدین برای دوره های بعد؛ ۴. آرامش روحی - روانی کودک در دوران بعد؛ ۵. ایجاد اعتماد به نفس.^۱

تا هفت سالگی کودکان را رها کنید تا خوب بازی کنند البته فقط مواظب باشید تا آنها در این مدت حرفهای بد یاد نگیرند. هرگز جلوی بازی بچه را نگیرید که اگر بچه در این مدت آنچه را که در توان دارد، اعم از قوه ی بازیگری و پر خوری و غیر آن بیرون نریزد، این قوه در او ریشه می‌کند و آن هنگام که بزرگ شد بازیگر و پر خور می‌شود. زیرا تا انسان آنچه را که در درون دارد بیرون نریزد نمی‌تواند آن را رها کند. لذا کودک اگر در این سنین خوب بخورد و خوب بخوابد و خوب بازی کند بعد از آن، دیگر بازیگری و پر خوری و زیاده‌خواهی کودک تمام می‌شود و او متعادل بار می‌آید. نتیجه کلام اینکه وقتی اساس نهال کودک

۱. حسین، دهنوی، نسیم مهر، چاپ سی و چهارم، انتشارات خادم الرضا؛ ۱۳۸۸ ص ۱۰۷ و ۱۰۸

خوب چیده نشد، این نهال کج رشد می کند. وقتی هم که کج شد اولاً بسیاری از آنها به دنبال خودسازی نمی روند، ثانیاً اگر هم بروند باید جان به لب بیاورند تا خود را مستقیم کنند.^۱

گفتار دوم: روش های تربیت دینی:

اهمیت تربیت دینی: هر کودکی که متولد می شود همانند آینه ای شفاف است. پدر و مادر با تربیت صحیح می توانند این پاکی را افزون کنند و دوام بخشند یا با تربیت نادرست آن را مکدر سازند؛ زیرا خداوند مردم را براساس فطرت خدایی آفریده است. پدر و مادر موظف هستند زمینه رشد و شکوفایی این فطرت خدایی را فراهم سازند و نگذارند این ودیعه الهی دچار آفت زدگی شود. فرزندان در ابتدای زندگی مظهر پاکی، پذیرش و صمیمیت هستند، و پیش از آنکه ما چیزی را به آنها تفهیم کنیم، از پدیده ها، ارزش ها، و ضد ارزش ها، تصویری در ذهن ندارند؛ ارزش و ضد ارزش را از ما فرا می گیرند و به همان راهی که ما دعوتشان کنیم؛ قدم می نهند.

۲-۱- اهمیت موثر در تربیت دینی:

تربیت دینی فرزندان مستلزم اموری است که رعایت آن ها می تواند نقش بسیار مهمی در اثر بخشی تلاش های پدر و مادر داشته باشد، و از جمله آن امور، پالایش نمودن محیط خانواده از مسائل ضد ارزشی است که اگرچنین نشود، تربیت دینی اثرش را از دست خواهد داد. دیگر آن که در تربیت دینی تنها به پاره ای از اعمال خشک و بی روح اکتفا نشود، بلکه به همه ابعاد تربیت توجه شود، زیرا حقیقت دین، مجموعه ای است که بدون هماهنگی میان اجزای آن نمی توان با مراعات اصولی مختصر، نتیجه مطلوبی به دست آورد؛ بنابراین توجه به روحیات فرزند و ظرفیت و استعداد های آنان برای عملی ساختن هر گونه روش تربیتی، امری اجتناب ناپذیر است.

۲-۲- امور موثر در تربیتی دینی:

تربیت دینی فرزندان مستلزم اموری است که رعایت آن ها می تواند نقش بسیار مهمی در اثر بخشی تلاش های پدر و مادر داشته باشد، و از جمله آن امور، پالایش نمودن محیط خانه از مسائل ضد ارزشی است که اگر چنین نشود، تربیت دینی اثرش را از دست خواهد داد. دیگر آن که در تربیت دینی، تنها به پاره ای از اعمال خشک و بی روح اکتفا نشود، بلکه به همه ابعاد تربیت دینی توجه شود، زیرا حقیقت دین، مجموعه ای است که بدون هماهنگی میان

۱. داود، صمدی آملی، شرح مراتب طهارت، جلد اول و دوم، چاپ دوم، قم، ناشر روح و ریحان، ۸۹، ص ۹۶ و ۹۷.

اجزای آن نمی توان با مراعات اصولی مختصر، نتیجه مطلوبی به دست آورد؛ به عنوان مثال اگر به نماز و روزه و حجاب تاکید می گردد، به همان میزان باید به ادب، نرم خویی، مهربانی و نظافت توجه شود. نکته مهم و دقیق دیگر، شیوه فراخوانی فرزند به تربیت دینی است.

شیوه اجباری و خشونت، عاقبتی خوش در امر تربیت ندارد. بسیاری از افراد در سنین بلوغ در برابر پدر و مادر سرکشی می کنند و به مقدسات دینی پشت پا می زنند، همان هایی هستند که در سنین خردسالی و نوجوانی با اجبار و خشونت به انجام امور عبادی و امثال آن فرا خوانده شدند، در حالی که در قرآن آمده است: خداوند هیچ گاه کسی را به چیزی مکلف نمی سازد مگر آن گاه که در توانش باشد.

توجه به روحیات فرزند و ظرفیت و استعداد های آنان برای عملی ساختن هر گونه روش تربیتی، امری اجتناب ناپذیر است. در تربیت دینی؛ شیوه صریح گویی (القای مستقیم) جایگاه خود را از دست داده و پند و اندرز آمرانه یا نصیحت گونه چندان کار ساز نیست چه بسا طرف را به مقابله وادار می دارد و در حقیقت، انسان سازی نوعی به کار گیری هنر است که بدون آن هیچ تلاشی به ثمر نمی رسد.

یکی از ویژگی های پدر و مادر که در تربیت فرزندان نقش به سزایی دارد، مشورت نمودن و نقش دادن به آنان در زندگی و میدان دادن برای پذیرش مسئولیت و ایفای آن است. در قرآن کریم حضرت ابراهیم، علیه السلام برای انجام ماموریت الهی در ذبح کردن فرزندش اسماعیل، با او مشورت نمود. این عمل ارزشمند آن پیامبر اولوالعزم بر اساس دستور خداوند - که حضرت ابراهیم را به عنوان اسوه معرفی نموده است - می تواند الگویی باشد برای همه پدران و مادران تا در تصمیم ها و کارها، خصوصا کار های که به فرزندان مربوط می شود با آنها مشورت کنند.

پختگی و صاحب صلاحیت شدن صالحان نیز نقطه آغازی داشته است و گر نه هیچ کس نباید دست به اقدامی بزند که پیشتر آن را تجربه نکرده است. توصیه به مشورت که یکی از سفارش های قرآن به جامعه ایمانی است، اگر ابتدا در خانواده ها مورد توجه قرار گیرد. بی تردید آثار آن در جامعه نیز آشکار خواهد شد.

مشورت کردن و نظر خواستن از فرزندان، نوعی جلب مشارکت است و همین امر موجب رشد و تعالی شخصیت آنان می شود، زیرا فرزندان در این صورت احساس مفید و مستقل بودن می کنند که نوعی مسئولیت متوجه آن ها شده است. در این حالت، آنان با

مشکلات درگیر می شوند و در مبارزه با مشکلات و راه حل یافتن برای آنها، استعدادهای نهفته شان شکوفا می گردد و اعتماد به نفس بیشتری پیدا می کنند.^۱

از شیوه های محافظت از خانواده و تربیت صحیح آنان موعظه و نصیحت مستقیم است. البته، تاثیر شیوه های گفتاری به اندازه روشهای عملی و پایدار و عمیق نخواهد بود، اما پیام های مفید و آموزه های سازنده تربیتی، به نوبه خود خانواده را تحت تاثیر قرار می دهد. سیره انبیا و اولیا الهی نیز چنین بوده است که آنان با الهام از آیات الهی به موعظه خانواده و همسر و فرزندان شان می پرداخته اند. مواعظ حضرت لقمان به فرزندش، نصایح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با کلام وحی به همسران خویش و سایر زنان مسلمان، و همچنین تاکید آیات الهی بر محافظت خانواده از لغزش های احتمالی، برخی از این پیامهای حیات بخش قرآن است. خداوند متعال در یکی از این آیات الهی به اهل ایمان هشدار می دهد که مواظب خانواده های خود باشند و با گوشزد نمودن عواقب وخیم بی تفاوتی، به مدیران خانواده می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ.^۲

ای اهل ایمان خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسانها و سنگها هستند، نگه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را محافظت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند، اجرا می کنند.

مسافرت های خانوادگی نشاط و شادابی اعضا، خانواده تحکیم روابط والدین و فرزندان، استمرار نظارت بر خانواده به خصوص در زمان حاضر، شکوفایی استعدادها و خلاقیت های کودکان و امکان استفاده بیشتر از نظارت اعضاء خانواده، شناخت نقاط قوت وضعف آنان، ظهور صفات پسندیده همچون روحیه تعاون، ایثار و توجه به معنویات به ویژه در سفرهای زیارتی از جمله دستاورد های این مسافرتها خانوادگی می باشد.^۳

۲-۳- ضرورت توجه به ظرافت های تربیت کودک:

تربیت فرزند خیلی ظرافت دارد ولی در عین حال مشکل نیست. من خلاف تصور همه که تربیت فرزند را امری مشکل تلقی می کنند، معتقدم که تربیت فرزند خیلی مشکل نیست، ولی دارای ظرافت های علمی فراوانی است.

۱. عیسی، عیسی زاده، خانواده قرآنی، چاپ اول، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۱ ص ۱۷۲ و ۱۷۴ و ۱۱۸

۲. تحریم (۶۶) آیه ۶

۳. عبدالکریم، پاک نیا، خانواده و وظایف مبلغان دینی، ۲، کتابخانه دیجیتال تبیان، تاریخ بازدید ۱۳۹۴/۵/۱۵

در راه آموزش لفظی و عملی تربیت فرزند نباید ارزش های غیر الهی و غیر انسانی مانند خشونت در رفتار استفاده کرد؛ چرا که سبب تنفر از دین می شود. اگر والدین به ظرافت های امر تربیت توجه نکنند و از روش های غلط در این زمینه استفاده نمایند، فرزند آنها دین گریز شده و از اصل دین دل زده می شود. این نحوه برخورد با بچه نشانه جهالت و نفهمی والدین است.

نیروی شنوایی و بینایی انسان که در این آیه مورد اشاره واقع شده اند دو ابزار الهی برای تربیت انسان در رساندن آن ها به غایت مطلوب، همواره از این دو ابزار تربیتی استفاده می نمایند. در واقع تدبیر ربوبی به وسیله این دو ابزار است.

در رابطه با نقش قوه بینایی در تربیت انسان، قرآن کریم می فرماید: انسان باید نشان های خدا را ببیند تا به مبدا و معاد پی ببرد.

ابزار دیگر تربیت او نیز وحی الهی است که جنبه شنیداری دارد. خداوند متعال با ارسال رسل، انزال کتب و ابلاغ آیات خویش به انسان، او را تربیت می کند.^۱

اولین اقدام در برخورد با رفتار های زشت، بویژه آن رفتار که برای نخستین بار از فرد سر زده باشد، چشم پوشی و نادیده گرفتن آن است. در مواردی اغماض و چشم پوشی نمودن از تخلف بیش از تصریح کردن در متخلف موثر واقع می شود و او را از تکرار رفتار ناشایست باز می دارد؛ زیرا تصریح نمودن از تخلف بیش از تصریح کردن در متخلف موثر واقع می شود و او را از تکرار رفتار ناشایست باز می دارد؛ زیرا تصریح نمودن، پرده حیای میان مربی و متربی را می برد و فرصت بازگشت را از وی می گیرد و او را بر ارتکاب رفتار های ناشایست گستاخ می کند. دومین گام در اصلاح رفتار های خلاف اخلاق تذکر دادن است.

که به طور مستقیم یا غیر مستقیم صورت می پذیرد. برای اصلاح فرد متخلف از او می خواستند قول دهد تا از آن کار دست بردار و در مقابل آنان نیز به او وعده ای می دادند. گاهی برای اصلاح رفتار متخلف، روش های پیش گفته در فرد تاثیر ندارد. معصومان علیهم السلام از روش های تند استفاده می کردند. گاه هیچ یک از روش های فوق در اصلاح رفتار شخص موثر نمی افتد.

در سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت علیهم السلام در چنین مواردی از روش ایجاد فشار اجتماعی استفاده شده است. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است و

۱. حاج آقامجتبی، تهرانی، ادب الهی، تربیت فرزند، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، نشر موسسه فرهنگی و پژوهشی مصابیح الهدی ۱۳۹۱، ص

معمولا بیرون از جامعه و بدون آن نمی تواند به زندگی خود ادامه دهد، برای اصلاح برخی رفتار های ناشایست فرد متخلف، می توان از فشار اجتماعی سود برد.

یکی دیگر از اشکال فشار اجتماعی قطع رابطه است.

انسان برای ادامه حیات خود تامین نیازمندی های خود به ارتباط با محیط نیازمند است. محیط مواهب خود را در اختیار انسان قرار نمی دهد و در مقابل مواهب خود، بر شخصیت و رفتار وی تاثیر می گذارد اگر محیط صالح باشد، معمولا رفتار او نیز صالح خواهد بود و بالعکس.

محیط فاسد معمولا به تدریج انسان را فاسد کرده و او را به سوی رفتار های ناشایست سوق می دهد. پرهیز از معاشرت با صاحبان رذایل: تاثیر دوست و همنشین بر خلق و خوی انسان امری انکارناپذیر است و به همین سبب، در متون اسلامی، از همنشینی با بدان نهی و به همنشینی با نیکان توصیه شده است.

۲-۴- ایجاد فضای اخلاقی در جامعه

یکی از روش های بسیار موثر در ایجاد زمینه مناسب برای تربیت اخلاقی که در سیره پیامبر صلوات الله علیه و اهل بیت علیهم السلام مورد توجه قرار گرفته، حاکم ترین فضای اخلاقی در جامعه است. که فرد خود را موظف و متعهد به رعایت آنها بدانند. ایجاد فضای اخلاقی یعنی حاکم کردن ارزش های اخلاقی اسلام است.^۱

یکی از عوامل موثر در تربیت انسان محیط است. محیط یعنی هر چیزی که انسان را احاطه کرده است، هر چه انسان رشد می کند دایره محیط او وسعت می یابد. وراثت و محیط هر دو در ایجاد شخصیت فرد دخالت دارد.

اسلام می گوید، باید برای تربیت و پرورش افراد در جهت شکوفایی استعدادها محیط سالم و مساعدی به وجود آید تا هر کس به تناسب ظرفیت و گنجایش روحی خود بتواند به کمال مطلوب خویش دست یابد.

۲-۵- اقسام محیط

محیط غیر انسانی: کلیه عوامل غیر انسانی که به گونه ای مستقیم و غیر مستقیم در امر تربیت موثرند مانند عوامل طبیعی و جغرافیایی عوامل مذهبی، فرهنگی، ارتباطی

۱. محمد، داودی، سیره تربیتی پیامبر صلوات الله علیه، تربیت اخلاقی، جلد ۳، چاپ سوم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹ تا ۱۵۵

محیط انسانی: مقصود از محیط انسانی کلیه افرادی هستند که انسان در ارتباط با آنها ست و آنها انسان را احاطه کرده اند.

الف) محیط خانه و خانواده: یکی از مهمترین زمینه های آفت ها و عیوب در انسان، محیط خانه و خانواده است. کودک فطرتا پاک و سالم به دنیا می آید، اما این خانواده است که روحیات و صفات خوب و بد خود را به کودک منقل می کند.

محیط مدرسه: یکی دیگر از زمینه های عیوب و آفات در انسان محیط مدرسه است یکی از عوامل مهم تربیت در تکوین خصایص کودک و قوام بخشیدن تربیت او نقش بسزایی دارد. اگر مسئولینی متعهد و مجرب وجود داشته باشد، نسلی صالح و با درک و فهم در چنین محیطی پرورش می یابد.^۱

۲-۶- تأثیر نماز در تربیت فرد و جامعه

فلسفه نماز یاد خداست، نماز وسیله شستشوی از گناهان و معرفت و آمرزش الهی است، نماز سدی در برابر گناهان آینده است، چرا که روح ایمان را در انسان تقویت می کند، و نهال تقوی را در دل پرورش می دهد، و می دانیم «ایمان» و «تقوا» نیرومندترین سد در برابر گناه است، نماز غفلت زداست، بزرگ ترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند و غرق در زندگی مادی و لذایذ زود گذر گردند، اما نماز به حکم اینکه در فواصل مختلف، و در هر شبانه روز پنج بار انجام می شود، مرتب به انسان اخطار می کند، هشدار می دهد، هدف آفرینش او را خاطر نشان می سازد.

نماز خود بینی و تکبر را درهم می شکند، چرا که انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار پیشانی بر خاک در برابر خدا می گذارد، نماز وسیله پرورش فضایل اخلاق و تکامل معنوی انسان است، چرا که انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار عالم طبیعت بیرون می برد، به ملکوت آسمان ها دعوت می کند، و با فرشتگان هم صدا و هم راز می سازد.

۲-۷- نماز کودکان:

مسئله نماز از نظر اسلام به درجه ای از اهمیت و عظمت است که در آثار اسلامی و معارف الهی و روایات و احادیث آمده که فرزندان خود را به چند سال قبل از تکالیف با این

۱ محمد، نوری، آسیب شناسی رفتار انسان از دیدگاه قرآن، چاپ چهارم، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، ۱۳۹۰ ص ۶۶ تا ۶۸

فریضه پر ارزش الهی آشنا کنید و آنان را با تشویق و ترغیب در اتصال با این دریای خروشان رحمت حق قرار دهید.

معاویه بن وهب که از راویان بسیار پر اهمیت احادیث اسلامی است، می گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: کودک را باید چه وقت در ارتباط با نماز قرار داد؟ حضرت فرمود: بین شش تا هفت سالگی^۱

گفتار سوم: آموزش مهارت های اساسی به کودک :

۳-۱- ارتقای مهارت های حل مسئله و تصمیم گیری :

در برخی از مراحل مارپیچ تغییرات درمانی کودک نیاز به کنکاش در اختیارات، استفاده از فرصت ها، خطر کردن، به آزمون در آوردن و چالش با رفتارها ی تغییر داده شده دارد. وسایل مناسب به قرار زیر است:

کتاب و قصه گویی، که راه حل های متفاوت را مورد کنکاش قرار می دهند، برای مثال، شئل قرمزی کوچولو ممکن است گرگ را به دام اندازد تا مادر بزرگ قبل از اینکه خورده شود، نجات یابد! کودک می تواند با استفاده از عروسک های پارچه ای و عروسک های نمایش عروسکی و با به راه انداختن گفتگویی میان دو یا چند شخصیت به حل مسائل بپردازد. برون سازی نیاز های مختلف از طریق خلق تصاویر بصری باشد.

۳-۲- ارتقای مهارت اجتماعی :

برای آنکه کودکان در آینده احساس راحتی بیشتری کنند، نیاز به ارتقای مهارت های اجتماعی دارند. مهارت های اجتماعی شامل یادگیری راه های مختلف برقراری ارتباط است به طوری که کودک بتواند دوست پیدا کند، نیاز هایش را برآورده کند، به شیوه ای مناسب قاطعیت داشته باشد، محیط اطراف خود را بشناسد و حد و مرز مشخصی بپذیرد و بتواند با دیگران همکاری و زندگی کند.

برای ارتقای مهارت های اجتماعی سازگارانه لازم است کودک نتایج رفتارهای اجتماعی را بفهمد و تجربه کند. این کار از طریق استفاده از موارد زیر عملی است: فعالیتی چون بازی با کودک و دادن باز خورد به او، بازی وانمود سازی تخیلی، که می توان از طریق آن به کودک

۱. علی محمد، حیدری نراقی، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، ص ۱۶۰ تا ۱۶۷

مهارت های اجتماعی را آموزش داد، از طریق کار با مداد و کاغذ می توان مهارت های اجتماعی خاص را مورد توجه قرار داد.^۱

اجتماعی شدن یک سیستم دو جانبه ی ارتباطی بین فرد و خانواده و جامعه می باشد و مهارت های اجتماعی بخشی از جریان اجتماعی شدن فرد است.

به دلیل پیچیدگی جریان اجتماعی شدن و عوامل گوناگون موثر بر آن آموختن مهارت های اجتماعی به کودکان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و اولیاء امروز در این رابطه احساس کاستی های زیادی می نمایند پدرها و مادرها در زمینه آموزش های آکادمیک بیشترین ارتباط را با کودک و مدرسه داشته و تا پایان تحصیلات از هیچ کوششی فرو گذار نیستند؛ ولی در رابطه با مهارت های اجتماعی و اجتماعی شدن کودک سازمان خاصی را نمی شناسد و کوشش های مقطعی و پراکنده و گاه نادرست آنها زمینه ساز بروز عواقبی ناخوشایند در رشد عاطفی، اجتماعی اخلاقی و در مجموع شخصیتی کودک می گردد.

۳-۳- روند اجتماعی شدن :

روند اجتماعی شدن جریانی است که از لحظه تولد کودک آغاز می شود کودک در این جریان، هنجارها، مهارتها، انگیزه ها، طرز تلقی و رفتار های فردی خود را به تدریج یاد گرفته و سازمان می دهد. از واکنشی که والدین در کودک مقابل گریه او نشان می دهد تا نقش های که برخی افراد و گروه ها و سازمان های اجتماعی در رابطه با کودک به عهده دارند همگی سامان دهنده ی شخصیت فردی و اجتماعی این کودک خواهد شد و بیانگر رشد اجتماعی، عاطفی و اخلاقی اوست.^۲

۳-۴- بهبود مهارت های ارتباطی :

اغلب هنگامی که کودک قصه خود را به دوستان یا افراد خاص می گوید؛ قصه اش مغشوش، نا همخوان، و گاهی اوقات باور نکردنی به نظر می رسد. فعالیت های که به روشن شدن توالی قصه، مضامین مهم مربوط به قصه، درک کودک از حوادث مهم و چگونگی احساس کودک در مواقع خاص کمک می کند، به قرار زیر است:

قصه گویی کودک را در ارتقای مهارت های ارتباطی یاری می دهد.

۱. مترجم مینو، پرنیانی، راهنمایی عملی مشاوره کودکان، چاپ دوم، تهران، انتشارات رشد، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۲۲ تا ۱۲۵

۲. آمنه، کریمی، تاثیر رسانه در تربیت اجتماعی کودکان،

سفرهای خیالی به کودک اجازه در تماس قرار گرفتن با خاطرات را می دهد و او را در درک آسان تر حوادث یاری می دهد.

۳-۵- ارتقای بینش :

اگر قرار است کودکی بینش و درک از خود و از دیگران را ارتقای دهد، ممکن است لازم باشد درگیری خود با حوادث خاصی را که رخ داده است و چگونگی همخوانی این تجارب با نظام اجتماعی وسیع تر را دریابد: برای مثال:

کتاب ها و قصه ها می توانند با توضیح دادن واقعیت رفتارهای انسانی و عواقب اجتناب ناپذیر رفتارها، بینش کودک را پرورش دهند.

نقاشی کردن، بینش کودک را درباره درگیری اش در حوادث افزایش می دهد. این امر با دعوت کردن کودک به کشیدن نقاشی کاریکاتور که توالی حوادث را نشان می دهد، عملی می شود.

۳-۶- قدرتمند بودن از طریق بیان جسمانی :

کودکان هنگامی که توانایی خود را در اثر گذاری بر محیط ببیند احساس قدرت می کنند با مشاوره هم می توان به این مهم دست یافت، به شرط آنکه فعالیت ها و وسایلی که آنها را قادر به کنترل داشتن یا دگرگون کردن وسایل یا ایفای نقش های قدرتمندانه می کند، مهیا شود. برای مثال: ممکن است کودک آنقدر بر توده ای از گل مشت بزند که آن را صاف کند.

کودک به هنگام نقاشی با انگشت می تواند نقاشی خود را به گونه ای چشمگیر اصلاح کند یا تصورات خود را در نقاشی ویران سازد.

دربازی وانمود سازی کودک خردسال می تواند با شمشیر اسباب بازی به مبل راحتی حمله کند. می توان صحنه نبردی از عروسک ها در دو جبهه خوب و بد به راه انداخت. در رابطه با کودکان سنین بالاتر می توان همین کار را با استفاده از پیکر های کوچک (سربازان اسباب بازی) انجام داد.

در کار باشن کودک می تواند اشیاء یا پیکر ها را درشن مدفون کند تا نامرئی و ناپدید شوند. شرکت کودک در این فعالیت ها می تواند برای وی جنبه تخلیه هیجانی داشته باشد؛ زیرا این فعالیت ها توانایی وی را در اثر گذاردن بر محیط خود به شیوه ای نمادین فراهم می سازد.

۳-۷- تشویق به بیان کردن هیجانات :

برخی وسایل و فعالیت ها برای بیان کردن هیجانات از برخی دیگر مناسب ترند. برای مثال: گل بازی به بیان کردن خشم، نشان دادن افسردگی، داشتن ترس، و وحشت کمک می کند.

نقاشی کردن به کودک اجازه می دهد تا نه فقط با افکار بلکه با احساسات هیجانی خود نیز در تماس قرار گیرد. نقاشی بیشتر هیجانات شادی و سرور ایجاد می کند. از طریق نقاشی و کلاژ کودک می تواند ترکیبی از مواد و احساسات و هیجانی را بهم ربط دهد.^۱

پرورش فطریات کودک :

فطریات اولیه انسان سرمایه هایی است که خداوند حکیم به منظور تامین سعادت بشر در نهاد هر کودک به وجود آورده و او را با همان سرمایه ها آفریده است اگر فطریات از کودکی با پرورش های صحیح و حمایت های عالمانه تقویت شوند و از قوه به فعلیت آیند، در پرتو آن اساس سعادت کودک پی ریزی می شود و تا پایان زندگی ضامن خوشبختی او خواهد بود. بر عکس اگر مربی عملاً به فطریات طفل توجه ننماید و او را با روش های ناپسند و غیر انسانی تربیت کند، رفته رفته به پلیدی و انحراف خوی می گیرد و در نتیجه سرمایه های سعادت بخش فطری را فراموش می کند و برای جامعه عضو فاسد و نادرستی بار می آید.

از فطریات بشر، درک لزوم وفای به عهد است. وفای به عهد از اساسی ترین پایه های خوشبختی بشر است.

وفای به عهد برای تعالی معنوی و سعادت اجتماعی بشر ضروری است و خداوند درک لزوم آن را به طور فطری در باطن هر انسانی قرار داده است. روش های صحیح پدر و مادر به منزله آبیاری و پرورش این بذر است.

اگر کودک را در عهد و پیمان فریب ندهند و عملاً به وعده های خود وفادار باشند، بذر فطرت در نهاد کودک تقویت می شود و این سنجیه انسانی در دل او ریشه می کند، به عهد خود پای بند و وفادار می گردد و هرگز به فکر پیمان شکنی نمی افتد.

^۱امینو، پرنیانی، راهنمای عملی مشاوران، همان

۳-۸- احیای شخصیت کودک:

شخصیت، استقلال اراده، اعتماد به نفس و همچنین زبونی، فرو مایگی و عدم اعتماد به نفس از صفاتی است که اساس آن در دامن پدر و آغوش مادر پی ریزی می شود پدران و مادرانی که علاقه دارند فرزند با شخصیتی پرورش دهند لازم است از دوران کودکی به آن متوجه باشند و این خوی پسندیده را از اول در آنان احیا نمایند طفلی که در خانواده زبون و پست بار آمده است، کودکی که پدر و مادر با وی معامله یک انسان نکرده و او را یک عضو محترم خانواده به حساب نیاورده اند، در بزرگی نمی توان از او توقع استقلال و شخصیت داشت. او خود را انسان لایقی نمی داند و برای خویش شخصیتی نمی بیند. او یک موجود بدبختی است که از اول فرومایه و زبون بار آمده و مشکل است این خوی ناپسند را در خود تغییر دهد.

تربیت صحیح و پرورش صفات پسندیده در کودک تنها در پرتو برنامه صحیح علمی و عملی میسر است پدر و مادر باید آن را به خوبی فرا گیرند، قدم به قدم دنبال کودک خود باشند و عملاً آن را به کار بندند خانواده هایی که به فرا گرفتن وظایف تربیت کودک بی علاقه باشند یا آن که عملاً وظایف خود را انجام ندهند، به پرورش صحیح فرزندان خویش موفق نخواهند شد.^۱

۳-۹- تفریحات سالم:

سرگرمی سالم، یکی از غذا های روح انسان است که در صورت فقدان آن، دغدغه های روزمره زندگی، آرامش و آسایش انسان را مختل می سازد، بنابراین اصل سرگرمی و تفریحات سالم راز نگاه دین باید جزء ضروریات زندگی بدانیم، ولی در مصداق تفریح سالم باید دقت کرد که راه را اشتباه نرویم،

از راهای مهم برای اصلاح و بازسازی کودکان معاشرت و بازی با آنهاست. کودکان معمولاً بخشی از اوقات شبانه روز خود را صرف بازی میکنند و از آن طریق ضمن کسب آمادگی برای مواجهه با مسائل زندگی و آشنایی با راه و رسم آن، بخشی از ناسازگاریها و ناهنجاریهای خود را ازدست داده و موجبات رشد همه جانبه شان فراهم میشود. بازی موجبی برای پرورش روح و سببی برای سرور و انبساط کودکان است. در سایه آن صفات اخلاقی و

۱. محمدتقی، فلسفی، کودک از نظر وراثت و محیط، ص ۲۸ و ۲۹

اجتماعی فراوانی را میتوان به او آموخت و نیز میتوان روح همکاری، دوستی، صمیمیت، فرماندهی و انضباط را در او پدید آورد.

در ضمن بازی میتوانه کودک درس اخلاق داد ضوابط و مقرارت را به او تفهیم کرد، قواعد و راه و رسم زندگی را به او یاد داد و از او عملاً خواست که رعایت حال جمع را کرده و اصول و ضوابط مورد قبول جامعه را پذیرا گردد.

کودک در ضمن بازی در می یابد که برای موفقیت نمی تواند تکروی کند، اگر بخواهد در کار و زندگی خود موفق باشد لازم است فعالیت خود را در جهت درخواست دیگران و یا قواعد کلی موجود تغییر دهد، بخشی از خواسته های خود را به نفع دیگران صرف نظر کند و در طریق ایجاد وضع مطلوب باشد.

بازی در گروه باعث پرورش وجدان فردی است که در زندگی کودک نقش عمده ای بازی میکند، حدود آزادی او را مشخص مینماید، راههایی که برای ادامه حیات باید برگزیند برای او معین مینماید.

وبطور خلاصه از راه بازی میتوان ضوابط و مقرراتی به کودک آموخت، ناسازگاریهای او را میتوان اصلاح کرد، نابسامانی های او را سرو سامان داده و براه عقل و اندیشه و پذیرش انضباط انداخت.^۱

نتیجه:

در دوران انعقاد نطفه و تا زمان تولد تنها با رعایت مسائل دینی و تمام نکات کلیدی که در دین بیان شده را می توان در رشد کودک به شیوه صحیح و درست دست یافت، در مسائل تربیتی خیلی از مسائلی که به چشم نمی آید در شکل گیری شخصیت کودک در بزرگسالی می تواند به خانواده ها کمک کند.

۱. علی، قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، چاپ هفتم، انتشارات امیری، ۱۳۷۰، ص ۱۷۴.

بخش سوم:

نقش تلویزیون در تربیت کودک

فصل اول:

تأثير تلویزیون بر بعد جسمی و رفتاری کودک

مقدمه

تلویزیون یکی از پربیننده ترین رسانه در میان کودکان است، از آنجایی که تربیت کودک یک امر حیاتی است بنابراین باید تمام اموری که به تربیت کودک مربوط می شود را تحت کنترل قرار داد و آن را به بهترین شکل اداره نمود تا از کوتاهی در امر تربیت جلوگیری کرد.

گفتار اول: کودکان زیر پنج سال

۱-۱- موقعیت رسانه ای تلویزیون:

امروزه زمانه تلویزیون به جزئی از اثاثیه منزل تبدیل شده است؛ اگر گفته نشود جزئی از خانواده است دوستی است که بیشتر برای دیدار می آید. تماشای تلویزیون جزئی از رفتار عادی اکثر مردم کره زمین قرار گرفته است. رسانه ای است که به سهولت در دسترس همه قرار می گیرد و تاثیربر باورهای و ارزش ها و هنجارهای افراد بر کسی پوشیده نیست هیچ خردسالی را نمی توان دید که به دلیل خردسالی از دیدن تلویزیون منع شود. کودکان به راحتی و با علاقه از این رسانه استفاده می کنند.

نتایج تحقیقات مختلف از جذب شدن کودکان دو ساله خبر می دهند کودکان در مقابل تلویزیون منفعل اند از الگوهای آن تبعیت می کنند قابلیت نفوذ تلویزیون نسبت به سایر وسایل ارتباط جمعی بسیار شدید است، به همین دلیل تلویزیون امروز در بنیان های خانوادگی ریشه دوانده است تاثیر عمیق تری به جای می گذارد، زیرا برنامه های تلویزیون اغلب فیلم، هنر و تصویر ارائه می شود و لذا از جاذبیت ویژه ای برخوردار است، از این جهت بر رادیو برتری دارد بنابراین تلویزیون نیز می تواند در نشر و توسعه فرهنگ غنی اسلام و تعلیم و تربیت عموم اقشار ملت و مهمتر از همه در تربیت کودکان و رشد اجتماعی آن، بزرگترین نقش را ایفا کند.

صدا و سیما چنان که می تواند در خدمت مردم و اسلام باشد و با تهیه، و اجرای برنامه های جالب و سودمند و هماهنگ اسلامی، در تهذیب و تکمیل نفوس انسان ها، پرورش و ترویج اخلاق نیک و جلوگیری از انحراف و مفاسد اخلاقی داشته و در ترقی و عظمت کشور نقش مهمی را برعهده بگیرد؛ هم چنین می تواند به صورت یک وسیله تفریح و سرگرمی و کم

فایده درآید که نه تنها در پرورش نیک وظیفه مطلوب را درست انجام ندهد، بلکه در اثر سهل انگاری، بی مبالاتی و اجرای برنامه های غلط و حساب نشده، مروج انحراف و بد اخلاقی نیز باشد.^۱

کودکان به واسطه حرکات رفتاری آموزشی می بیند. بنابراین، فهم و درک این مسئله که پس از ورود دو ساله تلویزیون به هر جمعی از کودکان، دو اتفاق می افتد، نمی بایست مایه شگفتی شود. اول اینکه توانایی خلاقیت فکری کودکان در حدود ۲۲ درصد کاهش می یابد و دوم اینکه گرایش به خشونت و کتک کاری با دیگران، حدود دو برابر افزایش می یابد.

تصویر خشونت آمیز در تلویزیون، می تواند ترسی را در نهاد کودکان ایجاد کند که برای مدت طولانی باقی می ماند. حتی وقتی شما به اندازه ای بزرگ شده اید که تشخیص می دهید صحنه های ترسناک، فقط فیلم است، باز ترس به قدری شدید است که در حافظه بلندمدت شما می ماند.

والدین میزان ساعت های تماشای تلویزیون کودکان و نوع برنامه های مناسب با آنها را خودشان تعیین و تنظیم کنند و تا جایی که امکان دارد، درباره آنچه این رسانه در معرض آنها قرار می دهد، با فرزندانشان صحبت کنند. در صورتی که والدین به آن چه درحال اتفاق افتادن است، توجه لازم داشته باشند، بر این باورم که امکان فراهم آوردن این دوره؛ یعنی دوره کودکی برای فرزندانشان، میسر است. حال اگر به قدری، خود را گرفتار مسایل کاری کنند و شرایط حاکم بر زندگی به هر دلیلی، اجازه چنین رویکردی را به آنها ندهد، یقیناً شبکه های تلویزیونی، بازیگران، هنرپیشه ها، شخصیت های کارتون، تبلیغات و دیگر برنامه های تلویزیونی، عهده دار این نقش می شوند.

کودکان زیر پنج سال، یعنی همان گروه سنی که بیشترین آسیب پذیری را از تاثیرات محیطی دارد، بیشترین استفاده کنندگان از تلویزیون هستند. نگرانی هایی که در مورد کودکان قرار گرفته در سنین مدرسه وجود دارد، بی تردید، روی تماشای زیاد تلویزیون بر موفقیت های درسی، رشد بدنی و ذهنی، تقویت روابط اجتماعی و آماده شدن آنها به عنوان شهروندان فعال در یک نظام دموکراسی متمرکز است، آشکار است که کودکان هر آنچه را از صفحه تلویزیون می بینند، یاد می گیرند. برخی از چیزی هایی که آنها یاد می گیرند، مفید و خوب هستند؛ برخی از آنها تاثیر زیادی بر کودکان ندارند و برخی هم تاثیر منفی دارند.

۱. تاثیر رسانه در تربیت اجتماعی کودکان، همان

سخن گفتن ها، بازی ها شادمانی خانوادگی و بحث و جدل های که کودک به وسیله آنها، بسیاری از چیزها را یاد می گیرد و شخصیت کودک به وسیله آنها شکل می گیرد. روشن کردن دستگاه تلویزیون، می تواند روند تبدیل شدن کودک به یک انسان بالغ را خاموش کند. کودکان به عنوان یک موجود اجتماعی به اکتساب مهارت های اساسی مثل آموزش خواندن، نوشتن و بیان احساسات خود نیاز دارند. تماشای تلویزیون نمی تواند برای رشد زبانی کودک موثر باشد؛ زیرا تلویزیون هیچ گونه مشارکت شفاهی را از جانب کودک نمی پذیرد و وی تنها یک دریافت کننده منفعل است.^۱

یکی از مراحل مهم و سرنوشت ساز در زندگی انسان، مرحله «انعقاد نطفه» اوست. به این معنا که اگر پدر و مادر به وظایف خود آشنا نبوده، مقدمات به وجود آمدن یک انسان را به درستی فراهم نسازد، این سهل انگاری، می تواند تاثیرات سویی در سرنوشت و زندگی آینده داشته باشد.

آرامش روحی و حالات معنوی مادر، از ضروریات این دوران است. خواندن و شنیدن قرآن و دعا و مناجات، مطالعه مطالب امید بخش و ارزنده، تفریحات سالم، پیاده روی و قدم زدن در مکانهای خوش آب و هوا، و دیدن منظره های زیبا، تاثیر بسزایی در ایجاد این آرامش و معنویت دارد.

از خوردن غذاهای حرام و شبهه ناک خود داری کند، از استعمال دخانیات و مواد مخدر جدا دوری کنید. خستگی زیاد و عصبانیت و اضطراب و نگرانیها و ناراحتی های عصبی و روانی برای مادر و جنین زیانبار است. پدر در همه این امور نقش مهمی را برعهده دارد که با حمایت های مستمر خود همسرش را یاری کند و با ایجاد امید و دلگرمی در او، زمینه مناسبی برای پرورش جنین فراهم سازد.

هنگامی که کودک وارد این جهان می شود، صفحه و نوار ذهن و جانش خالی و پاک و آماده نقش و ضبط هر گونه مطلب و صداست. دریچه ای به سوی ذهن و دل و روح اوست و اصواتی که از این معبره جان او وارد شود، در ساختار شخصیت او و زندگی آینده اش تاثیر بسزای دارد.

۱. مریم، رضایی، فریده، پیشوایی، قاب جادو، آسیب های اینترنت و تلویزیون، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲، ص ۵۲ و ۶۱ و ۶۳ تا ۸۰.

صدا های بلند و گوش خراش و ناهنجار و آهنگ های تند و مهیج، بر سلسله اعصاب و ذهن و روان کودک، آثار منفی و مخرب به جا می گذارند.

صدای بلند تلویزیون سبب ایجاد اختلالات ذهنی در کودکان می شود. موجب می شود نوزادان دیرتر زبان باز کنند. والدینی که برای ساکت کردن نوزادان و یا کودکان خود، از تلویزیون و ویدئو و نظایر آن استفاده می کنند، نادانسته به سلامت و روان فرزند خود و قابلیت فراگیری وی لطمه وارد می آورند.

از بدترین آفت های تربیتی، ترساندن کودک است. این ترساندن ها، جرات و شهامت را در انسان بشدت ضعیف می گرداند. هر نوع بد گوئی مانند: غیبت، تهمت، فحش، تمسخر، لودگی، حرف های جنسی و خلاف حیا، و هر نوع سخن لغو و بیهوده نزد کودکان و نوجوانان، زیانبار است و موجب مخدوش شدن اخلاق و تربیت و شخصیت آنان می گردد. بر والدین واجب است از بیان سخنان ناشایست به یکدیگر و به فرزندان، خودداری کرده و از زدن این حرفها نزد فرزندانشان توسط خویشان و دوستان و هرکس دیگر جلوگیری کنند.^۱

۱-۲- تلویزیون و تربیت فرزندان :

وسائل مدرن که در اثر پیشرفت صنعت به وجود آمده اند، از قبیل تلویزیون، ویدئو و کامپیوتر و... با تمام منافع که دارند زیانهای نیز با خود به همراه می آورند. والدین باید در استفاده کودکان از این وسائل دقت کنند و هوشیار باشند.

اطفال مایلند تلویزیون تماشا کنند و آن را بر مطالعه کتابهای سودمند و دینی و بحث و گفتگو و... ترجیح می دهند. والدین درباره تلویزیون احساس دو گانه ای دارند. آنان از این واقعیت که تلویزیون اطفالشان را سرگرم می نماید خوشحال می شوند، اما درباره صدمه های احتمالی که بر چشم و مغز و.. کودکانشان وارد می سازد نگرانند.

در روزنامه تایمز، مقاله ای تحت عنوان «آن کودکان خسته» آمده است که گزارش می دهد در دو پادگان نیروی هوایی، پزشکان از دیدن گروهی پر جمعیتی از کودکان به سن سه تا دوازده سال که از خستگی، سردرد، کم خوابی، دل به هم خوردگی، و استفراغ مزمن در رنج بودند متحیر شدند. برای بیماری آنان هیچ مدرک و دلیل پزشکی وجود نداشت. پزشکان پس از رسیدگی ها و سوال و جواب مصرانه از والدین کودکان پی بردند که این اطفال به تلویزیون معتاد شده اند و در طول روز های هفته سه تا شش ساعت و در روز های تعطیل شش تا نه

۱. علی اکبر، مظاهری، هشدار های تربیتی، مظاهری، چاپ دهم، انتشارات هجرت، ۱۳۸۷، ص ۲۸ و ۳۱ تا ۳۵ و ۶۶ و ۸۰.

ساعت به تماشای تلویزیون می نشینند. پزشکان برای مدتی دیدن تلویزیون را برای آن کودکان ممنوع کردند. و این موثر واقع شد و علائم بیماری از میان رفت.

کارشناسان و دانشمندان در مورد یک واقعیت متفق القولند که تلویزیون قسمت عمده ای از روز کودک را به خود اختصاص می دهد. بیشتر اوقات اطفال در مقابل دستگاه تلویزیون تلف می شود. تا در کنار پدر یا مادر خود.

حتی اگر تماشای تلویزیون جز یک تفریح بی ضرر چیزی نباشد، در بعضی از خانواده ها به کودک اجازه داده می شود که در وقتی معین، برنامه هایی خاص را ببینند، زیرا برخی والدین معتقدند که تلویزیون مانند دارویست و مقدار معینی دارد و باید درست مصرف گردد.

در تربیت فرزندان، توجه به مسائل و نیازهای روحی و روانی آنان اهمیت دارد. بسیار مهم است که فرزندان گرفتار عقده های روانی نباشند تا توانایی دفاعی بدنی بیشتر پیدا کنند و کمتر مریض گردند.

تنها وظیفه والدین این است نیست که فقط شکم اطفالشان را از انواع غذاهای مختلف پر کنند و به آنان لباسهای زیبا و شیک بپوشانند، بلکه مهمترین وظیفه آنان این است که روح کودکانشان را سرشار از مهربانیها و محبتها سازند.^۱

در گذشته، کودکان را، بزرگسالان کوچک میدانستند، در نتیجه، برنامه ها را بزرگسالان با ارزش ها و اندیشه های بزرگسالان تهیه می کردند: سپس به کودکان تحویل می دادند، پیدایی برنامه های باغ جادویی، آغاز راهی تازه بود؛ در این راه می بایست؛ دنیای کودکان مستقل از دنیای بزرگسالان به حساب آید. کودک مسائلی خاص خود را و با مسائل خاص خود از دیدی خاص برخوردار می نماید. دادگاهی خاص خود برقرار می کند و در آن بزرگ ترها را ارزیابی می نماید و در مواردی محکوم می کند.

دنیای کودک، پیچیدگی بسیار دارد. نمی توان پنداشت که چون کودک خردسال است، دنیای ذهنی او نیز کوچک، ساده و خرد است. او در جهانی پیچیده پا به حیات می گذارد. ما از آن با عنوان جهان خرد یاد می کنیم.

دنیای کودکان، معیارهای خاصی خود را داراست. نباید پنداشت که کودک همه جهان پیرامون را با معیارهای بزرگسالان تجربه می کند، ارزیابی می کند و سپس داوری می نماید.

۱. شیخ محمود، ارگانی بهبهانی، فرهنگ تربیت فرزند در اسلام، انتشارات پیام مهدی علیه السلام، ۱۳۷۹، ص ۲۰۹ و ۲۱۶

با آنچه آمد و در پرتو مصاحبه های طولانی ملاحظه شد، تهیه کنندگان برنامه های کودکان به ظرفیت ادراکی کودکان توجه ندارند یا اساساً چنین امری به ذهن آنان خطور نمی کند؛ برنامه کودک جایگاه رشد و ارتباطات انسانی است و همه برنامه سازان کودک بتواند ارتباطات گسترده فراهم آورد.

در این معنا، باز بودن ذهن کودک در جهت گسترش ارتباطات انسانی و پس از آن ترمیم ارتباطات و بازسازی مکرر آنان مطرح است. در نهایت کودک باید بتواند ارتباطات انسانی را همچون سرمایه انسانی تلقی نماید و برای آن بکوشد.

توجه وسیع و عمیق کودکان به وسایل ارتباط جمعی، مخصوصاً تلویزیون موجب می شود، ساعتها در برابر آن بنشینند و از حرکت باز ماند و این در حالی است که امروزه تمامی مربیان بر لزوم تحرک جسمی برای همه انسانها بخصوص کودکان به عنوان عاملی در راه تامین سلامت تاکید دارند.

زمانی که وسایل ارتباط جمعی با انسانهایی بر خورد می کنند که ذهنی پرداخته شده و ساخته شده دارند، کمتر می توانند بدان رسوخ کنند، زیرا شخص از مکانیسم های دفاعی خاص خود برخوردار است. این امر در مورد کودکان مصداق ندارد. ذهن کودک، ساده و فاقد شبکه به هم پیوسته ای متشکل از اندیشه ها و باورهاست، هنوز ذهن کودک رموز تحلیل عقاید، سنجش و سپس پذیرش یا طرد منطقی آنان را باز نیافته است. از این روست که وقتی کودکان بدون هیچ پناه یا حفاظ در برابر وسایل ارتباط جمعی قرار می گیرند، سخت تاثیر پذیر و از این جهت به سختی آسیب پذیرند.^۱

نقش برنامه های تلویزیون به نوعی باعث ایجاد ارتباط و همبستگی بین افراد جامعه شده، یک نوع احساس مشترک و هم دردی با جامعه در آنها احیا می شود و در نهایت منجر به «وفاق ملی» و وحدت ملی خواهد شد و در صورت تبدیل پیام ها به جنگ روانی می تواند وفاق ملی و وحدت ملی را بر هم زند.

۱-۳- هجوم روانی وارداتی تلویزیون

اساساً برنامه های تلویزیونی کشور های مختلف جهان که در مقیاس وسیعی به کشورهای جهان سوم وارد می شوند بی طرف نیستند، بلکه ارزش ها، باورها و تصویر ها را انتقال می دهند که با ساختار های فرهنگی و ارزشی جوامع جهان سوم سنخیت نداشته و در

۱. باقر، ساروخانی، جامعه شناسی نوین ارتباطات، چاپ اول، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۹۱، ص ۷۴ و ۷۵ و ۷۸ و ۸۰ و ۸۵

نتیجه به ایجاد ساختارها و روابط و ارزش های سیاسی، فرهنگی و مصرفی غربی در این کشور ها منجر می شود. به عنوان نمونه دورفمان و متلارت نشان می دهد که چگونه کارتون های والت دیسنی و ویژه دانالدک پیشداوری و هنجار هایی کاملاً منطبق با عقلانیت غرب به وجود آورده و در شکل گیری منش ها و بویژه منش کودکان جهان سوم موثر بوده است. با استناد به مطالب مزبور می توان گفت که برنامه های وارداتی تلویزیونی به کشورهای جهان سوم سازگاری نداشته، به صورت ابزار سلطه فرهنگی و جنگ روانی غربی ها قلمداد می شود که در نهایت منجر به وابستگی فرهنگی به کشور های صادر کننده گردیده است.^۱

گفتار دوم: کودکان بالای پنج سال

۲-۱- اهمیت آموزش رسانه ای به کودکان:

درجه نفوذ رسانه در جوامع و تاثیرات آن به حدی است که آموزش رسانه، به ضرورتی اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. باید تاکید کرد به کودکان و نوجوانان که رسانه پذیری از آن با والدین خود تفاوت کامل دارند. آنها بین «جهان» و «جهان رسانه ای» فرق نمی گذارند و در به کارگیری رسانه بسیار راحتتر از والدین خود عمل می کنند. آموزش رسانه به گفته کومار: «تحلیل اجتماعی- انتقادی رسانه است. بنابراین هدف اصلی آموزش رسانه، هوشیار کردن اختیار بخشی در مواجهه با رسانه و برنامه ها و محتوای آن است. آموزش رسانه به افراد می آموزد پیام را تفسیر و تولیدکنند، مناسب ترین رسانه را انتخاب کنند و نقش بیشتری در تاثیرپذیری از آنها به عهده گیرند.

۲-۲- سواد رسانه ای:

به طور کلی سه جنبه سواد رسانه ای عبارتند از
ارتقای آگاهی نسبت به الگوی مصرف رسانه ای و یا به عبارت بهتر تعیین میزان و نحوه مصرف محصولات رسانه ای از منابع رسانه ای گوناگون آموزش مهارت های مطالعه یا تماشای انتقادی تجزیه و تحلیل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، رسانه ها که در نگاه اول قابل مشاهده نیست؛ مطابق این دیدگاه آموزش سواد رسانه ای به دانش آموزان، اهداف متعددی را دنبال می کند که مهمترین آنها عبارتند از

۱- ایجاد تفکر خلاقانه، انتقادی و موشکافانه، در دانش آموزان نسبت به محتوا و عملکرد رسانه ها

۱. حسین، متفکر، جنگ روانی، ص ۱۴۷ تا ۱۵۳

۲- شناخت اشکال بصری ارتباط با استفاده از آن در کنار سایر مهارت های خواندن، نوشتن، صحبت کردن، و گوش دادن

۳- حضور رسانه ها در زندگی کودکان

۲-۳- بررسی تاثیر تلویزیون بر بزهکاری کودکان و نوجوانان

امروزه، بسیاری از دارندگان دستگاه گیرنده تحت تاثیر برنامه های تلویزیونی «تلویزیون سالاری» قرار گرفته اند که البته با توجه به علاقه شدید خردسالان و نوجوانان به برنامه های تلویزیونی؛ به زحمت می توان آنها را قانع کرد که به موقع پیش از پایان برنامه های تلویزیونی به خواب روند یا به موقع تکلیف مدرسه خود را آماده کنند

در دهه اخیر با پیشرفت فرستنده های ویدئویی و تلویزیونی، تهیه کنندگان انواع فیلم ها و برنامه ها را برای ما ساخته اند. اگر در گذشته تماشاگران فیلم های سینمایی با اختیار فیلم دلخواه خود را انتخاب می نمودند و بعد خانه را بسوی سینما ترک می کردند، ولی امروزه مسئولان و کارگزاران تلویزیون بدون اینکه به اثرات نیک و بد فیلم ها در گروه های سنی و جنسی مختلف توجه کنند، آنها را به خانه هایی که دریچه تلویزیون به روی آنها باز میشود، صادر می کنند و افراد خانواده، زن و مرد، خرد و کلان بدون این که انتخاب داشته باشند، چشم و گوش خود را به این فرستنده می سپارند

کودک چگونه از تلویزیون استفاده کند:

آمار و ارقام مربوط به استفاده کودک از تلویزیون بیانگر این است که در سه سالگی از هر کودک یک نفر، در پنج سالگی از هر پنج کودک چهار نفر، و در کلاس اول از هر ده کودک نه نفر تلویزیون تماشا می کنند. در سالهای اول تحصیل، زمان متوسطی که یک کودک صرف تماشای تلویزیون میکند دو ساعت در روز است. از این سالها به بعد مقدار فوق در کلاسهای ششم و هفتم به اوج سه تا چهار ساعت می رسد و آنگاه به آرامی طی سالهای دبیرستان افول می کند. از نظر تماشای تلویزیون، بین کودکان اختلاف های فردی زیادی وجود دارد. برای مثال کودکان با هوش تر تا حدود سن یازده سالگی از تماشاگران پرو پا قرص تلویزیون به شمار می روند و پس از این سن، تمایل می یابند که از تلویزیون کنار بکشند و به سمت چالشهای فکری به ظاهر بزرگتر آثار چاپی روی آورند. یک کودک نوجوان معمولی در شانزده سال اول عمر خود همان میزان وقت صرف تماشای تلویزیون میکند که صرف مدرسه میکند.

سلیقه های کودکان، بیانگر حرکت سریع آنان از به اصطلاح برنامه های کودک به سمت برنامه های وسترن، حادثه ای، نمایشهای جنایی، موسیقی مورد پسند عامه و سایر برنامه های عمدتاً خاص بزرگسالان است.

کودکان دلبستگی زیادی به تلویزیون دارند قابل ذکر است که منزلت و اهمیت تلویزیون، به ویژه در بین کودکان باهوش تر در سالهای بین ۱۳ تا ۱۹ سالگی رو به زوال می گذارد. طی این سنین وسایل ارتباطی چاپی از ارزش والاتری برخوردار می شوند و رادیو اهمیت جدیدی می یابد

۲-۴- تلویزیون و روابط اجتماعی

وقتی کودک با خانواده یا همسالان خود روابط رضایت بخشی ندارد، تمایل پیدا می کند که به تلویزیون رو کند و آنجا می تواند برای مدتی تنش خود را کاهش دهد

کیفیت روابط کودک با خانواده و گروه همسالان خود تعیین کننده میزان استفاده کودک از تلویزیون می باشد، در حالی که رفتار کودک به دلیل ناکامی در روابط خانوادگی یا روابط با دوستان از پرخاشگری آکنده است، احتمالاً در جستجوی محتوای خشونت آمیز تلویزیون است و آن را به یاد می آورد. اگر روابط اجتماعی وی رضایت بخش نباشد احتمال دارد بر اساس خیال پردازی های حاصل از تلویزیون به خیال پردازی حاصل از تلویزیون به خیال پردازی رو کند.

اگر وی برای پاسخ به نیازهای اجتماعی خویش در جستجوی خشونت بر آید، احتمالاً آن خشونت را هنگامی که در زندگی واقعی نیاز به پرخاشگر بودن را حس کند، به یاد می آورد و آن را زنده می کند

۲-۵- تأثیرات تلویزیون:

تلویزیون نشان داده است که دربرانگیختن سلیقه ها بهتر از برانگیختن فعالیت های فکری یا خلاق عمل می کند. یک نگرانی واقعی که در این خصوص وجود دارد این است که، این بزرگ شدن زودرس و این تصاویر از زندگی بزرگسالان که در دسترس کودکان قرار می گیرد قبل از آن که وی واقعا آمادگی تمیز بین آنها را داشته باشد، ممکن است گمراه کننده باشد شاید کودکان را تا آن میزان که از فرایند رشد وحشت کنند، دلسرد کند.

تقلید از بازیگران فیلم ها، همزیستی و هماهنگی نوجوانان و جوانان را با بزرگسالان دشوار کرده است. تحت تاثیر افکار تلقین شده به وسیله فیلم ها، ناسازگاری اجتماعی بروز می

کند. اطفال و نوجوانان از لحاظ تصور و تجسم ذهنی به معیارهایی می گرایند که ساخته و پرداخته جامعه دیگر و هماهنگ با ویژگی آنان است

اگر جوانان پس از تماشای فیلم های عشقی و شهوت انگیز و تحریک کننده در تالار تاریک سینما دستخوش هیجانات شوند، چون به طور طبیعی ارضا نمی شوند، دچار حالت عصبی می شوند و دائما با خود و زندگی در جنگ و ستیزند. فیلم ها برای اطفال و نوجوانان رویای شیرین می سازند و در نظر آنها مجسم تر و برتر از واقعیت جلوه می کنند. اگر فیلم ها با توجه به عقاید و اعتقادات مذهبی، سنن و آداب و رسوم محلی، سطح فرهنگی، مبانی اخلاقی و مخصوصا گروههای سنی به دقت هدایت نشوند در بروز حالات خطرناک جرایم تاثیر خواهد داشت.

متأسفانه تهیه کنندگان تجاری فیلم های ویدئویی و تلویزیونی به جنبه آموزشی، تربیتی، مذهبی و اخلاقی آنها چندان توجه ندارند و فقط برای حفظ منابع شخصی، فیلم های را که هدف تجاری دارند تهیه و به نحو اغراق آمیز در صحنه ها پرخاشگری، عصیان، خشونت، قانون شکنی، عیاشی را مجسم می سازد. بزرگسالان به غیر واقعی و تصنعی بودن موضوع فیلم ها واقف هستند اما اطفال و نوجوانان و کسانی که آگاهی و تجربه کافی را ندارند، آنها را واقعیت می پندارند و مظهری از زندگی جدید تصور می کنند. در صورتی که در بیرون از صحنه های تلویزیون و سینما یعنی در جامعه، واقعیت ها به کل متفاوت از موضوع فیلم هاست. امروز تماشای تلویزیون، بخشی از کارهای روزمره زندگی انسان است و خواه و ناخواه پیامدهای نیز دارد. تحقیقاتی که در کشور های مختلف دنیا کرده اند، نشان می دهد که تماشای تلویزیون فعالیت عمده در زندگی انسان ها به شمار می رود و تاثیر اجتناب ناپذیری در تمامی گروههای سنی به ویژه کودکان و نوجوانان بر جای می گذارد. بنابراین رعایت تناسب محتوی برنامه های تلویزیونی با ظرافت ها و ویژگیهای ادراکی و روانی مخاطبان و تلقی واقع بینانه از آنها برای تامین «بهداشت روانی» و «تعادل شخصیت» نونهالان ضروری به نظر می رسد. بدیهی است که بعضی از برنامه هایی که از شبکه تلویزیونی پخش می شوند، برای گروه های سنی کودک و نوجوان مناسب نیستند و تماشای آنها پیامدهای نامطلوبی دارد؛ چون تعدادی از برنامه ها فقط با هدف جذب مخاطب تهیه می شوند و در آنها دیدگاه کارشناسانه لحاظ نمی شود. در این جاست که نقش عوامل باز دارنده و نظارتی مطرح میشود. پدر و مادر از جمله نیرو های بالقوه نظارتی هستند که می توانند نقش بسزایی داشته باشند.

کودکان در خردسالی به طور کامل و واضح نمی توانند بین واقعیت و خیال مرزی قائل شوند، ممکن است هر آنچه در تلویزیون می بینند واقعی بپندارند. بنابراین چنانچه شاهد برنامه های با محتوای ناخوشایند باشند، به احتمال زیاد تاثیر زیانباری بر الگو فکری، هیجانی و رفتاری آنها خواهند داشت. ازاین رو باید به پدر و مادر آموزش داد که از فرزندانشان بخواهند آنچه را که در برنامه های تلویزیونی می بینند با اتفاقات واقعی مقایسه کنند. آنان باید به کودکان تفهیم کنند که تلویزیون در واقع مانند یک داستان گو است که داستانهای آن ساختگی است. آنان میتوانند به زبانهای ساده به کودکان تفهیم کنند که چگونه از جنبه های فناورانه مانند موزیک و نورپردازی، برای تحت تاثیر قرار دادن هیجان ها و عواطف مخاطبان بهره برداری می شود.

برخی از کودکان قوانین جهان خیال را با قوانین جهان واقعیت اشتباه می گیرند، کودکانی که هنگام تماشای تلویزیون پرخاشگری می کنند به احتمال زیاد اعمال پرخاشگرانه برنامه های تلویزیون را به یاد می آورند. بزهکاری رفتاری پیچیده است که معمولاً رشد آن منبعث از چندین ریشه است عمده ترین این ریشه ها معمولاً وجود نوعی فقدان بزرگ در زندگی کودک است که اغلب عبارت است از: خانواده از هم پاشیده، یا نوعی احساس مورد پذیرش واقع نشدن از طرف والدین یا گروه همسالان کودک تلویزیون حداکثر یک علت جانبی است. داستانهای خشونت آمیز وحشتناک، مسائلی چون مناقشه، قدرت و همبستگی بشری را مطرح میسازند. خشونت و وحشت جزئی از اسطوره، ادبیات و دیگر ابعاد فرهنگی محسوب میشوند. رسانه های گروهی، وحشت و خشونت را ساده سازی و استاندارد کرده، سپس آنها را به عنوان بخشی از آداب و سنن روز مره وارد زندگی بسیاری از خانواده ها میکنند. قرار گرفتن در معرض وحشت و خشونت از خردسالی آغاز و در طول زندگی ادامه میابد. فرهنگ جدید از صحنه های خشونت و وحشت تولید شده توسط رسانه ها اشباع شده است. و این امری است که گریز ناپذیر به نظر میرسد.^۱

بردن اطفال و کودکان به فضای محبوس و کثیف سینما و دیدن فیلم نامناسب، مثل دزدی، جنایت، مشت زنی و عشق بازی اثر غریبی مخصوصاً در اطفال شش - هفت ساله دارد.

۱. آمنه، کریمی، سبک تربیت اجتماعی کودک در آموزه اسلامی، موسسه تحقیقات و نشر معارف، ۹۴/۴/۱۱

این حرکات که از اشخاص بزرگ سر می زند، به نظر طفل کاملاً طبیعی جلوه می کند و ممکن است از آنها پیروی نماید. خصوصاً امروزه که موضوع فیلم ها، قتل های عمده، سرقت های ماهرانه، درام تفریحات شبانه، ناکامی ها یا موفقیت های عشقی را بیشتر نشان می دهد و چاره ای جز این ندارد! چون برای استفاده و جلب منفعت، باید به این قبیل فیلم ها متوسل شوند و مردم هم، امروزه هوس های غیر طبیعی دارند و از سرگذشت های عادی لذت نمی برند.

از نظر روحی و اخلاقی، صدمه فیلم بیشتر است. مخصوصاً اطفال عصبی و حساس زیاده تر در معرض خطر هستند و در سینما به لرزه، وحشت، گریه و سرعت نبض مبتلا می شوند و شب ها در خواب ناراحت می باشند و دچار خواب های نامناسب و بختک می گردند.^۱

تلویزیون عضو ثابت و انکارناپذیر اکثر خانواده هاست. عضوی که در بسیاری تصمیم ها و افکار و حرکتها صاحب رای است. با نگاهی به تحقیقات انجام شده درباره کودک و تلویزیون مشخص می شود بیشترین تاثیر جعبه جادو به کودکان و نوجوانان می باشد و خواهی نخواهی کودکان در انتخاب هر چیز بخصوص اسباب بازی تاثیر و نظر تلویزیون را صائب می دانند.

انتخاب اسباب بازی به وسیله چهره و ستاره های تلویزیونی صورت می گیرد مانند کلاه قرمزی و پسر خاله که در زمان پخش با فروش بسیار زیادی مواجه شدند. درباره دیگر وسایل کودکان نیز به این شکل است که هر وسیله ای که ستاره تلویزیونی مورد علاقه آنها بررویش حک شده باشد قابل خریدن است (فوتبالیست ها، میتی کمان، ماسک، لوک خوش شانس و)

ستاره تلویزیونی چهره محبوب است که در یک زمینه دارای خصوصیات غالب با ویژگی خاص است و پس از مدتی بین بعضی از گروه های جامعه تبدیل به الگو می گردد. در اکثر موارد ستاره ها در جنبه ای خاص دارای توانایی می باشند و در سایر جنبه ها ضعفهایی از آنان مشاهده می شود. یکی از خصوصیت های ستاره ها ایجاد تمایل طرفداران به همانند سازی است به طور مثال لباس - مد مو و طرز تکلم، سریعاً توسط جامعه مورد نظر تقلید می

۱. احمد، بهشتی، تربیت کودک در جهان امروز، چاپ پنجم، ناشر موسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ص ۲۸۵ و ۲۸۶

شود. در طول پخش برنامه کلاه قرمزی و پسر خاله گفتن کلماتی مانند «اکشال نداره - مگه چیه - سیلین به جای سلام» بسیار رایج بود.^۱

برنامه های تلویزیونی معمولاً آموزنده هستند، خواه این آموزش خوب یا بد باشد. تحقیقات وارد نشان می دهد که تاثیرات تلویزیون روی فرزندان با راهنمایی والدین کاهش می یابد. در بسیاری از تحقیقات فوق شواهدی وجود دارد که نشان می دهد مادران احساس می کنند فرزندان از سنین پیش از دبستان تا سنین بالاتر، چیزهایی از تلویزیون یاد می گیرند. تعداد زیادی از آنها احساس می کنند که برخی از این آموزشها بد هستند. این مادران از تاثیر تلویزیون بر فرزندان خود شدیداً اظهار نگرانی میکنند. جای تاسف است که در اغلب این تحقیقات می بینیم مادران به رغم ناراحتیها و نگرانی هایشان هیچ کنترلی روی زمان و نوع برنامه هایی که حتی فرزندان کوچکشان به تماشای آن می نشینند ندارند.^۲

تاثیر رسانه ها بر کودکان همواره تاثیر سودمند نیست و والدین باید با این تاثیر ها از طریق گفت گو و نظارت بر آنچه کودکان در معرض آن قرار دارند، مقابله کنند.

برنامه های که مخاطب آنها بیش تر کودکان هستند، با اصول مسلمی سرو کار دارد که از این ایده حمایت می کنند که مردم یا خوب هستند و یا بد، یا هوشمند یا احمق.

والدین از کلیشه های که به طور مستمر می بینند، الگو برداری می کنند والدین می توانند با این کلیشه ها به شیوه های مختلف مقابله کنند و هنگامی که از یک گروه اجتماعی تصویری نادرست ترسیم می شود، درباره آن به اظهار نظر پردازند.

برای مثال، اجازه دهید کودکانان بفهمند و درک کنند که همه مو بلوندها، احمق نیستند و پوشیدن لباس مشکی، شخص را به یک انسان بد تبدیل نمی کند.

هر ساله، کودکان با متقاعد کردن والدین خود برای خرید چیزهایی که رسانه ها آنها را به عنوان «فوق العاده» به تصویر می کشند، سبب افزایش هزینه های زندگی آنها می شوند.

وقت گذاشتن برای صحبت با کودکانمان درباره آنچه در رسانه ها می بینند، این مسئله را تضمین می کند که آنها چیزهایی را می آموزند که ما می خواهیم کودکانمان یاد بگیرند، نه آنچه رسانه ها آموزش می دهند و این مسئله از تاثیرگذاری منفی رسانه ها جلوگیری می کند.

۱ علی، زارعان، پیامدهای فرهنگی اسباب بازی، چاپ دوم، تهران، انتشاراتی فرهنگ و دانش، ۱۳۷۹

۲ مجید، درخشان، مترجم عبدالهی، شهره، کودک و تلویزیون، جلد دوم، واحد انتشارات و مطبوعات، ص ۵۴

والدین باید در مورد سایت هایی که فرزندانشان بازدید می کنند، با آنها صحبت کنند و درباره شناخت خود از سایت های مورد بازدید آنها کاملاً مطمئن شوند و حتماً به آن سایت ها سرکشی کنند اگر والدین به موردی غیر اخلاقی برخورد کردند، وظیفه آنهاست که احساس خود را به زبان بیاورند.

دیدن تلویزیون، کودکان را از بازی کردن باز می دارد، چون تلویزیون، بیشتر اوقات دوران را به خود اختصاص می دهد. هرگونه فعالیتی که ساعت های زیادی از اوقات کودکان را پر می کند، در واقع بیش تر به زمان بازی آنها هجوم برده است.

بازی کودکان جدای از اینکه یک سرگرمی صرف است یا اوقات را لذت بخش می کند، متضمن انواع مهمی از رفتارهایی است که کار ویژه آنها کمک به جنبه های با اهمیت پیشرفت اجتماعی، احساسی و هوشی کودک است.

نگرانی هایی که در مورد کودکان قرار گرفته در سنین مدرسه وجود دارد، بی تردید، روی تماشایی زیاد تلویزیون بر موفقیت های درسی، رشد بدنی و ذهنی، تقویت روابط اجتماعی، و آماده شدن آنها به عنوان شهروندان فعال در یک نظام دموکراسی متمرکز است، چون ساعت های مشاهده تلویزیون، در حقیقت، بسیار زیاد است و در دهه های گذشته هم حالت فزاینده ای به خود گرفته است.

محتوای برنامه هایی که کودکان می بینند، اهمیت زیادی دارد، هر آنچه را در صفحه تلویزیون می بینند، یاد می گیرند. برخی از چیزهای که می بینند تاثیر زیادی بر کودکان ندارند و برخی هم تاثیر منفی دارند.

آنچه مهم است در تماشای تلویزیون سپری شدن اوقات در مقابل صفحه تلویزیون است. ثابت شده است که بسیاری کودکان نیاز دارند ظرفیت خود اتکایی را ارتقا دهند تا خودشان را از وابستگی آزاد سازند، ولی تماشای تلویزیون، این وابستگی را دائمی می کند. کودکان نیاز دارند توانایی ها و ضعف های خود را کشف کنند تا زمینه های تکامل خویش را هم در کار و هم در بازی، همچون در بزرگسالان بیابند.

کودکان به ارتقای توانایی های خود در عرصه خانوادگی نیاز دارند تا خودشان روزی بتوانند به والدینی موفق تبدیل شوند.

تلویزیون از یک منبع سرگرم کننده، در زمانی که والدین نیاز دارند خودشان را از مراقبت کودک رها سازند، به تدریج، حضور قدرتمند و نفاق افکنی را در زندگی خانواده پیدا

می کند. کودکان بیشتر ساعت های بیداری خود را به جای انجام دادن هر گونه فعالیت خاص دیگری، به تماشای تلویزیون خواهند گذرانید.

بچه به آرامی جلوی تلویزیون می نشیند، افراد درون تلویزیون را می بیند که به هم مشت می زنند؛ انگیزش برای واکنش نشان دادن پیدا می کند؛ دعوا یا غریزه دعوا کردن فعال می شود، ولی از آنجا که واکنش دادن به تصاویر تلویزیون، نامعقول است، احساسات خود را فرو می نشاند. همان طور که این مجادله ادامه پیدا می کند، این چرخه انگیزش و فرونشاندن نیز ادامه می یابد.^۱

گفتار سوم: تأثیر مثبت و منفی برنامه های تلویزیون:

وسایل ارتباط جمعی موجب نزدیکی سلیقه ها، خواست ها و انتظارات تمامی ساکنان یک جامعه شده و جوامع را از عصر محدوده های جدا خارج می گردانند. ورود وسایل ارتباط جمعی به جامعه، خرده فرهنگ ها و فرهنگ های خاص و مجزا را ناپدید کرده و به نوعی تشابه میان تمامی ساکنان یک جامعه به وجود می آورد و مردم آن جامعه از سبک زندگی و علایق و خواسته هایی که رسانه جمعی ارائه می دهند، پیروی می کنند. براساس جامعه شناسی ارتباطات، مخاطبان، توده های عظیمی از انسان های پراکنده با ویژگی های ناشناخته هستند؛ که هیچ گونه پیوندی با هم نداشته و وجه مشترک آنها همان اثری است که از رسانه می گیرند. رسانه ها عامل پیوند دهنده انسان ها با یکدیگر بوده و به آن هویت جمعی می بخشد.^۲

شاخص های عمده برنامه های تلویزیونی برای ایجاد جنگ روانی:

الف) سرعت انتقال: انتقال سریع و رد آسای پیام های روانی و اطلاعات با تمامی جوانبش به بینندگان و مخاطبان خود به میزان اعتبار و حیثیت تلویزیون اعتلا بخشیده به طوری که تماشاگر احساس می کند که در لحظه وقوع حادثه در آنجا حضور فیزیکی داشته است. این سرعت انتشار پیام و اخبار تلویزیون، سوءظن و بی اعتمادی های تماشاگران را از بین برده است. به عبارت دیگر، تلویزیون چیزی را برای مخاطبان خود تعریف نمی کند بلکه آنها را مستقیماً و بدون واسطه به محل وقوع حادثه برده تا با دیدگان خود تمامی زوایای حوادث را ببیند.

۱. قاب جادو، ص ۱۷ تا ۱۵، ص ۷۵ و ۹۲ و ۹۳ و ۱۰۶ تا ۱۱۳

۲. تورج، مهدی زاده، مبانی ارتباط با رسانه ها، چاپ چهارم، ناشر: پارس بوک، ۱۳۹۱، ص ۱۷

ب) صمیمیت: تماشای برنامه های تلویزیونی در خانه و در جمع اعضای خانواده یک نوع احساس صمیمیت و عدم احساس غربت را به وجود می آورد و زمینه نفوذ روانی پیام های جنگ روانی را فراهم می سازد؛ زیرا کسانی که در صحنه تلویزیون ظاهر می شوند افرادی هستند که به علت تکرار و عادت برای مخاطبان برنامه های تلویزیونی شناخته شده هستند و مردم به راحتی آنها را در جمع اعضای خانواده خود می پذیرند. این امر باعث می شود تا برنامه های تلویزیونی، بیشتر از سایر وسایل ارتباط جمعی موثر واقع شود. بنابراین، از لحاظ روانی و تاثیرات برنامه ها بر افراد و جامعه نقش محوری دارد.

در مجموع می توان استنباط کرد که نقش برنامه های تلویزیونی به نوعی باعث ایجاد ارتباط و همبستگی بین افراد جامعه شده، یک نوع احساس مشترک و هم دردی با جامعه در آنها احیا می شود و در نهایت منجر به «وفاق ملی» و وحدت ملی خواهد شد و در صورت تبدیل پیام ها به جنگ روانی می تواند وفاق ملی و وحدت ملی را بر هم زند.

ج) تلویزیون، کودکان و تخریب روانی آنان:

گسترش تلویزیون در دنیا و توجه روز افزون شمار بیشتری از انسان ها به ویژه کودکان به برنامه های تلویزیونی مسائل زیادی را در رابطه با سلامت آنان مطرح کرده است. سلامت روانی کودک با مشاهده برنامه های خشونت آمیز به طور مکرر، مهمترین عامل تخریب روانی در ایجاد جنگ روانی است.^۱

آثار تخریبی تلویزیون در این نیست که ما را با مقوله های تفریحی سرگرم می کند، مشکل زمانی بروز می کند که تلویزیون تمامی مقولات علم، فلسفه، اخلاق، دین، سیاست، تاریخ، فرهنگ، و حتی خبر را در قالب سرگرمی و تفریح عرضه کند. در دنیای تلویزیون، انسان ها در کنار یکدیگر نشسته اند ولی جدای از هم و بدون داد و ستد فکری و تبادل اندیشه و عاطفه به سر می برند.^۲

یکی از وظایف صدا و سیما، تشویق فرهنگ ازدواج و تشکیل خانواده است. با توجه به اهمیت ازدواج و نقش آن در زندگی و سلامت جسمی روانی افراد و لغزش ها و انحراف هایی که در اثر بالا رفتن سن ازدواج پدید می آید.

۱. حسین، متفکر، جنگ روانی، ص ۱۸۲، همان.

۲. ترجمه دکتر صادق طباطبائی، نقش رسانه های تصویری در زوال کودکی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۷، ص ۳۲۵.

پایان بیشتر برنامه ها و سریال های خانوادگی و غیر خانوادگی به ازدواج ختم می شود، ولی در سراسر سریال، نگاه های هوس آلود دختر و پسر دنبال هم است. این گونه برنامه ها نه تنها زمینه ساز ازدواج نیست بلکه تشویق هوس رانی و نظر بازی است.^۱

انسان هایی که به دین، مردم، فرهنگ و سرزمین مادری خود خیانت می کنند، در همه جای جهان اسلام حضور دارند. چنین افرادی را در دانشگاه ها، رسانه های مکتوب و الکترونیک، نهاد های فرهنگی و حتی مساجد می توان یافت. بر همه عرصه ها و سطوح فرهنگ و سنت اسلامی نفوذ و دسترسی دارند بنابراین سطوح فرهنگ و سنت اسلام در معرض حمله قرار دارد.

سطحی ترین و آشکار ترین دسته از این زنان و مردان را در رسانه های دولتی و رسمی تحت حمایت دولت های وابسته به آمریکا و غرب می توان دید. آنها از تلویزیون که مهمترین منبع و عامل تغییر در جهان اسلام است، استفاده می کنند و روش های زندگی و رفتار ها و حتی شیوه لباس پوشیدن خود را که اخلاق های سنتی و روش های بومی را از میان می برد، ترویج می کنند.

جوانان مسلمان در برابر این حمله دشمن، بیمه شده و مصون نیستند. آموزش مدرن و سکولار، اینترنت، تلویزیون، پیروی از مدل های غربی، شیوه فکر، اخلاق و احساسات جوانان ما را تغییر داده و انگیزه اندکی برای پیروی و یادگیری آموزش های سنتی دینی باقی مانده است.

برای آنکه بتوانیم پاسخی در خور به جنگ تمام عیار غرب در حیطه دین و ایدئولوژی بدهیم، نیازمند تغییر رویکرد ها هستیم. هیچ چیز تضمین شده نیست. بی شک، تخریب نظام اخلاقی و ارزش های اسلام به تخریب کامل تمدن اسلامی می انجامد. در حال حاضر، نشانه هایی از آسیب دیدگی در همه جای جهان اسلام قابل مشاهده است و اگر تلاشی نظام مند، برنامه ریزی شده و هماهنگ برای مقابله با این روند صورت نگیرد، دیر خواهد شد.

فهم ناقص از غرب، به دلیل شکست ناشی از به کار بردن معیار اسلامی برای ارزیابی تمدن ها و جوامع است.^۲

۱. روابط سالم در خانه، ص ۱۹۴

۲. داوود، رجیب نیا، جنگ نرم رسانه ای تهاجم بر ضد اسلام، رجیب نیا، داوود، چاپ اول، ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، زمستان ۱۳۸۹ ص ۱۳ تا ۱۱

۳-۱- تبلیغات پدیده ای عالمگیر:

این روز ها دیگر تبلیغات پدیده ای بیگانه و مهجور نیست که بست در وصف آن به گفتگو نشینیم! اتفاقا بر عکس! ما دیگر بر امر بسیار روزمره و عادی روبرو هستیم که کم و بیش تمام حوزه های زندگی اجتماعی ما را در بر گرفته است و حالا دیگر کمتر کسی را می توان یافت که حقیقتا با این امر غریبه بوده باشد! کافیت که هر کس اندکی به پیرامون خود بنگرد تا از حضور گسترده و بی وقفه آن با خبر شود! تبلیغات هم همانند هر پدیده دیگری در حیات اجتماعی بشر خوب و بدش یا نفع و زیانش نبی است!

هر دولت و هر حکومتی از برای نشرافکار و ترویج ایده ها و تحکیم ارزشها و هنجارهای مورد اتکایش از شمار ابزار هایی که سخت در اختیار می گیرد یکی هم رسانه ها و البته مهمترینش تلویزیون می باشد؛ خلاصه کنیم که با این ابزار در نوع خود بی بدیل، مردم در عین حال که از برنامه های گوناگون استفاده می کنند و سرگرم می شوند همزمان مطابق ارزشها و هنجارهای حاکم بر جامعه با اصطلاح جامعه شناسان اجتماعی می شوند!

کافی است چشمانتان را ببندید و اندکی پیرامون این مسئله بیندیشید تا ببینید چقدر ذهن شما انباشته از اشکال و انواع گوناگون تبلیغات است که هر کدام شکل خاص و بدیع آمیخته با هنر و طنز و شعر و موسیقی در وجود شما رخنه داده اند! ببینید چقدر در قالب همین تبلیغات به ذهن شما مطلب القا شده است! به بچه هایتان بنگرید و ببینید که چگونه مدام سوره های آنرا از بر می شوند و ناخودآگاه باز می سرایند! تبلیغات با القاء و تحمیل خواسته خود هم احساس نیاز شدید در بیننده بوجود می آورد. و هم در مورد هر چیز بیننده انتخاب خود را از پیش انجام می دهد.^۱

در تبلیغ فرهنگ اسلامی که یکی از رسالتهای مهم و اساسی تلویزیون در نظام جمهوری اسلامی می باشد، چهره افراد مذهبی و زندگی آنها در هاله ای از سیاهی و خشن و خشک، فقیر، بی سواد نشان داده می شود، در حالی که چهره افراد غیر مذهبی با جلوه ای روشن، شاداب و جذاب، پولدار و دارای زندگی مرفه و اشرافی و تحصیل کرده و فهیم نشان داده می شود. لذا این القا را در بیننده ای که امکان حضور در مساجد را پیدا نکرده اند، پخش می شود و برای آن عده مخاطبانی که با دین جز نام مسلمانی، سرو کاری ندارند، حرفی ندارد.

۱. حسین، شیران، جامعه شناسی ارتباطات، تهران، ناشر الکتونیک: جامعه شناسی شرقی، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۰ تا ۱۲

در یک رسانه تصویری که تنها وسیله ارائه برنامه و پیام و محتوا تصویر و هنر می باشد نتوانسته است در چنین ایامی رسالت خود را به خوبی ادا نماید.

کودکانی که زیاد به تماشای تلویزیون مشغولند، محیط پیرامون خود و اجتماع خود را خطرناک و دشمن خود می انگارند. ارقام ها و آمار های ما همچنین نشان می دهد. زیاد مشاهده کردن تلویزیون قدرت تحلیل را مختل و به هنگام ورود به مدرسه با مشکلات بزرگ آموزشی مواجه می سازد^۱

۳-۲- تأثیر فرهنگی معماری اسلامی:

(وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا) بلکه از خود واژه مسکن استفاده می شود، نخستین و مهمترین ویژگی خانه مطلوب، آرامش بخش بودن آن است، اختصاص دادن اتاق یا مکان مناسبی از خانه برای عبادت، از ویژگی هایی است که موجب معنویت و صفای خانه می شود و برخی از پی آمدهای زندگی ماشینی را از بین می برد.

بر خلاف خانه سازی به سبک غربی که جایگاه دست شویی را در درون مجموعه و نزدیک به قسمت هایی مانند اتاق نشیمن و پذیرایی و آشپزخانه، لحاظ می کنند که این امر، پی آمد های خاص بهداشتی و اخلاقی دارد، در آموزه های اسلامی، تاکید شده است مکان آن، در پنهان ترین و دورترین قسمت ساختمان باشد.

توجه به معماری اسلامی منازلی که در گذشته، به شیوه سنتی ساخته می شد، در خانه هایی که به سبک سنتی ساخته می شد، ضمن آن که شرایط اقلیمی و آب و هوایی لحاظ می گردید، چگونگی اتاق ها و فضاها، به گونه ای بود که هر یک از افراد می خواست کاری انجام دهد یا استراحت نماید، مزاحم دیگر اعضا نمی شد. برخلاف خانه های امروزی که همه باید به اجبار، در همه چیز شریک باشند، اگر تلویزیون و رادیو روشن است، همه باید ببینند و گوش کنند و اگر مهمانی برای یکی از افراد خانه آمد، همه باید گرد او جمع شوند. اتاق ها و فضاها به گونه ای نیست که رفتار افراد، مستقل و متناسب با برنامه ریزی خودشان باشد.

خانه های جدید در ساخت و ساز آنها چنان ارزش های دینی و ملی، از جمله حجاب و عفاف، ملحوظ نشده است، مثلاً خانه های که در برنامه های تلویزیونی مشاهده می کنیم به سبک غربی و دارای فضای بسیار باز است که همه محیط خانه برای فرد قابل است و برای خانم خانه که باید یک فضای راحت و مناسب و به دور از دید نامحرم وجود داشته باشد در

۱. نقش تربیتی والدین و رسانه های گروهی در الگوپذیری نوجوانان و جوان، ص ۴۷ و ۴۸

از دیگر زمینه ها و عوامل پیدایش تهاجم فرهنگی در جامعه رفاه طلبی، تجمل گرایی و ثروت اندوزی است که چشم های تیزبین مردم این مسایل را به خصوص در سطح مسئولین با دقت می بینند و قضاوت می کنند.

۳-۴- انتقال تجربیات انقلاب و دفاع مقدس به نسل جوان:

مقام معظم رهبری دامت برکاته در این باره می فرمایند:

من معتقدم این جنگ تمام نشدنی است یعنی واقعا یک ذخیره و یک گنجینه عظیمی است که هیچ وقت تمام نخواهد شد و همیشه می شود از آن استفاده کرد صد سال می تواند سخن از زلف یار گفت یعنی از این جنگ واقعا عمری می توان حرف زد.

در کشور ما استکبار با کمک عوامل رسانه ای و جاسوسی خود سعی کرده است بین نسل جدید با این افتخارات فاصله ایجاد کرده و نسل نو را از این هویت تهی نماید بخصوص نسل سوم انقلاب که پس از پیروزی انقلاب متولد شده اند هدف استراتژیک دشمن می باشند و عمده سرمایه گذاری دشمن بر این نسل متمرکز شده است زیرا آنها نه دوران طاغوت نه دوران خون و حماسه انقلاب و دفاع مقدس را نتوانستند درک کنند.^۱

گرایش جامعه به لهو و طرب و خوش گذرانی و کارهای مهیج شهوات و بازیهای لغو فی حد نفسه خطرناک و موجب سقوط اجتماع و مانع از توجه به امور اصلیه ای است که برای تمدن و ترقی هر قوم لازم است. اشتغال به ملامهی اگر فقط فی الجمله هم آزاد باشد، برای اینکه فرهنگ کار و ابتکار و سعی و تلاش یک جامعه را ضعیف سازد، کافی است و خود به خود اگر جهات بازدارنده مثل تعالیم مذهبی نباشد، گسترش پیدا می کند و کار بسیار خطرناک این است که از این برنامه ها ترویج شود و به اشخاص در این عرصه های نوازندگی یا خوانندگی و بازیهای مثل شطرنج جایزه و امتیازات داده شود و این ترویجات در برنامه های فرهنگی قرار بگیرد. تاریخ به ما نشان می دهد که در هر ملت این جریان و رغبت به این امور شیوع یافت، آن ملت رو به زوال و انحطاط می گذارد. ما مسلمانها باید از تاریخ اندلس اسلامی عبرت بگیریم؛ کشوری که به وسیله طارق بن زیاد، غلام موسی بن نصیر یکی از شیعیان اهل بیت علیهم السلام فتح شد و به آن تمدن بزرگ رسید، در اثر شیوع لهو و لعب آن عزتی که در اثر خودسازی اسلامی و تجنب از ملامهی داشتند، مبدل به ذلت شد و دشمن از طریق فتح باب مجالس لهو و طرب و فحشا و خوانندگی و نوازندگی و محافل عیش و

۱ احمد، طهماسبی، شبیخون فرهنگی، چاپ ششم، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۸۵ ص ۶۰ و ۱۲۴

عشرت، وارد عمل شد و همت و عزائم و غیرت و مردانگی جامعه را سست و آنان را برای قبول نفوذ دشمن در ابعاد مختلف آماده کرد.

رقص یعنی کارها و حرکات موزون و مطرب و مهیج که در نفس همان تاثیر را دارد که الحان غنا و آواز خوانیهای مطرب دارد غرایز حیوانی و شهوانی را تحریک می کند و از خیلی از گناهان تاثیرات فاسد آن بیشتر است. عفت و پارسایی شخص را خدشه دار و به فساد و انحراف و رذایل اخلاقی گرایش می دهد. رقصیدن سستی به صورت گروهی توسط مردان در حین نواختن ساز و دهل چه حکمی دارد پخش از تلویزیون مجوز شرعی برای ارتکاب معصیت نیست. این گونه مسائل را از تلویزیون نیز نمایش داده و از آن تبلیغ می نماید.

این گونه امور که شرعا حرام است، فرقی بین سستی و غیر سستی آن نیست. مساله مهم در اسلام، تسلیم بودن شخص نسبت به هدایت‌های دینی و الهی است؛ در مجموع، این اسلام است و این احکام و رشته های مختلف همه نواحی زندگی و ابعاد روحی و معنوی و جسمی، سیاسی و اجتماعی و فردی، مالی و اقتصادی و جزایی که متضمن جلب مصالح و دفع مفاسد می باشد و ما باید آنها را بپذیریم و در جزئیات، چون و چرا ننمائیم. این اشتباه است که کسی فکر کند حالت مذکور، یک حالت روحانی و معنوی و قرب به خدا است، بلکه این حالت روانی است که معلول همان صدای تار و غیره است؛ یعنی اثر آن صدا به قدری روح شنونده را تحت تاثیر قرار می دهد که از بسیاری از امور غافل می شود و حتی ممکن است حالت گریه پیدا کند،^۱

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ»

«برخی از مردم سخنان بیهوده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند».

۳-۵- موسیقی:

«موسیقی» یا «موسیقیا» - واژه یونانی است که در فرهنگ لغت، معادل «غنا» است؛ ولی در حوزه مفاهیم دینی و اصطلاح فقه، با یکدیگر تفاوت دارد. «غنا» در اصطلاح شرعی عبارت است از: «آوازی که از حنجره آدمی بیرون آمده و در گلو چرخانده (چهچه) شود. و در شنونده حالت سرور و وجد ایجاد کند و مناسب با مجالس لهو و خوش گذرانی باشد». اما

۱. رضا، مختاری، محمد رضا نعمتی، غنا، موسیقی، مختاری، چاپ اول، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ص ۳۸۰ و ۳۸۱

موسیقی به «صوت و آهنگی گفته می شود که از آلات موسیقی، پدید آید». بر این اساس بین موسیقی علمی و موسیقی فقهی، عموم و خصوص مطلق است.

در قرآن چند آیه در این مورد نازل شده است که با توجه به بعضی از آیات قرآن و احادیث، حرمت غنا و موسیقی لهوی، به خوبی ثابت می شود. افزون بر آن تمامی فقیهان شیعی نیز بر حرمت موسیقی و غنا اتفاق نظر دارند.

از فلسفه حرمت موسیقی می توان به فساد و فحشا گرایش پیدا کردن و از یاد خدا غافل شدن و تاثیر سوء بر روان و اعصاب انسان گذاشتن نام برد.

هر نوع آواز و آهنگی، حرام شمرده نمی شود؛ بلکه تنها آهنگ های مناسب با مجالس لهو و فساد، مشمول حرمت است و گوش دادن به آهنگ هایی که از این مشخصه عاری بوده و یا مشکوک به نظری رسد، اشکال ندارد.

طرب و لهو، دو واژه کلیدی است که در غنا و موسیقی به کار می رود. طرب به حالت سبک وزنی و سبک عقلی گفته می شود که در اثر شنیدن آواز یا آهنگ، در روان و نفس آدمی پدید می آید و او را از حد اعتدال خارج می کند. این امر تنها به حالت شادی اختصاص نمی یابد؛ بلکه ممکن است از آهنگ های غم و حزن آور نیز به دست آید. «لهو» سازگاری و هم نوایی آواز و آهنگ نواخته شده با مجالس فساد و خوش گذرانی است، بدین معنا که ممکن است نغمه ای طرب انگیز نباشد، ولی از نغمه هایی باشد فقط در جلسات فاسقان و هواپرستان رایج باشد. به این آهنگ لهوی می گویند و اگر از هر دو مشخصه (طرب و لهو) برخوردار باشد؛ به آن مطرب لهوی می گویند.

تمامی مراجع تقلید، «لهوی بودن» را جزء و قید موسیقی حرام می دانند؛ ولی در قید «طرب انگیزی» اختلاف نظر دارند.

آلات موسیقی دو قسم است: آلات مختص حرام و آلات مشترک.

«آلات مختص» به آلاتی از موسیقی گفته می شود که نوعاً در لهو و لعب به کار می رود و منفعت حلالی در بر ندارد. «آلات مشترک» به آلات موسیقی گفته می شود که هم برای منافع مشروع و حلال به کار می رود و هم برای منافع نامشروع و حرام.

استفاده از آلات مختص به هیچ وجه جایز نیست؛ ولی آلات مشترک بستگی به کیفیت نواختن آن دارد. بیشتر مراجع تقلید استفاده از آلات مشترک را به طور مطلق حرام نکرده اند؛ بلکه براساس کیفیت نواختن آن فتوا داده اند.

«أَمِنَ هَذَا الْحَدِيثَ تَعْجُبُونَ وَتَضْحَكُونَ وَلَاتَبْكُونَ وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ»^۱

شیخ طبرسی گفته که مراد از حدیثی که از آن تعجب و خنده می کنند، غناء است و مروی است که کفار، غناء می کردند تا مردم را از شنیدن قرآن باز دارند.^۲

۳-۶- بازداشتن از موسیقی و آهنگ های مضر:

پیامبر اکرم صلوات الله علیه می فرمایند:

هرکس به آواز غنا گوش کند، به او اذن داده نمی شود که آواز روحانیون را در بهشت بشنود.

یکی از صنایع پیشرفته بشری همین وسایل برقی است که صدا و تصویر را از راه دور منتقل می سازد و می تواند مردم را از اخبار و حوادث دنیا مطلع کند و علم و دانش به مردم بیاموزد و خلاصه در مقام بهترین دانشگاه در خدمت مردم باشد.

اما این در صورتی است که گراندگان آنها مردمی مومن و مخلص و دلسوز و آگاه باشند و از این وسایل برای اغراض شهوی و استعماری استفاده نکنند.

متأسفانه در دنیای امروز از رادیو و تلویزیون استفاده های نامشروع می شود و کودکان و نوجوانان از طریق برنامه های مضر و مخدر رادیو و تلویزیون ضررهای بزرگی می بینند.

امروز در جهان اسلام کمتر کشوری است که صدا و سیمایش در قبضه برنامه های تخدیری و شهوی و حتی استعماری نباشد. کشور خودمان تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مصادیق بارز این بدبختی و گرفتاری بود. بی شک اگر رادیو و تلویزیون در چنین مسیری باشد، مضرات تربیتی بسیاری دارد و استفاده از آنها حرام است.

اسلام می خواهد دین و عقل و نسب و جان و مال مردم را حفظ کند و اگر برنامه های رادیو و تلویزیون با این اصول مخالف باشد، موکداً حرام است. زیرا هم عقل را تباه می کند و هم دین را بر باد می دهد و هم عفت و پاکدامنی را خدشه دار می کند هم به جان آموزه ها و آهنگ ها و ترانه ها و موسیقی هایی همراه است که در روایت فوق شدیداً از آن نهی شده است و بنابراین، باید از آنها پرهیز کرد.^۳

اصولاً لذت فوق العاده ای که افراد از موسیقی میبرند، به سبب همین تخدیری آن است. میتوان گفت به هراندازه که موسیقی، انسان را به خود مشغول بدارد، ازحالات روحانی و

^۱ نجم (۵۳) آیه ۵۹ و ۶۰ و ۶۱

^۲ سید مجتبی، حسینی، پرسش و پاسخ دانشجویی، چاپ ششم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵، ص ۱۶۹ تا ۱۷۱

^۳ احمد، بهشتی، اسلام و تربیت کودکان، چاپ دوم، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵

ملکوتی اوکاسته می شود. وضع روانی اکثریت غریب به اتفاق مردم دوان معاصر ما بهترین دلیل این مدعاست که به جهت گسترش موسیقی در شرق و غرب، حتی متاسفانه در کشورهای اسلامی، یک حالت لذت گرایی و تاثیر پذیری از موسیقی، روان آنان را فراگرفته و از وجد و هیجانات و شهودهای عالی ملکوتی و الهی آنان به طور وحشتناک کاسته است. موسیقی و علاقه افراطی نسبت به آن، تاکنون به افزایش علق انسان کمک کرده و نه موفقیت او را در روابط اجتماعی و ارتباط با مجموع هستی روشن ساخته است. و هیچ گونه ملازمتی بین موسیقی و لطیف و ظریف ساختن روح انسان وجود ندارد و علاوه بر آن افزایش بیماریهای روانی، و گسترش وحشت آور لذت مداری، و بسیاری از مفاسد و تباهی ها، نه تنها به وسیله موسیقی معالجه نمی شود، بلکه اکثریت غریب به اتفاق موسیقی های رایج امروز، مانند دیگر عوامل، وسایل برای تخدیر و پذیرش زندگی بر مبنای وضع موجود گشته و بسیاری از آگاهان و خردمندان را نیز به خواب غفلت فرو برده است.

۳-۷- اثرات و نتایج موسیقی:

موسیقی موجب تسکین اعصاب و روح و روان نمی شود، یعنی موسیقی انسان را از واقعیت دور کرده و واقعیات را رنگ آمیزی نموده و به صورت دگرگون شده در می آورد و به صحنه خود آگاه ذهن تحویل می دهد. درواقع موسیقی به نوعی جنبه تخدیری دارد. در واقع نفس آدمی-که هویت و ارزش و سعادت و شقاوت ابدی انسان در گرو آن است- درحال تاثیر از موسیقی، جنبه فعال بودن خود را از دست می دهد و حالت انفعالی پیدا می کند و این همان چیزی است که در بیان ارباب معرفت و شهود، از آن به «ضعف اراده و نفس» تعبیر شده است. امام خمینی ره در کتاب اربعین حدیث می نویسد: «ای عزیز بکوش تا صاحب عزم و دارای اراده شوی...جرات بر معاصی، کم کم انسان را بی عزم می کند، این جوهر شریف را از انسان می رباید.

و بیشتر از هر چه، گوش کردن به تغنیات، سلب اراده و عزم از انسان می کند.» امام خمینی(ره) در جای دیگر بیان می کنند که موسیقی از اموری است که البته هر کسی بر حسب طبع خوشش می آید، لکن انسان را از جدیت بیرون می برد و به یک مطلب هزل می کشاند.»

بسیاری از صاحب نظران، قائل به جنبه تخدیری موسیقی بوده و آن را در ردیف مواد مخدر می شناسند، و بر این عقیده اند که اثرات تخدیری آن به هیچ وجه قابل انکار نیست.

استماع موسیقی، در اعصاب شنونده اثر تخریری ایجاد کرده و گاه آن چنان شدید می شود که انسان را از حالت طبیعی خارج کرده و توجه او را از یک سلسله امور مادی و معنوی سلب می کند.^۱

۳-۸- حرمت موسیقی مطرب

روحانی می گوید موسیقی روح عشق بازی و شهوترانی و خلاف عفت در انسان تولید می کند و شهادت و شجاعت و جوانمردی را می گیرد و به قانون شرع حرام است و نباید در مدارس جزء پروگرام باشد تا این در عنصر لطیف سریع الانفال را به هم پیوند کند.

انجام دادن و شنیدن غنا و کسب کردن با آن حرام است. و غنا تنها زیبا کردن صدا نیست، بلکه عبارت از کشیدن و برگرداندن صدا با کیفیت خاصی است که طرب آور و مناسب مجالس لهو و محافل طرب و آلات لهو و ادوات موسیقی باشد. و بین استعمال آن در کلام حق مانند قرائت قرآن و دعا و مرثیه، و بین غیر آن از شعر یا نثر، فرقی نیست.

دستگاه تلویزیون دستگاهی است که حساسترین دستگاههای تبلیغاتی هر کشوری است که هم از طریق بصر و هم از طریق سمع از آن مردم استفاده می کنند. و آنطوری که به رادیو و تلویزیون توجه می کنند مردم، به هیچ دستگاهی آنطور توجه نمی کنند. از دستگاه کوچکی که برای بچه ها گذارده می شود با آن برنامه هایی که برای دیگران اگر این دستگاه اصلاح بشود و برنامه های آن برنامه های اصلاحی باشد امید است که یک مملکت اصلاح بشود.^۲

عواقب غنا و موسیقی در روایات: بروز نفاق و فقر و پریشانی، کفران نعمت، اعراض خدا از اهل آن، بلاهای بزرگ و مرگ ناگهانی، رویدن نفاق در قلب، دوری از رحمت خدا، رفتن حیا^۳

نتیجه:

تلویزیون، در برانگیختن سلیقه بهتر از برانگیختن فعالیت فکری عمل می کند، کودک در مواجهه با تلویزیون دریافت کننده منفعل خواهد بود، اگر چنین پیش رود و خانواده ها کنترل نکنند، کودک به اهداف واهی میل پیدا خواهد کرد، در نتیجه آینده او به خطر خواهد افتاد.

۱. مهدیه، خادم، لهو و لعب از دیدگاه قرآن و روایات، چاپ اول، انتشارات نشر دانش آموز، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸ و ۱۴۱

۲. تبلیغات هنر و رسانه از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ اول، ناشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام ره، ۱۳۸۱، ص ۳۵۸ و ۳۵۹

۳. محمدحسین، آسوده، عواقب گناهان، چاپ دوم، قم، انتشارات دلیل ما، قم ۱۳۸۹، ص ۲۳۰

فصل دوم:

تأثیر تلویزیون بر بعد اجتماعی و خانوادگی کودک

مقدمه

کودک مهارت اساسی در زندگی می آموزد، که برنامه های تلویزیونی می تواند افکار و نگرش او نسبت به مسائل اجتماعی و خانوادگی را جهت دهی کند، و این امور به نوع آموزش کودک و برنامه های دقیق مربیان او بستگی دارد که افکار و نگرش او را در راستای تعالی و رشد اخلاقی او بکار گیرند.

گفتار اول: اثر برنامه ها بر مهارت های اساسی کودک:

رسانه ها بخشی غیرقابل تفکیک و همواره حاضر در زندگی روزمره ی جامعه اند. آنها در شکل دادن به شیوه ی زندگی، فرهنگ و جوامع ما نقش اساسی ایفا می کنند. رسانه ها علاوه بر آن که به مادر درک رخدادهای جهان کمک می کنند، عوامل مهمی در برخوردهای اجتماعی هم هستند. ما به مدد آنها از ارزش ها، باورها و هنجارهای جامعه خود آشنا می شویم و هویت خود را می شناسیم. اما فقط چگونه یاد گرفتن اهمیت ندارد، بلکه چگونه یاد گرفتن هم مهم است رسانه ها بر واکنش ما نسبت به دیگر نهادهای اجتماعی نیز تاثیر می گذارند تاثیر رسانه ها بر زندگی اجتماعی بسیار مهم است و امکان ندارد بتوان بدون درک نقش رسانه ها، به بحث در مورد روابط اجتماعی پرداخت. به این ترتیب، درک روابط متقابل میان رسانه ها و جامعه به عنصر مهمی در مطالعات رسانه ها بدل شده است.

بنابراین می توان سه نوع نظریه را در ارتباط با رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی مورد بحث قرار داد. دسته ی اول، نظریه های علمی ناظر به رسانه ها و اجتماع است. برخی از محققان بر این باورند که دشوار بتوان مطالعه ی رسانه های جمعی را از مطالعه ی جامعه جدا کرد.

تاثیر وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها بر میزان دانش، درک، آرا، رفتار مخاطبان از مباحث اصلی مطالعات رسانه ای بوده است.^۱

۱. کوین ویلیامز، مترجم: رحیم قاسمیان، درک تئوری رسانه، چاپ اول، نشر ساقی ۱۳۸۶

رسانه سرد، رسانه ای است که مشارکت زیادی را از ناحیه مخاطب طلب کرده و فهم پیام های آن احتیاج به قدرت تخیل مخاطب دارد، در صورتی که رسانه گرم آن است که مشارکت چندانی از مخاطب طلب نمی کند و بخاطر صراحت و وضوح، نیازی به تخیل ندارد. در رسانه های سرد، لازم است مخاطب با بهره گیری از قدرت تخیل خود، حلقه های مفقوده ای که در پیام ها وجود دارد را شناسایی کند و در واقع حجم زیادی از اطلاعات را بر اطلاعات ارائه شده از سوی رسانه، اضافه کند؛ تا فهم کامل پیام رسانه ای حاصل شود.

اما رسانه گرم، رسانه ای است، که تنها یکی از حواس پنج گانه مخاطب را در نهایت تکامل و قدرت آن را بکار می گیرد. تلویزیون، تلفن، کاریکاتور، سمینار، نوشته های ایدئوگرافیک، جلسات بحث و گفتگو، داستان های مصور، کلام انسان، جزء رسانه های سرد بشمار می آیند.

رادیو، کتاب، عکس، مطبوعات، ضبط صوت، سینما، جزء رسانه های گرم هستند.^۱ در فرهنگ شفاهی، رسانه های سرد و در فرهنگ کتبی و دیداری، رسانه های گرم را حاکم می داند: در خصوص رسانه های گرم و تاثیرات آنها، اختلاف اساسی از آنجا ناشی می شود که این نوع رسانه ها را در فرهنگی سرد یا فرهنگی گرم به کار گرفته باشند. بهره گیری از رسانه گرم رادیو در فرهنگی سرد یا بی سواد، عکس العمل های شدیدی را باعث می شود در صورتی که در جوامع سرد- که سطح سواد در آن پایین است- رادیو، سینما و اصولا رسانه های گرم کمتر جنبه تفریحی و تفننی دارند. به عبارت دیگر اثر دگرگون کننده این نوع رسانه ها خیلی شدیدتر از رسانه سرد تلویزیون در فرهنگی سواد آموخته است.

وسایل و رسانه های دیجیتالی جدید و تاثیر آن ها بر جغرافیا و تاثیر اندیشه درباره آنها که نوع جدید تاریخ فناوری را به وجود می آورد، همان گونه که نوعی استعاره های جدید و نظریه های پدیدار شناختی جدید در این باره به وجود آورد که چگونه فضا رادرک کنیم، زیرا ارتباطات فاصله دار در عین دور بودن، نوعی هنجار به شمار می رود.^۲

۱. قاسم، کرباسیان، پژوهشکده باقرالعلوم، تاریخ بازدید ۹۶/۹/۲۲ (پژوهه بزرگترین بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی)

۲. ابراهیم، فیاض، تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹، ص ۳۵۱ و ۳۵۲

نقش رسانه های جمعی بر هویت جوانان:

رسانه وسیله ای است که انتقال دهنده فرهنگ ها و افکار عده ای باشد و اکنون آنچه مصداق این تعریف است وسایلی همانند: روزنامه، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، صفحات نوری، ویدئو، و.. می باشد.

رسانه نقش حاصل اطلاعات و پیام های از پیش طراحی شده را ایفا می کند و واسطه ای است ما بین انتقال دهنده و گیرنده پیام، رسانه ها امیری فراگیر هستند که هم حرکت و پویایی و سرزندگی را تقویت می کنند و هم رخوت و تنبلی از یک سو احساس های عاطفی، محبت و صداقت را برمی انگیزند و از سوی دیگر احساس زشتی، دشمنی، بی اعتمادی، دروغ و خشونت را زنده می کنند. این کارکرد موجب پیدایش تضاد درونی- رفتاری در مقیاس فردی و اجتماعی می شود. حضور رسانه ها در منزل و مشغول ساختن اعضای خانواده به پیام های خویش که ارتباط مستقیم بین والدین و فرزندان را تا حد زیادی تحت الشعاع برنامه های رسانه ای قرار داده. یک چهارم یا بیشتر ساعات بیداری، کودکان یا نوجوانان در یک محیط معنایی بسر می برند که پدر و مادر نقشی در بوجود آوردن آن ندارند.

تلویزیون عامل مهمی در اجتماعی کردن و افزایش رشد شناختی کودکان است. یادگیری کودک از تلویزیون به سطح رشد کودک و ماهیت برنامه بستگی دارد، تاثیر آن بر همه افراد یکسان نیست.^۱

فن آوری تلویزیون طی تاریخ کوتاه خود به صورت قابل ملاحظه ای در حال تغییر و پیشرفت بوده است. محتوای برنامه ها غنی و پربار شده، بینندگان تلویزیون افزایش یافته اند. با این حال انتقادات زیادی از تاثیرات منفی تلویزیون به عمل می آید، با وجود این انتقادات تلویزیون به عنوان محبوب ترین رسانه باقی مانده است امروزه رسانه ها ارزش های اجتماعی را دیکته می کنند. فرد کم کم با یک ارزش اجتماعی و سیاسی رو به رو می شود که ریشه آن را نمی بیند، غافل از اینکه ریشه در تبلیغات منظم رسانه های جمعی وجود دارد. در عصر الکترونیک تلویزیون قصه گوی بچه ها است، ارزش های اجتماعی و شخصی کودکان را پایه گذاری می کند،

رسانه های ارتباطی را می توان نه تنها در جهت چالش و تضعیف ارزش ها و باور های سنتی، بلکه به منظور گسترش و تحکیم سنت ها نیز مورد استفاده قرار داد. اما اگر چه تحول

۱. روح الله، احمد زاده کرمانی، باز اندیشی در فرهنگ و رسانه، چاپ اول، نشر چاپار، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵ و ۱۶۲ و ۱۶۵

رسانه ها به زوال سنت منهی نشده، از جنبه های بنیادین خاصی آن را به دگرگونی کشانده است.

در استفاده از رسانه چند نکته را باید مورد توجه قرار داد.

۱- داشتن آگاهی کامل در خصوص استفاده از رسانه ها

۲- برخورد منتقدانه با محتوای رسانه ها

۳- تحلیل زمینه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و تبلیغی محیط رسانه ها

۴- رسانه ها، ارزش ها و دیدگاه ها را جایگزین می کنند

۵- برداشت افراد مختلف از یک پیام رسانه ای واحد، متفاوت است.^۱

یکی از دلایل پویایی فرهنگ اسلام، جامعیت آن است، نمونه ی آن انقلاب اسلامی ایران است که با رهبری امام خمینی (ره) ویژگی مردم سالاری دینی را به نمایش گذاشت و توانست عزت و اقتدار و استقلال ملی و فکری عظیمی را به وجود آورده و امتی منسجم و قوی در برابر تفکر بیگانه بسازد.

در دنیای امروز تلویزیون به عنوان یکی از ابزار سمعی و بصری به صورت مستقیم با روح و جان انسان در ارتباط است و در ساخت فکر و اندیشه انسان موثر است. تلویزیون معلمی است که با ساده ترین راه و روش در داخل خانه های مردم راه یافته و آنان را تغذیه فرهنگی و فکری و اخلاقی می کند.

تلویزیون تنها وسیله اطلاع رسانی نیست، بلکه یک ابزار آموزشی است «ژان کازینی» داشمند برجسته ی علوم ارتباطات درباره تاثیر تلویزیون می نویسد:

تاثیر تلویزیون بر مردم می تواند دو جنبه از جریانهای فکری را در بر گیرد.

از یک سو موضع گیریهای صرفا سیاسی، یعنی مثلا امتیازهای را در بر گیرد که احزاب و گروه ها - چه احزاب حاکم و چه گروههای مخالف- طالب آن هستند؛ و از سوی دیگر آنچه را تمام نظام اجتماعی، حتی تمدن و تمام ارزش های آن را.

بدون شک میان این دو وجه از تحول اجتماعی، تحت تاثیر جریانهای فکری قرار می گیرند و تلویزیون آنها را تقویت یا تضعیف می کند، رابطه وجود دارد.^۲

۱. مهدی، حبیبی، رسانه شناسی، ص ۲۷ و ۳۰ و ۱۳۹۲، ۳۳.

۲. محمد تقی، ناطقی، فرهنگ سازی در اسلام، چاپ دوم، نشر نسیم انتظار، زمستان ۱۳۸۵

بسیاری از مطالعات بر چهار دسته اساسی از کنشها تاکید کرده اند که می تواند از وظایف رسانه باشد:

الف) سرگرمی و تفریح ب) اطلاعات و دانش مربوط به جهان ج) برخورد اجتماعی د) هویت شخصی و تعریف خود

برخی پژوهش ها نشان داده که تلویزیون گسترده ترین و کم تخصصی رسانه هاست، که می تواند این نیازهای چهارگانه را ارضا کند. در مقابل کتاب به عنوان امری که در اصل به نیازهای هویت شخصی پاسخ می دهد، روزنامه به عنوان وسیله ارضای نیازهای اطلاعاتی، و سیما به عنوان وسیله ای از برای ارضای نیاز به سرگرمی عمل می کنند.

۱-۱- محتوای رسانه ها:

سرکشی و خشونت در رسانه ها:

نمایش خشونت در برنامه های تلویزیونی، یکی از مسائل عمومی و بسیار بحث انگیزی بوده است، در حالی که در برخی فصلها ۱۰۰ درصد برنامه های کودکان و کارتونها از صحنه های خشونت آمیز بهره می برند.

اثر رسانه ها:

فرهنگ پذیری و وضع برنامه عملیات: فرهنگ پذیری عبارت است از فرایند القاء و تقویت ارزشها باورها، سنتها و معیارهای رفتاری، و دیدن واقعیتهای که توسط اعضای یک فرهنگ خاص پذیرفته شده است. این همیشه یکی از عملکردهای رسانه ها از زمان نقادان، تا عصر کتابهای دست نویس قبل از اختراع چاپ تا عصر تلویزیون، بوده است. این اثرهای فرهنگ پذیری رسانه بویژه هنگامی عمده می شود که به میدان باورهای سیاسی خشونت، و نمایش نقش جنسی توجه کنیم.^۱

هیچ بحثی درباره یک روز از زندگی کودک کامل نخواهد بود، مگر این که نفوذ تلویزیون در ارزش ها و خلق خوی کودک را در آن بگنجانیم. کودکان دوست دارند تلویزیون تماشا کنند. آنها تماشا کردن تلویزیون را به کتابخوانی یا شرکت در یک گفتگو ترجیح می دهند.

۱ ترجمه، فرهاد، ماهر، روان شناسی اجتماعی و کاربردی، چاپ ششم، انتشارات آستان قدس رضوی مشهد، ۱۳۸۶، ص ۴۳۵ و ۴۳۸ و ۴۵۱

برای مسئولان برنامه های تلویزیونی، کودکان بهترین بینندگان و شنوندگان هستند. کودکان تلقین پذیرند و تبلیغات را باور می کنند. آنها به آسانی و به طور حیرت آوری اشعار مبتذلی را می آموزند و به جان والدین می افتند تا برای آنها کالاهایی را که تبلیغ کرده اند، بخرند. آنها انتظار کمی از برنامه های تلویزیونی دارند: نه خواستار خلاقیتی و نه بروز بینشی هنرمندانه اند. اسب ها و مردان مسلح توجه آنها را به خود جلب می کنند. بنابراین کودکان همه روزه با جنایت و خشونت مواجه اند که با تبلیغات پر زرق و برق توأم است.

والدین نسبت به تلویزیون احساسی دو گانه دارند. از این که تلویزیون کودکانشان را سرگرم می کند، و آنها را از شرارت کردن دور نگه می دارد خوشنودند. ولی در مورد آسیب احتمالی که به چشم و ذهن کودک می رسد، نگرانند. در ارتباط با آثاری که تلویزیون بر بینایی کودک دارد، متخصصان به ما اطمینان می دهند که حتی تماشای ممتد تلویزیون آسیبی به چشمان کودک نمی رساند. با همه ی این احوال، اطمینان کمتری نسبت به تاثیر تلویزیون بر شخصیت کودک وجود دارد. متخصصان آرای ضد و نقیضی ارائه می دهند:

تلویزیون برای کودکان بد است. میل به خشونت، زورگویی و تعدی را در کودکان پدید می آورد. آنان نسبت به درد و رنج بشر بی تفاوت می شوند.

تلویزیون برای کودکان خوب است. به نمایش گذاشتن خشونت به کودکان کمک خواهد کرد تا از تمایلات خصومت آمیز دست بکشند.

تلویزیون تاثیر کمی بر کودکان دارد. شکل گیری شخصیت و ارزش های کودک توسط والدین و همتایانش صورت می گیرد، و نه با تاثیر پذیری از تصاویر روی یک پرده.

با این وجود، واقعیتی هست که همه آن را قبول دارند. تلویزیون بخش مهمی از روز کودک را هدر می دهد. قسمت اعظم وقت کودک در برابر تلویزیون صرف می شود تا در کنار پدر و مادر حتی اگر برنامه های جنسی و خشونت آمیز از تلویزیون پخش نشود، باز هم این واقعیت به قوت خود باقی است که تلویزیون کودک را از فعالیت های سازنده تر باز می دارد. برخی خانواده ها فقط در تعطیلات آخر هفته به کودکان اجازه می دهند تلویزیون تماشا کنند.^۱

شواهد بسیار زیادی وجود دارد نشان می دهد، تماشای خشونت، موجب افزایش ترس و عصبانیت در تماشاچیان جوان می شود. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۸ در اهایو یک تحقیق از بیش از ۲۰۰۰ نفر از افراد کلاس دوم تا هشتم نشان داد که هر چه بر تعداد ساعات تماشای

۱. هایم گینات، مترجم: فروزان، گنجی زاده، والدین و تربیت فرزند، مترجم، چاپ سوم، نشر دات، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸ تا ۱۲۰

تلویزیون در شبانه روز افزوده شود، بروز علایم ناراحتی های روانی، از قبیل عصبانیت، افسردگی و تنش های بیش از حد نیز افزایش می یابد.

تحقیق مشابهی که در سال ۱۹۹۹ در سطح ۵۰۰ نفر از والدین بچه های کودکانی، انجام پذیرفت، نشان داد که میزان تماشای تلویزیون و داشتن تلویزیون در اتاق خواب، به طور چشم گیری با رواج اختلالات خواب در ارتباط است. ۹۰٪ از والدین مورد پژوهش، گزارش داده اند که تماشای تلویزیون توسط کودکانشان حداقل یک بار در طول هفته، موجب کابوس دیدن آنها می شود و بالاخره یک پژوهش ملی که در سال ۱۹۹۹ انجام شد، آشکار ساخت که ۶۲٪ والدین فرزندان ۱۷-۲ ساله گفته اند که فرزندان آن ها از چیزی که در یک برنامه ی تلویزیونی یا فیلم دیده اند ترسیده اند.

برنامه ای که متضمن ترس و هیجان زیادی بوده، گاهی به سبب پیروزی دشوار و غیرمنتظره کاربر، وی را غرق در شادمانی کرده و گاه به سبب شکست های متوالی وی را محزون و اندوهگین می سازد. شدت تحولات عاطفی پیش گفته، بعضا می توانند، موجبات اختلال خواب وی را فراهم آورده اند. عواطف پیش گفته، ممکن است، مانع خواب رفتن کاربر شده یا در جریان خواب وی، به صورت خواب های ناخوشایند که به سراغش می آیند یا فراتر از آن، به صورت کابوس هایی که می بیند، خواب وی را برهم زده، با اختلال مواجه سازند.

با ورود تلویزیون به بازار به سبب بهره گیری های چشمگیر که در اثر تلویزیون در فراگیری مهارت های دیداری کاربران پدید آمده بود.^۱

کلاپر می گوید که خود رسانه ها به تنهایی تاثیرگذار نیستند. بلکه عناصر واسطه مانند شیوه های تولید فیلم، جذابیت چهره و شیوایی کلامی مجریان یا شخصیت های موثر در فیلم از عوامل تاثیر گذار می باشد. این عناصر عملا تقویت کننده جهت دهی های محتوایی پیام بوده و کمتر ایجادکننده یا تغییردهنده نگرشها هستند. از عوامل جانبی دیگر برای اثر گذاری استفاده می کنند. رسانه ها جمعی بیشتر جنبه اقناعی داشته و تاثیر کمتری در تغییر مداوم نگرش ها داشته، مگر آن که مخاطب پیام آشنایی قبلی نسبت به محتوای پیام نداشته باشد.^۲

۱. مرتضی، منطقی، بازی های ویدیویی - چاپ دوم، انتشارات عابد، ۱۳۸۷، ص ۹۱ تا ۹۳

۲. بازانیشی در فرهنگ و رسانه، ص ۱۶۶

لباسهایی که حاصل فرهنگ بیگانگان است، برای فرهنگ و منش و اخلاق و عزت نفس انسان، بخصوص کودک و نوجوان، مضر است.

۱-۲- القای فرهنگ بیگانه:

القاء فرهنگ بیگانگان به کودک و نوجوان، به هر شکلی، و عنوانی که باشد، موجب احساس حقارت و پستی در فرزندان می شود و در نتیجه، خود را موجوداتی بی ریشه و بی ارزش خواهند پنداشت.

متأسفانه بیگانگان، در القاء فرهنگشان به ما، موفق بوده اند و برای این کار، از خود ما استفاده ها کرده اند! ما خودمان در مواردی زیادی، بلندگو و مبلغ فرهنگشان بوده ایم، آیا تاکنون به این موضوع اندیشیده ایم که چرا یک کیف مدرسه ای که نوشته و آرم و عکس خارجی بر آن نقش بسته باشد را نمی توانیم برای فرزندانمان در مغازه ها پیدا کنیم؟ همه بازار را بگردیم، چنین است. سرانجام مجبور می شویم برای اینکه فرزندانمان بی کیف نماند، یکی از همانها را بخریم! لباسها و کفشها نیز همین وضع را دارند. اکثر یا همه این ها در کشور و بازارهای خودمان و به دست کارگران و کاسبهای خودی تولید و توزیع می شود! خداوند در این باره می فرماید:

خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی کرد: به مومنان بگو: لباس دشمنان من را نپوشید و غذایشان را نخورید و راه و روش آنان، را نپویدید و مانند دشمنان من زندگی نکنید که اگر چنین کردید، شما هم مانند آنان دشمن من خواهید بود! ^۱

گفتار دوم: تاثیر فرهنگ غرب بر فرهنگ اسلامی:

امام خمینی (ره) فرهنگ هر جامعه را هویت و موجودیت آن جامعه می داند. در واقع «فرهنگ زیربنا و جزو اصلی تشکیل دهنده هر ملتی است»

اهمیت فرهنگ در زندگی سیاسی و اجتماعی جوامع را به حدی می داند که معتقد است، فرهنگ می تواند «ملتی را به تباهی یا اینکه به عظمت و قدرت برساند». استقلال و حیات سیاسی جوامع وابسته به فرهنگ بومی و مستقل است و بدون آن ممکن است ملت ها به راحتی توسط سایرین، تحت سلطه در آیند. اگر فرهنگ یک جامعه ضعیف و وابسته به فرهنگ جامعه ای دیگر باشد، روند سلطه آغاز می شود. با فقدان فرهنگی قوی و ریشه دار که

۱ علی اکبر، مظاهری، هشدارهای تربیتی، ص ۱۳۳ و ۱۳۴

سده‌ی محکم در برابر نفوذ و سلطه‌ی فکری، اقتصادی و جوامع دیگر باشد، «باوابستگی فرهنگی، وابستگی در ابعاد دیگر آغاز [و به وابستگی سیاسی و اقتصادی و نظامی منجر می‌شود] و در نهایت یک جامعه موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد و در جامعه‌ی دارای فرهنگ غنی تر مستهلک می‌گردد». با توجه به نقشی که فرهنگ در حفظ هویت و موجودیت جوامع دارد، امام (ره) حفظ استقلال فرهنگی را مهم و حیاتی می‌داند و لذا برای قطع وابستگی جوامع و اصلاح آنها، بر تحول فرهنگی و اصلاح فرهنگی تاکید می‌کند.

استعمارگران به قدرت اسلام در ایجاد وحدت و تشویق مسلمانان به مبارزه با برنامه‌های استعماری غرب پی برده‌اند و درصدد تضعیف و مخدوش کردن آن برآمده‌اند. از نظر امام یکی از مهمترین حربه‌های تبلیغاتی غرب علیه اسلام، معرفی اسلام به عنوان دینی ارتجاعی و عقب مانده است. آنان «این طور وانمود می‌کنند که اسلام به هزار سال قبل بر می‌گردد». غرب، اسلام و قرآن را برای منافع خود منحصر می‌داند، لذا در صدد از بین بردن آن است. قدرت‌های بزرگ که می‌دانند رمز اقتدار مسلمانان اتکای آنان به اسلام ناب است، سعی در تحریف آن دارند. آنها می‌خواهند ویژگی مبارزه و ظلم ستیزی از اسلام گرفته شود و اسلام سازشکار و محافظه کار، که امام از آن به عنوان اسلام آمریکایی یاد می‌کند، جایگزین آن شود و زمینه تسلط و استثمار غرب فراهم گردد.

با سلطه و نفوذ همه جانبه غرب، در جوامع اسلامی، هویت اصیل و دینی مسلمانان خدشه دار شده و آنان تحت سلطه‌ی فرهنگی غرب، روحیه‌ی خود باوری و هویت خود را از دست داده و در ابعاد مختلف به تمدن غرب وابسته شده‌اند. مسلمانان با سابقه‌ی داشتن فرهنگ غنی و منبعث از تعالیم الهی، شایسته‌ی چنین ضعف و عقب ماندگی نیستند. روند موجود باید تغییر کند و مجد و عظمت گذشته به مسلمانان باز گردد و فرهنگ تمدن اسلامی احیا شود.

۲-۱- تاکید بر توانایی اسلام و اراده‌ی جامعه:

دین اسلام، دینی جامع است که در هر زمان و مکان با هر سطح از پیشرفت سازگار است و «قادر است انسان را به کمال مطلوب خود برساند؛ اسلام در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی و .. برنامه دارد و از هیچ نکته‌ای هر چند کوچک که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دار فرو گذار ننموده است». دین اسلام تنها به رشد مادی جوامع اکتفا نکرده و برای ابعاد معنوی زندگی انسان نیز برنامه دارد

که این مسئله در مکاتب دیگر چندان مورد توجه قرار نمی گیرد. توجه تمدن اسلامی به نقش معنویت در زندگی اجتماعی یکی از مهمترین وجوه تمایز تمدن اسلامی از سایر تمدن های بشری است.^۱

اغلب رسانه ها توقع دارند که به ابقای سنن و فرهنگ ها یاری رسانند، دستاوردها و ارزش های گذشته را یادآور شوند و از این راه، هویت ملی و اعتقاد جمعی را فزونی بخشند. ولی جامعه برای رشد کردن، به نوآوری نیازمند است. پس ارائه اندیشه ها و ارزش ها نوین از وظایف رسانه ها است.

رسانه ها هم خود نوعی تجلی فرهنگی اند و هم صور فرهنگی دیگر را اشاعه می دهند. اغلب اوقات آن ها تنها وسیله ارتباط فرهنگی اند که در دسترس توده مردم قرار دارد. رسانه ها بر عقاید، رفتار و اخلاق افراد ابتدا تاثیر جزئی و سپس عمیق خواهند داشت. در صورتی که این تاثیرات جزئی همراه با شرایط و شاخص هایی باشد که بدون این شاخصه ها و شرایط میسر نمی شود.

رسانه ها باید به صورت تکراری بر روی یک مسئله خاص تمرکز نمایند. همه رسانه ها باید در این موضوع پیگیر بوده و تغییر های مشابهی از موضوع ارائه دهند. انواع رسانه ها در گستره متنوع به این موضوع پردازند و همچنین همدیگر را پشتیبانی نمایند.

ما همواره در جامعه شاهد پذیرش تفکراتی نو بوده و نوسازی جزء زندگی بشر است. این نو سازی شامل بکارگیری فن آوری جدید، عقاید جدید، مد های جدید و این رسانه ها هستند که به ما نشان می دهند که کدام یک از رفتارها، عقاید و فن آوری های جدید و نو بوده و کدام یک قدیمی شده اند؟

برخی از نوآوری ها هر چند که مفید و منطقی هستند بزودی و سریعاً از طرف جامعه مورد قبول واقع نمی شود، مانند استفاده از کمربند ایمنی که در ابتدا مورد قبول واقع نشد تا اینکه دولت شروع به تبلیغات در رسانه ها کرد و فرهنگ سازی را از طریق رسانه ها آغاز نمود.

۱. میثم، طاهری بنچناری، فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۹۳ و ۱۹۴

نمایش های که معمولاً در رسانه ها جمعی به نمایش گذاشته می شوند، جنبه های مختلفی از رفتار انسان را به نمایش گذاشته و ابعاد رفتاری گوناگونی را به مردم معرفی می کند. این ابعاد رفتاری می تواند از طرف توده مردم مورد تقلید قرار بگیرد.^۱

در دهه گذشته نهاد ها و دستگاههای فرهنگی، تبلیغی و دینی در برابر فرایند ها و تغییرات اجتماعی وضعیتی انفعالی به خود گرفته اند و این در حالی است که عرصه فرهنگ عامه در معرض آمد و رفت جریانات فرهنگی و رسانه ای جهانی است. از این رو امروز وقتی نظام سیاسی کشور از دستگاههای تبلیغی و فرهنگی که توان درونی ساختن فلسفه ارزشی خود را داشته باشند، محروم بوده و نتواند بین آرمان ها و مطلوب هایی که در ذهن دارند با نیازها و اقتضائات فرهنگی و ذائقه های اجتماعی و عمومی مردم ارتباط برقرار کنند، بازار محصولات سایر فرهنگ ها داغ می شود. لذا به نظر می رسد علیرغم افزایش تولیدات و محصولات فرهنگی و رشد کمی و کیفی برنامه های دینی و مذهبی؛ حوزه فرهنگ عمومی خالی از یک جریان اثر گذار و جهت دهنده دینی و فرهنگی غالب در داخل است. با وجود اینکه نهاد ها و متولیان دینی جامعه، سطح برنامه های خود را در سراسر کشور گسترش بخشیده اند. اما می بینیم که در عرصه فرهنگ دینی جامعه سطح تاثیر پذیری مردم از فرهنگ و تبلیغات رسانه ای همسو با نظام فرهنگی و غرب قابل انکار نیست و متولیان نظام نگران ضربه پذیری مردم به ویژه جوانان از ناحیه فرهنگ های مهاجم می باشد.^۲

پس افتادگی زمانی رخ می دهد که در اثر تحولات سریع و شتاب آلود اختراع، نوآوری، رشد جمعیت یا پیدایی هر چیز متفاوت، سازش و تطابق دشوار می شود و در نتیجه هماهنگی و سازش میان جنبه های مختلف یک فرهنگ از بین می رود که این خود می تواند شرایط بروز بحران در فرهنگ را فراهم آورد و موجب گسیختگی فرهنگی گردد.

بسیاری از اندیشمندان مفهوم توسعه فرهنگی را معادل تغییر در مولفه های فرهنگ می دانند و بر این باورند که تلاش های مربوط به توسعه فرهنگی کمک به ایجاد تغییرات فرهنگی است. اغلب بین شیوه های رفتاری که غربیان طبیعی می پندارند با آنچه مردم جامعه های دیگر انجام می دهند، تفاوت آشکاری وجود دارد و در برخی موارد این تفاوت ها درست در نقطه مقابل هم است.

۱ مهدی، حبیبی، رسانه شناسی، دانشگاه جامع علمی - کاربردی (بیرجند) ۱۳۹۲، ص ۱۲ و ۱۵

۲ محمد جواد، ابوالقاسمی، به سوی توسعه فرهنگ دینی در جامعه ایران، چاپ دوم، انتشارات عرش پژوه، ۱۳۸۵، ص ۴۲

هنگامی که فردی در یک منطقه فرهنگی بیگانه و در بیان مردمی قرار می گیرد که در باورهای بنیادی آنها سهیم نیست، دچار ضربه فرهنگی می شود.^۱

۲-۲- سلطه فرهنگی:

در میان شیوه های استعماری و سلطه گری، آنچه از همه خطرناک تر و در عین حال مخفی تر می باشد، سلطه فرهنگی است. خطری که در این زمینه جبهه اسلامی را تهدید می کند، به خاطر گستردگی جبهه تهاجم، پیچیدگی آن و صدماتی است که از نظر معنوی به روح او وارد می کند و افکار و عقاید و ارزش ها را در درون وی به نابودی می کشد و حیات معنوی اش را مختل می سازد. امروز دشمنان اسلام و بشریت برای انجام مقصود خویش، با استفاده از همه ابزار ها و شیوه ها و با به کارگیری برترین تکنولوژیها و جدیدترین روشهای علمی، به جبهه ای به وسعت قلبها معتقد و سالم و دین باور در سراسر جهان اسلام مورد هجوم ناجوانمردانه خویش قرار داده اند. دیگر مساله آمدن بیگانه به داخل یک خاک مطرح نیست بلکه سخن از بیگانه شدن از خویش و از درون پوسیدن است.

ما از حصر اقتصادی نمی ترسیم. ما از دخالت نظامی نمی ترسیم، آن چیزی که ما را می ترساند وابستگی فرهنگی است. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است. بی جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در راس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است.

۲-۳- باز سازی فرهنگی:

هرچند جامعه ما در تمامی زمینه ها کمبود و نارسائی دارد، در زمینه اقتصادی، فرهنگی، نظامی، صنعتی، اداری و غیره در تمام آنها احتیاج به بازسازی فرهنگی است. هر کس در هر نهادی به اندازه توانش باید به این بازسازی کمک کند. کمبود و بازسازی فرهنگی مسئله ای است که تنها در انقلاب ما نقش مهمی را ایفا می کند، در حرکت انبیاء در طول تاریخ بشر بیش از هر چیز صبغه فرهنگی و الهی داشته است، سرو کارش با عقل و دل و فکر و اندیشه

۱ جواد، ابوالقاسمی، سید مهدی، سجادی، چالشهای توسعه فرهنگی دینی، چاپ اول، انتشارات عرش پژوه، ۱۳۸۴، ص ۲۷ و ۴۳

مردم بوده است، و سایر مسائل اقتصادی، روابط اجتماعی و غیر ذلک نقش ابزار یا مقدمه را داشته اند.^۱

جنگ رسانه ای یکی از برجسته ترین جنبه هایی است که هنگام تحمیل جنگ نرم علیه یک کشور هدف از سوی دشمنان و رقبای آن مورد استفاده قرار می گیرد. در این تهاجم به شیوه هوشمند از توان و ظرفیت رسانه ها اعم از مطبوعات، خبر گذاری ها، رادیو تلویزیون، انتشار مکتوب و ماهواره به منظور تهاجم علیه کشور هدف استفاده می شود و تلاش می گردد ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و همچنین پیوستگی های ملی و وفادار به نظام سیاسی کشور هدف مورد حمله قرار گرفته، سست و متزلزل شده و در نهایت فرو ریزند.

جنگ رسانه ای غرب علیه جهان اسلام و کشورهای جهان سوم، دو نمونه بارز از موضوعی هستند که می توانیم آن را به جنگ جهانی رسانه ای تعبیر کنیم. آنان از تکنیک هایی چون بر چسب زدن، توسل به ترس، کلی گویی، تکرار دروغ و طرح دیدگاه ها به واقعیت استفاده می کنند.

۲-۴-آرمان جهان گرای غرب:

واکنش غرب به اسلام گرایی در شکل تاریخی آن، در دوران هجوم استعمارگران غربی به جهان اسلام ریشه دارد. اروپا در این دوره، با هدف کسب سلطه بر سراسر جهان و جست و جوی مواد خام و بازار مصرف، تهاجم استعماری آن را و از جمله جهان اسلام آغاز نمود و بعد ها آمریکا نیز به این جرگه پیوست. غرب هم زمان با این هجوم و سلطه، تلاش کرد فرهنگ و تمدن خود را نیز به مناطق دور دست صادر کند تا از این طرق محملی برای آسانتر شدن و پذیرش سلطه همه جانب خود فراهم کند. تعامل و تقابل میان اسلام و غرب در گذشته، رابطه و تاثیر گذاری تمدن ها بر یکدیگر معلول فتوحات نظامی بود اما در شرایط جدید، تاثیر تمدنی و فرهنگی دست کم جایگاهی برابر با نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی برای سلطه بر دیگران پیدا کرده است و حتی گاه بیش از آن و به عنوان زمینه ساز نفوذ اقتصادی و سیاسی عمل می کند. امروزه به دلیل توسعه فن آوری اطلاعات و ارتباطات، این رویارویی عمدتاً دارای ماهیت فرهنگی - تمدنی است.^۲

۱ محمد تقی، مصباح یزدی، تهاجم فرهنگ، چاپ ششم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره) ۱۳۸۰، ص ۴۲ و ۴۳ و ۶۴ و ۶۵

۲ عباس علی، رهبر، غرب و تجدد حیات اسلام، چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۱۴۹

کشورهای مسلط برای بهره‌کشی هر چه بیشتر ملت‌ها و بهره‌بردن از توانایی‌های علمی و تخصصی و استعداد دیگر ملت‌ها به نفع خود تلاش می‌کنند با انواع روش‌ها و وسایل ارتباطی که وارد کشورهای جهان سوم می‌کنند نیروی مستعد و پرتوان کشورهای دیگر را با ایجاد جاذبه‌های کاذب جذب می‌کنند.

از بین رفتن تکثر و تنوع فرهنگی و رشد تک فرهنگی، با ورود جریان‌های رسانه‌های مسلط، فرهنگ خاصی را در زمینه‌های گوناگون به مردم سراسر جهان تلقین و دیکته می‌کنند و فرهنگ‌های محلی و بومی که متنوع و متکثرند از بین می‌روند.

استعمار به شیوه جدید آن با سلطه رسانه و تبلیغ نوع خاصی از ارزش‌ها و فرهنگ مصرفی، و همچنین فرایند غربی‌سازی یعنی تلاش کشورهای پیشرفت غربی برای همه‌گیر کردن فرهنگ و ارزش‌های غربی با ابزارهای توانمند رسانه‌ای که موجب اقتدار ناخواسته و تحمیل فرهنگ غرب در این جوامع می‌گردد.

خطر کردن و لذت بردن از آن در بسیاری از جوامع ریسک‌پذیر مشاهده می‌شود. رشد سریع فن‌آوری و ارتباطات و تاثیر آنها در عرصه‌های مختلف براحتمی افراد را از حالت نیستی به حالت ریسک‌پذیر درآورده است.^۱

۲-۵- جنگ تلویزیونی با جهان اسلام:

راه اندازی تلویزیون برای کشور های اسلامی یا جوامع و اقلیت های مسلمان در کشور های غربی، به طور جدی از سوی غرب دنبال می‌شود. این رویکرد را می‌توان به نوعی از جمله پیامدها و تاثیرات حوادث یازده سپتامبر تلقی کرد. چنین ارزیابی می‌شود که اولاً شناخت غرب از جوامع اسلامی بسیار ضعیف است، ثانياً میزان تاثیر گذاری غرب بر افکار عمومی مسلمانان بسیار اندک است که این مهمترین انگیزه برای سرمایه‌گذاری در زمینه تاسیس و راه اندازی رسانه‌های ویژه از جمله رادیو و تلویزیون است. تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، پیامدهای گوناگون با خود به همراه دارند که به نظر می‌رسد مهمترین آنها در حوزه فرهنگی تجلی می‌یابد.

فرهنگ مانند کالا از طرف بسیاری از تولید کنندگان قوی‌تر و با نفوذ تر، تولید و در اختیار بسیاری از مصرف کنندگان منفعل قرار می‌گیرد.^۲

۱. بازاندیشی در فرهنگ و رسانه، ص ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۷

۲. داوود، رجی‌نیا، جنگ نرم، ص ۱۲۰ و ۱۴۷ و ۱۵۲

جنگ رسانه ای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران:

بنیادی ترین تعریف از جنگ رسانه ای استفاده از رسانه ها برای تضعیف کشور هدف و بهره گیری از توان و ظرفیت رسانه ها به منظور دفاع از منابع ملی است. اگر چه رسانه یکی از برجسته ترین جنبه های جنگ نرم و جنگ های جدید بین المللی است. اگر چه رسانه عمدتاً به هنگام جنگ های نظامی کاربرد بیشتری پیدا می کند، اما این به آن مفهوم نیست که در سایر موارد جنگ رسانه ای در جریان نبوده و یا مورد استفاده قرار نمی گیرد.

جنگ رسانه ای بر خلاف جنگ نظامی که عمدتاً میان دو یا چند کشور به عنوان انقلاب با یک کشور جریان می یابد، می تواند میان یک گروه از کشورها با گروه بزرگ دیگری از کشورها با ویژگی های مشخص جریان یابد. جنگ رسانه ای غرب علیه جهان اسلام و جنگ رسانه ای غرب علیه کشورهای جهان سوم، دو نمونه بارز از موضوعی هستند که می توانیم آن را به جنگ جهانی رسانه ای تعبیر کنیم.

اگر چه توجه مطبوعات آمریکایی به مسائل ایران بسیار اندک بوده و به ندرت روی دادهای جاری ایران در این رسانه ها بازتاب می یابد، اما یک خط مشی کلان و محوری بر این رسانه ها حاکم است که براساس آن تنها اخبار منفی از ایران بر روی صفحات این نشریات نقش می بندد و عمده گزارش های خبرنگاران مطبوعات غربی از ایران، یا مربوط به بحران های سیاسی، اجتماعات، ضد و خورده ها و تضاد حاکمیت با مردم و یا مربوط به موضوع های کلیشه ای و تکراری مانند نقض حقوق بشر، تلاش برای دستیابی به صلاح های هسته ای و کشتار جمعی و نقش آزادی های سیاسی و مدنی است.^۱

فرهنگ غربی در طول پنجاه سال گذشته به عکس هر چه ما کم روی این مسئله کار فکری کردیم و کار تبلیغاتی، رژیم گذشته بر روی فرهنگ قدیم در این زمینه یک حرکت و تلاش مستمر وسیع همه جانبه ای را انجام می داد. از کار فرهنگی و تبلیغاتی و فکری شروع می شد تا اعمال زور و قدرت نمایی جهت طرد نظریه اسلام در باب روابط زن و مرد که نمونه آن حجاب است، کار کردند.

۱. حجت اله، مرادی، قدرت و جنگ نرم، چاپ اول، نشر ساقی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱ و ۲۶۲

۲-۶- ترویج ظواهر و مدهای غربی:

آنچه امروز خانم‌ها باید در تبلیغاتشان روی آن بیشتر تکیه کنند، همین دور نگه داشتن دختران جوان و زنان ما از ظواهر فریبنده و اغواگر و مبتلا کننده فرهنگ غربی است که فرهنگ بسیار مضری برای جامعه و به خصوص برای خود زنان است. همین مسئله آرایش‌ها، مدها، لباس‌های گوناگون، جلوه‌گری‌ها، و اختلاط‌های مختلف، چیز اغواگر و مضرند.

بنده با مد موافقم. جزو آدم‌های هستم که به مد گرایش دارم، اما مدی که از داخل جوشیده باشد - چون مد یعنی ابتکار و نوآوری - نه چیزی که از بیرون بیاید. مد آرایش مو و لباس و حرف زدن ما همه‌اش از بیرن می‌آید.

تقلید فرهنگی خط بزرگی است. لباس و رفتار و آرایش تغییر پیدا می‌کند، مانعی هم ندارد، اما مواظب باشید قبله‌نمای این مد گرایی به سمت اروپا نباشد؛ این بد است.

گاهی در فیلم‌ها نقش‌های اسطردادی یا حاشیه‌ای تاثیرات خیلی زیادی می‌بخشد و مثلاً در یک مجموعه تلویزیونی، یک زن دارای شخصیت جذاب و مثبت، حجاب خود را رعایت می‌کند و مراقب حجاب خود است. این نقش فرعی و حاشیه‌ای هست؛ اما خیلی تاثیر می‌گذارد.^۱

قدرت‌های غربی در این تهاجم موثر، از پیشرفت علم و تکنولوژی و از برخی از خصال ملی و بومی خود بهره‌برده‌اند. ما دشمن را ملامت نمی‌کنیم. کسانی سزاوار ملامتند که با کوتاه بینی و راحت طلبی و خودخواهی، زمینه پیروزی دشمن و زوال خویش را فراهم ساختند. غرب در تهاجم همه‌جانبه خود، ایمان و خصال اسلامی ما را نیز هدف قرارداد و در سایه متاع دانش خود که همه بدان احساس نیاز می‌کردند، فرهنگ اباحیگری و بی‌مبالاتی در دین و اخلاق را - که خود دچار آن است - مصرانه به جوامع ما صادر کرد. بی‌شک این لجنزار اخلاقی، روزی که چندان دور نیست، تمدن کنونی غرب را در خود فرو خواهد برد و محو خواهد کرد.

اگر در مدیریت و برنامه‌سازی رسانه‌های، دین، اخلاق و فضیلت حاکم باشد، یقیناً رسانه‌ها وضع بهتری خواهند داشت و وضع بشریت از آن چه که امروز هست، بهتر خواهد شد.

۱. مجتبی، جاویدی، امنیت اخلاقی از دیدگاه رهبری، چاپ اول، ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۲۶ و ۱۱۲ و ۱۲۰

همه مردم کشور و مخصوصاً قشرهای با فرهنگ و برخوردار از سواد و علم و معرفت بدانند که استقلال یک ملت جز با انتقال فرهنگی تامین نمی شود. اگر یک ملت، از لحاظ سیاسی تحت تاثیر قدرت های بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی هم به خودکفایی کامل برسد، اما فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان ملت رواج داشته باشد رشد بکند این ملت نمی تواند ادعای استقلال کند.

۲-۷- جنبه های معنوی فرهنگ:

از وقتی که ترشحات و نشانه ها و طلیعه های فرهنگ غرب، به صورت قصه و نقشه نه به صورت طبیعی و آن چه که لازمه زندگی عمومی بشر باشد به کشور ما سرازیر شد از اواخر سلطنت ناصر الدین شاه مبارزه با دین و تلاش برای منزوی کردن دین هم شروع شد. البته عده ای، این ها را از زمان رضا خان می دانند و مربوط به سلاطین قاجار نمی دانند. اما این، سعی در استخدام نیروهایی برای مقاصد خبیث که شروع شود، جامعه، جامعه ای خواهد شد که از لحاظ وسایل و ابزار زندگی که ما به آن می گوئیم: دنیا؛ یعنی همان که در علوم دانشگاهی نامیده می شود پیشرفت می کند. اما آن جامعه، یک جهتش ناقص است و آن، جنبه معنوی است.^۱ و ارزش های سنتی نهفته در میراث عملکرد گذشتگان است.

حرکت شتابان نخبگان و برنامه ریزان حوزه فرهنگی و دینی به سمت تاسیس و ایجاد مراکز متعدد فرهنگی و دینی و در نتیجه حرکت به سمت انجام فعالیت های موازی چالشی در عرصه توسعه فرهنگ دینی است. این حرکت متأثر از شعار کثرت گرایی نهادی - ساختاری و لزوم گسترش مشارکت مردم در عرصه فعالیت های فرهنگی است. که مشارکت مردم در فعالیت های فرهنگی امری پسندیده و مورد قبول شناخته می شود؛ اما آنچه که با این شعار انجام گرفته است نه مشارکت و جلب حضور بیشتر مردم، بلکه سازمان سازهای مکرر و موازی و حتی اثر خنثی کنندگی بوده است، به گونه ای که امروزه در جمهوری اسلامی به غیر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، صدا و سیما، کانون های مساجد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسماً متولی رشد و توسعه فرهنگی جامعه اند، ده ها سازمان دیگر نیز با بودجه های کلان دولتی مشغول فعالیت های فرهنگی اند که تاکنون تاثیر چندانی بر بهبود مولفه های فرهنگ اسلامی و دینی سازی

۱. محمد، توکلی، گلبرگ امین- فرهنگ اسلامی مجموعه بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات نگین

سبز، ۱۳۸۸، ص ۲۱ و ۲۹ و ۳۴

فرهنگ نداشته اند به عبارت دیگر، مردمی سازی فعالیت های مربوط به فرهنگ دینی جای خود را به سازمان سازی فرهنگی داده است.

فقدان مدیریت کارآمد فرهنگی و نبود مکانیسم های واقعی تحقق یک مدیریت فرهنگی کارآمد است. چنان که در پیش متذکر شده ایم، به رغم وجود منابع مادی و مالی و نیروی انسانی فراوان در جامعه، هم چنان شاهد نابسامانی در عرصه فعالیت های فرهنگی جامعه هستیم که نمونه های آن را در موازی کارهای سازمانی و نهادی و همچنین عدم استفاده بهینه از فرصت های موجود دانسته ایم.

از جمله بسترهای داخلی چالش برانگیز برای توسعه فرهنگ دینی، ایجاد ذائقه های کاذب در بین مردم و ایجاد انحراف در مسیر واقعی رشد و تکامل جامعه است به گونه ای که آثار سوء آن را می توان در بین رفتار ها و افکار جامعه و نخبگان شاهد بود. منظور از ذائقه کاذب مسائل و موضوعی است که نه تنها در اولویت نیازهای واقعی مردم قرار ندارد، بلکه مانع ارضای نیازهای اساسی آن هاست.^۱

انگیزه تهاجم فرهنگی، نخست ایجاد خود باختگی و روح بی تفاوتی در جامعه نسبت به ارزش های اصیل خودی و تخریب هویت مذهبی و ملی آن جامعه می باشد و سپس ایجاد جامعه ای تازه که منکرات و باورهای جهان غرب را بپذیرد و عقاید و ارزش های دینی و فکری خود را دور بریزد و از نظر فرهنگ مصرف در الگوی مصرفی غرب غرق شود. در این صورت است که با نابودی فرهنگ یک کشور زمینه برای رشد سیطره سیاسی و اقتصادی و گسترش سلطه همه جانبه استکبار جهانی هموار خواهد شد.

دفاع از کیان و فرهنگ اصیل اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن، امری ضروری و وظیفه ای حتمی است؛ اما مقابله در هر مورد متناسب با همان مورد است؛ برای دفاع از حریم فرهنگ دین و طرد فرهنگ بیگانه نیاز به دو آگاهی است: نخست باید به فرهنگ خودی آگاهی کامل داشت تا در مقام دفاع از آن درست دفاع کرد. در مرحله دوم باید به ابعاد فرهنگ مهاجر و فلسفه آن آشنا بود؛ زیرا بدون آگاهی از اصول حاکم بر آن و پیامدهای آن و شگردهای تبلیغاتی آن، مقابله با آن جز شکست در میدان مبارزه ثمر دیگری نخواهد داشت.

هر فرهنگی دارای اصولی است از جمله اصول مربوط به دین مقدس اسلام عبارتند از: اصل اعتقاد به خدا و حاکمیت مطلق او، اصل نبوت و رسالت و اصل امامت و رهبری، اصل

۱. چالش توسعه فرهنگ دینی، ص ۱۱۹ تا ۱۳۰

معاد و عالم آخرت، اصل اجتهاد، اصل اصالت وحی، اصل حاکمیت قانون الهی اصل عبودیت و اصل اصالت اخلاق الهی و ارزش های ثابت، و... و اصولی که در فرهنگ غرب حاکم است عبارتند از: اصل اومانیسم (انسان گرایی) اساس فرهنگ غرب ۲- راسیونالیسم (اصالت عقل) ۳- لیبرالیسم (آزادی خواهی مطلق) ۴- سکولاریسم (جدای دین از سیاست) ۵- دموکراسی (حکومت مردم بر مردم) ۶- سیتانتیسم (اصالت علم) ۷- ناسیونالیسم (ملت گرایی)^۱

گفتار سوم: تاثیر پذیری کودک از شیوه عملی غلط فرب در رسانه ها در بعد اجتماعی:

امروز تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسانها متأثر از رسانه ها است و رسانه ها در خصوصی ترین رفتار انسانها تا بزرگترین تغییرات نهادهای اجتماعی و ساختارهای فرهنگی و سیاسی رسوخ کرده است. رسانه های جمعی هم موجب بروز آسیب و چالشها و تغییرات اساسی بر افراد و جوامع شده اند و هم شناخت آسیب های مختلف اجتماعی و فردی و گزارش آن به کنشگران اجتماعی نسبت به گسترش نابهنجاری های اجتماعی هشدار میدهند و بدین ترتیب کنش گران را از کجروی باز داشته و هنجارها و ارزش های جامعه را به آنان می نمایاند و سایل ارتباط جمعی می توانند با استفاده از شگرد های تبلیغاتی و آفرینش های هنری نفرت و زشتی تزلزل باورها و ارزش های ملی، دینی و انسانی را به مخاطبان خود القاء کنند، همانطور که می توانند موجب تزلزل باورها و ارزش های ملی، دینی و انسانی گردند. تاثیر وسائل ارتباط جمعی تا بدان حد است برخی بر این باورند که امر جهان، امروزه در دست صاحبان این ابزارهاست.

در جوامع جدید که آرمان ها و مسلک ها به نحوه شگرفی رشد یافته است و با سیطره ی ماشین و تکنولوژی انسان ها احساس تعلق اجتماعی افراد بشر می شود و سایل ارتباط جمعی در حقیقت نوعی آموزش زیستن در کنار یکدیگر خواهند شد. این وسایل ایجاد حس مشترک و نیاز های مشترک نوعی همبستگی را در جامعه ایجاد می کند و در مواقع بحرانی نظیر جنگ و بلایای طبیعی همین رسانه ها هستند که موجب بسیج گروهی و طبقات انسانی جهت کمک به هم نوعان خویش می گردند.

۱. حبیب اله، طاهری، بررسی مبانی فرهنگ غرب و پی آمدهای آن، چاپ اول، قم، ناشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳، ص ۲۱ و ۲۹ و ۳۰ و ۵۱

سر گرمی از جمله کار کرد های تلویزیون می باشد که می تواند در تربیت اجتماعی کودکان موثر باشد. گر چه در دین مبین اسلام، سرگرمی های جهت دار، مورد تایید قرار گرفته و ایجاد سرور در قلب مومنین محسوب شده، ولی متدینان و مبلغان دینی نتوانسته اند حدود و مرزی برای سرگرمی های دینی و غیر دینی مشخص کنند و اغلب سر گرمی های مخرب دین و دیانت بوده است، هم چنین متدینین افرادی جدی تصور شده و شوخی و مزاح به اقشار کم منزلت جامعه تلقی می شود و از آن جا که تلقی درستی از سرگرمی دینی چندان ارائه نشده و نیز از نظر محتوایی و گاه ابتذال گرائیده است که جا دارد کارشناسان دینی تلاشی در این زمینه بنمایند و با الگو برداری از روش های تبلیغاتی غربیان در اغنای دینی خانواده ها فرزندان شان کوشش کنند.^۱

اصولا کارکرد اساسی و وظیفه اصلی استعمار فکری این است که افراد و ملت های زیر سلطه شخصیت اصلی خویش را از دست داده و به صورت جزئی از کشور استعمارگر در آیند، آن هم جزئی که اصول تفکر و فرهنگ اصیل استعمارگر را به صورت بهترین ارمغان و یا حتی به شکل وحی منزل آسمانی پذیرا شده و آن را معلم مطلق، فرهنگ، دانش، اخلاق و همه چیز خود بداند. کوتاه سخن اینکه به برتری بی چون و چرای فرهنگ و دانش و آداب و رسوم آن اعتراف نماید

بر همین اساس است که استعمار با ارائه الگو هایی برای افراد جوامع، در جهت وابستگی فرهنگی آنان می کوشد و فرهنگ خود را به گونه ای القا می کند که ملل استعمار شده فرهنگ اصیل خویش را رها کرده و مجذوب فرهنگ او شوند.

قهرمان و شخصیت های واقعی هر ملت، از عوامل پویایی و بالندگی آن ملت محسوب می شوند. آنان چون قتل رفیع در بین جامعه درخشیده و نسل های جدید را به تلاش و کوشش و مجاهدت فرا می خوانند. دشمنان با گستردن دام های گوناگون سعی در تطمیع و تخریب آنان داشته و در صورت عدم موفقیت، با نشر شایعات و اکاذیب به ترور شخصیت افراد موثر می پردازند با معرفی شخصیت های بی بندوبار و دروغین افسانه های خود به کودکان، فرهنگ غنی اسلام و الگو های شایسته دینی را به دست فراموشی می سپارند.

۱ آمنه، کریمی، تاثیر رسانه در تربیت اجتماعی کودک، کتابخانه دیجیتال اهل بیت علیهم السلام، موسسه نشر معارف اهل بیت علیهم

السلام، زمان بازدید ۹۴/۴/۱۱

این را هم بارها عرض کرده ایم که، فرهنگ ها تبادل دارند. وقتی که بحث تهاجم فرهنگی را مطرح و بر آن پافشاری می کنیم، به آن معناست که یک فرهنگ نباید چیزی را از خارج خود، به خود بیفزاید. متأسفانه در ایران اواخر قاجار، که به فرهنگ غرب توجه شد، و به ویژه در دوران منحوس پهلوی، که این توجه شدت گرفت، آنچه که واقعا تبادل، تلقی، تعالی و تکامل فرهنگی بود، در ارتباط با غرب، انجام نگرفت، بلکه نوعی تحمیل فرهنگی رخ داد.

گاهی انسان هوشمند و عاقل، به اختیار خود، چیزی را گزینش می کند و می پذیرد؛ و گاهی به عکس، به یک انسان مست و غافل و بیهوش، به زور پیری را تزریق و تحمیل می کنند. مسلماً این دو، یکسان نیستند. در کشور ما، تحمیل فرهنگی کردند. یعنی آمدند بدون اینکه گزینش صحیح در کار باشد، چیزی را در کالبد فرهنگ و ذهنیات این مردم، تزریق کردند.^۱

رسانه ها به عنوان یکی از نهاد های اجتماعی کارکرد انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی و ارزش های جوامع را برعهده دارند. در عصر کنونی با توجه به نقش بارز آنها در جامعه و اطلاع رسانی پیرامون موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و.. سعی می کنند الگوهای نوینی را به جوامع وارد کنند تا جایگزین فرهنگ ها و ارزش ها و الگوهای شوند. در این رهگذر رسانه ها به عنوان عاملان تغییر و تحول در ارزش ها و هنجارها مطرح هستند، به طوری که سنت ها را به مبارزه می طلبند و به صورت یک عامل موثر در دگرگونی نگرش ها و رفتارهای نسل جدید عمل می کنند همین امر می تواند منجر به شکاف نسلی و عدم انتقال تجربیات نسل گذشته به نسل فعلی شود. نسل فعلی، هر آنچه را که از رسانه می خواند، می شنود، و می بیند، ملاک نگرش، عمل و رفتار خود قرار می دهد. در دوران کنونی نقش نهاد های اجتماعی همانند خانواده، مدرسه و همسالان در اجتماعی کردن نسل ها تضعیف و در مقابل روز به روز بر اهمیت و نقش رسانه ها افزود می شود.

رسانه ها بخش جدایی ناپذیر از زندگی مردم شده اند. مردم در طول شبانه روز از محتوای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آموزش و سرگرمی رسانه ها استفاده می کنند. نسل کنونی از ابتدای حیاتش با رسانه بزرگ می شود و بخش عظیم فرهنگ، ارزش ها و هنجار های جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه ها دریافت می کند. بخش عظیمی از جامعه پذیری

۱. مجتبی، احمدی، ابوذر، زارع درخشان، حسین، همزادهای پنهان، از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم، چاپ اول، انتشارات کیهان، ۱۳۸۹، ص ۲۵

نسل ها از طریق رسانه ها انجام می شود. رسانه ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می کنند و اگر چگونه فکر کردن را به ما یاد ندهند، اینکه به چه چیزی فکر کنیم را به ما می آموزد.^۱

۳-۱- رسانه ها، تغییر ارزش ها سنتی و شکاف نسلی:

رسانه ها در دگرگونی ارزش ها و نهایت ایجاد و توسعه الگو های نوین در جامعه و به چالش کشاندن ارزش های سنتی و پدیده شکاف هنجاری و ارزشی نسلی اشاره می شود. وسایل ارتباط جمعی و پدیده های چون هدایت از راه دور، بت واره پرستی، شیء سروری و بحران هویت از ویژگی های آن است. با استفاده از قدرت وسایل ارتباط جمعی، توده ها را تحت تاثیر قرار می دهند و الگو های خاص فکری و اجتماعی خود را القا می کنند.

وسایل ارتباطی، وقایع و دگرگونی های اجتماعی ای فراهم می سازد که دامنه آن اخبار و عقاید هوی و هوس ها و مد ها را در بر می گیرد. این وسایل معرفی کننده الگو ها، نقش ها، دیدگاه ها و چگونگی روی آوری به سبک های زندگی هستند که ممکن است مردم به طریق دیگر هرگز به آنها دسترسی پیدا نکنند.

کارکرد های رسانه های جمعی به ویژه رسانه های شنیداری و غیر متعامل به دلیل کارکرد متنوع خود و ایجاد تغییرات پیوسته، به تدریج جای ارتباط بین فردی از نوع چهره به چهره را گرفته و موجب شده فضای انفرادی، به جای فضای جمعی و عاطفی در خانواده حاکم شود.

آسیب ناشی از حضور رسانه ها، بیشتر در نوع ارتباط بین فرزندان و والدین و ارتباط بین زن و شوهر است. هر اندازه ارتباط میان فرزندان و والدین و همچنین ارتباط میان همسران به دلیل تغییر مخاطب کاهش یابد، پیوند عاطفی و هیجان و همگونی شناختی میان اعضاء خانواده نیز کاهش می یابد و این موضوع انسجام گروه را به مخاطره می اندازد.

موضوع مهم دیگر سلطه اطلاعاتی و تکنولوژی غرب است که از طریق آن فرهنگ غربی روز به روز در فرهنگ های دیگر و به ویژه فرهنگ اسلامی رخنه کرده و سعی در تحمیل و درونی کردن ارزش ها و هنجارهای از طریق فناوری نوین و رسانه ها دارد، که به

^۱باز اندیشی در فرهنگ و رسانه، ص ۲۲۳

تبع آن نوعی شکاف و تضاد بین اولویت های فرهنگی و شیوه های تفکر و نگرش و هنجارها و ارزش های نسل جدید با نسل قلبی پدید می آید.

رسانه ها انتقال ارزش ها و میراث فرهنگی را برعهده دارند و تنها بخشی از میراث گرانبهای نسل پیش را منتقل می کند و بیشتر خواهان نوآوری است و از آنجا که رسانه در دست عده ای خاص قرار دارد سعی می کنند ارزش ها و هنجار مورد پسند آن قشر خاص را ترویج کنند که ممکن است با فرهنگ سنتی، نگرش ها و باورهای عموم مردم در تضاد باشد و نوعی شکاف نسلی بوجود آورد.^۱

مقام معظم رهبری حفظه الله می فرماید:

دشمن از راه اشاعه ی فرهنگ غلط فساد و فحشاء، سعی می کند جوان های ما را از دست ما بگیرد. بزرگترین خبرگذاری ها و ایستگاه های رادیو و تلویزیون امروز در دست صهیونیست های سرمایه دار است که بزرگترین کارخانه ها و معادن و بیش ترین ثروت ها را در اختیار خود دارند. آنها زنان و مردان را به فساد، راحت طلبی، تنبلی، مصرف گرایی و تن دادن به زندگی حیوانی شوق داده اند تا از بیداری تعرض و مقابله به مثل آنها جلوگیری کرده و امپراتوری اهریمنی خود را حفظ کنند. امروز صدها ایستگاه رادیو و تلویزیون، روز نامه و مجله در سطح جهان تلاش می کنند تا به گسترش فرهنگ مطلوب استکبار جهانی ملتها را به ارزشها، درخشندگی و فضائل انسانی بیگانه کرده و آنها را به موجودات کاذب مطیع و غافل از یاد خدا تبدیل کنند، زیرا منافع آنها جز به این طریق تامین نخواهد شد.

گروهی از محققان و استادان دانشگاه آمریکا در نشستی با عنوان «تلویزیون، آموزش و تربیت» اعلام کردند: اگر والدین بتوانند فرزندان خود را از دیدن برنامه های تلویزیون منع کنند، تنها در آمریکا می توان ده هزار قتل و هفتاد هزار زدو خورد و هفتصد هزار دزدی جلوگیری کرد.

کارتون های آمریکای در ظاهر بی خطر به نظر می رسد؛ اما فرهنگ وحشی گری و درنده خویی را برای فرزندان ما به ارمغان می آورند.

صنعت سینما دستخوش تغییر بسیار زیادی شده است، تا آنجا که از لحاظ تکنیک فیلم سازی و القا مفاهیم به بیننده در حد بسیار بالایی عمل کرده است. اکثر مدل های لباس، رفتار و منش جوان و حتی طرز گفتار و رفتار آنان برگرفته از شخصیت های درون فیلم هاست. و

۱. باز اندیشی در فرهنگ و رسانه، ص ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴

با توجه به ورود فیلم های خارجی در کشور های اسلامی، باز فرهنگ غرب به طور غیرمستقیم بیننده های خود را تحت تاثیر قرار می دهد.

۳-۲- عدم آشنایی کافی با فرهنگ و معارف اسلامی:

یکی از راه های قطع رابطه مردم با علمای دین، تاسیس مدارس جدید و تربیت کودکان مطابق برنامه های وزارت مستعمرات است و باید هم اکنون کودکان طبقات متوسط را در مدارسی که تدارک دیده ایم تربیت کنیم.

ضعف های موجود در سیستم تعلیم و تربیت:

سیستم تعلیم و تربیت رایج در کشور ما در زمان طاغوت یک سیستم واراتی بوده است. استعمارگران همواره تاکید داشتند که برای بسط حاکمیت و سلطه استعماری وارد بر ملل مسلمان باید از راه تعلیم و تربیت و تاسیس مدارس به سبک غربی و تربیت نیروهای انسانی با فکر و سلیقه غربی اقدام نموده.

برخی خانواده ها به دلیل عدم شناخت کافی با اصول و مبانی تعلیم، و تربیت اسلامی و بی توجهی به خصوصیات و خواسته های روحی، روانی و فردی فرزندان خود در سنین مختلف با اعمال شیوه های غلط تربیت، تحقیر شدید می نمایند. عدم رعایت موازین شرعی، عدم نظارت بر چگونگی گراندن اوقات فرزندان درگیری اجتماعی در خانواده ها سبب بروز بحران روانی در جوانان می شوند.^۱

۳-۴- موانع جامعه پذیری بهینه در ایران:

جامعه پذیری فرایندی است که در جریان آن جامعه به القای ارزش ها و هنجارهای خویش به افراد نایل می آید. کودک در جریان جامعه پذیری، به اخذ باورها، ارزش ها و رفتارهای مورد پذیرش جامعه از طریق فرهنگ یا خرده فرهنگی که وی را در بر گرفته است، نایل می آید.

مدرسه، خانواده، گروه هم سالان و رسانه های جمعی و مذهب عوامل موثر در جامعه پذیری به شمار می روند. بررسی روند جامعه پذیری در جهان معاصر حاکی از آنست که نه تنها برای القای بهینه اهداف اجتماعی در اذهان افراد، سرمایه گذاری وسیعی صورت می

^۱ شبیخون فرهنگی، ص ۶۴

پذیرد، بلکه در این روند از دستاوردهای روان شناختی و فن آوری های جدید در حد گسترده ای سود جسته می شود. غرب از دستاوردهای روان شناختی موجود در این زمینه به شکل وسایل بهینه استفاده ممکن را می برد. مثلاً در جریان بازی ویدیویی - رایانه ای با سودجویی از فن آوری وسایل چند رسانه ای، چنان جذابیتی به این بازی ها بخشیده است که در حال حاضر از انقلابی یاد می شود که بازی های ویدیویی - رایانه ای، در اوقات فراغت جوانان غربی، پدید آورده است.^۱

گاه موقعیت خانواده ای به سبب عوامل جغرافیایی، محدود بودن روابط اجتماعی، وضع درآمد و اموری دیگر، به شکلی است که زمینه رشد فرهنگ و آداب اجتماعی برای ایشان فراهم نیست، اما از طرفی مظاهر فرهنگ و نمونه های متری رفتارهای اجتماعی از نگاه آنان دور نیست؛ مانند آنکه به وسیله رسانه هایی همچون تلویزیون، شاهد نوعی منش های اجتماعی اند که به نظر ایشان متری تر از مرحله ای است که خود در آن قرار گرفته اند. یا فرزندی از خانواده به محیطی گسترده تر با آدابی پیشرفته، راه یافته است و اینک خانواده خود را در سطح پایین و دور از فرهنگ و رسوم متعالی مشاهده می کند. در این حالت فردی که خانواده اش را دور از فرهنگ و آداب اجتماعی و ضعف می پندارد در مقابل همسالان خویش احساس شکست و رنج می کند و می کوشد تا به هر وسیله ممکن، ضعف خانوادگی اش را با تظاهر به رفتارهای نوین اجتماعی، پنهان کند یا خود را ممتاز از خانواده و در سطحی بالاتر نشان دهد. باتاسف، در چنین موقعیت بعضی از دختران جوان می پندارند که سنت شکنی و بی اعتنائی به اصول مذهبی علامت رشد فکری و اجتماعی است و به همین سبب از هر چه نشان دهنده پابندی آنان به اصول اخلاقی و مذهبی است فاصله می گیرند و در رفتار خود شیوه بی تفاوتی و آزادمنشانه بر می گزینند.^۲

سینمای ایران در پرداختن به موضوعات چندی که اهمیت فراوان نیز داشته است غفلت داشته، مردم ایران از شعور سیاسی بسیار والایی برخوردارند اما می توان گفت که تقریباً در ایران سینمای سیاسی وجود ندارد.

سینمای ما نسبت به مسائل استراتژیک جهان اسلام بسیار ضعیف است مسئله فلسطین اصلی است که از زمان شکل گیری انقلاب اسلامی همواره به عنوان یکی از اصلی ترین مسائل

۱. مرتضی، منطقی، راهنمای والدین در استفاده فرزندان از فن آوری ارتباط جدید، چاپ دوم، انتشارات عابد، ۱۳۸۷، ص ۷۹

۲. یوسف، غلامی، اخلاق و رفتار های جنسی، غلامی، یوسف، چاپ پنجم، نشر معارف، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵

محوری مورد توجه انقلاب اسلامی و رهبری آن بوده است اما چنین سوژه ای پس از ۱۵ سال انگشت شمار مورد توجه قرار گرفته.

تاریخ اسلام زندگی پیامبران و ائمه اطهار(علیه السلام) و شخصیت‌های دیگر از مواردی است که طرح آنها در قالب‌های جذاب هنری می تواند قوت فرهنگ اسلامی جامع و اقتصاد مذهبی آن را بالا ببرد.

عدم الگو سازی مناسب و سازنده توسط تلویزیون برای نسل جوان از دیگر ضعف‌های این رسانه است مردان انقلابی و ستاره های علم و فضیلت که تعداد آنها در تاریخ این مرز و بوم کم نیست.

محوری که در سینمای جهان به منظور انتقال ارزش‌های یک فرهنگ در قالب الگو سازی به شدت مورد توجه است. نتیجه آن است که شخصیتی انقلابی و غیر مسلمان چون ارنستو چه گوارا بر پرده سینما حضور داشته است برای جوانان ایرانی بسیار شناخته شده تر از چهره ای انقلابی و مبارزی چون شهید سید علی اندرزگو است. مبارزی که قهرمان جنگ چریکی علیه رژیم پهلوی بوده

استفاده بهینه از تلویزیون نیازمند بهره وری از نیرو های متخصص و کاردان در تمامی زمینه های مربوط به آن است. تلویزیون انقلاب در بدو ظهور خود به واسطه آن که تمامی دست اندرکاران قدیم خود را که به طور عمده نیرو های منحرف و غرب زده بودند از دست داده بود، بدست نیرو های جوان و فاقد کارآییهای فنی لازم افتاد. در دستگاه عظیم هنری غرب به منظور مبارزه با ارزش‌های اسلامی حتی در بازیها، چهره های منفی با قیافه های خشن و دارای ریشی نشان داده شده و چیزی شبیه به پیشانی بند رزمندگان اسلام برسر دارند و هنگام ظاهر شدن بر پرده تلویزیون با صدایی ناهنجار، صوتی شبیه الله اکبر ادا می کنند. و این از دشمن فرهنگی غرب و اسلام نشات می گیرد.^۱

یکی از نیروهای خدادادی در وجود انسان، قوه خیال است که باعث ابتکار و خلاقیت می شود. پرورش قوه خیال برای کودکان بسیار ضروری و مفید است. کودکان با استفاده از قوه خیال می توانند به آنچه در جهان واقع دست نیافتنی است، دست یابند و برای خود، دنیای زیبا و دوست داشتنی، همراه با انفاق های عجیب بسازند. برنامه های تلویزیون می توانند در هدایت قوه تخیل کودکان موثر باشند. کارتون های فضایی و آمدن افراد فضایی به زمین و سفر

۱. مبانی جنگ نرم، فیروزی، عباس، ص ۷۲

به کره های ناشناخته، می تواند نیروی تخیل کودکان را فعال کند و آنها را به تفکر درباره کشف مجهول های جهان اطراف خود وا دارد. البته اگر این تخیل از حد و اندازه خود بگذرد، آثار زیانباری را پدید خواهد آورد و کودک را از واقعیات زندگی دور می کند.

از دشوارترین مسائل تربیتی، برخورد با مسائل جنسی کودکان و نوجوانان است. این میل در دوره ی کودکی نهفته است و به تدریج در وجود انسان رشد می کند و در دوره نوجوانی به اوج شدت و قدرت می رسد. این گمان که کودکان هیچ گونه انگیزه جنسی ندارند و در این زمینه، نیازی به مراقبت از آنها نیست، گمانی باطل است.

برنامه های تلویزیونی نباید به گونه ای باشد که غریزه جنسی را در کودکان پیش از موقع بیدار کند. مطرح کردن روابط دختر و پسر در برنامه های تلویزیون، ناخودآگاه، نگهداری حیواناتی را که با فرهنگ ما سازگاری ندارد را ترویج می کنند. تماشای کارتون هایی که سگ ها نقش اول را در آن بر عهده دارند و در کنار افراد خانواده و همانند یکی از اعضای خانواده نوازش و نگهداری می شوند، کودکان جامعه اسلامی ما را با سر در گمی رو به رو می کند، از یک سو بر اساس علاقه، خواهان نگهداری سگ هستند و از سوی دیگر با منبع والدین رو به رو می شوند و درک نمی کنند که چرا سگ به این تمیزی، نجس است.^۱

وقتی جوان احساس کرد که حرفهایش خریدار دارد، آنها را با پدر و مادر در میان خواهد گذاشت. در غیر این صورت، او احساس تنهایی می کند و تعادل روانی خود را از دست می دهد. حال اگر جوانی به هر دلیلی احساس کند درک نمی شود و خود را در سطح خانه یا جامعه بیگانه ببیند، علیه تفکر، مذهب و یا نحوه پوشیدن لباس بزرگ سالان طغیان می کند و این مسئله را به شکل های گوناگون از جمله پوشیدن لباس هایی با نماد غربی بروز می دهد.

یکی از علل روان شناختی دین گریزی از دین برداشت های غلط و نادرست از معارف دینی می باشد. (یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوانان مومن را از پای بندهای متعصبانه به ایمان- که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می دارد) از دیگر شیوه های علمی دشمن در جهت نابودی فرهنگ ملی و اسلامی کشور ما، ارائه معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن بر افراد جامعه است.^۲

۱. روابط سالم در خانواده، ص ۱۹۱

۲. محمد، عباسی، عوامل دین گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب، ماهنامه معرفت، ص ۱۶ و ۹

فرهنگ مادی به وجود آمده، ولی فرهنگ معنوی مرتبط با آن وارد نشده است. این رابطه، عقب ماندگی فرهنگی نام می گیرد؛ یعنی عقب ماندگی فرهنگ معنوی از فرهنگ مادی. حال اگر این تغییر و عقب ماندگی یک فرد از جزء دیگر بسیار سریع باشد، جامعه دچار بی سازمانی می شود. این ناهنجاری اجتماعی در همین سطح نمی ماند، بلکه به رفتار افراد نیز سرایت می کند و بی سازمانی رفتار اجتماعی را به وجود آورد. مردم الگوهای رفتاری خودشان را از دست می دهند و به اختلال رفتاری در جامعه دچار می شوند.

اگر به دنبال تغییر و توسعه هم نباشیم، تغییر نکردن دردناک تر از تغییر و پیامدهای آن است، چون جامعه به رکود و سپس، به مرگ تدریجی دچار می شود و این تحمل پذیر نیست. هنجارهای فرهنگ، جامعه و وسیله ای که ما با آن از فرهنگ واقعی به فرهنگ آرمانی می رسیم، عقلانیت است چون با عقلانیت می توانیم تناسب وسیله و هدف را به وسیله سه شاخص اصلی عقلانیت (سرعت بسیار، هزینه کم، و آسان ترین راه) به بهترین وجه به دست آوریم.

باید قبل از هر چیز ساختار معرفتی و اجتماعی خود را بشناسیم و فقط دل به فرهنگ مقصد و اصلی غرب نسپاریم. اساس برگزینش است؛ یعنی گزینش عناصر و ترکیب فرهنگ های متفاوت و این گزینش هر اندازه آگاهانه باشد تاثیر بسیار مهمی در رشد و توسعه فرهنگی دارد.

نتیجه توسعه فرهنگی برنامه ریزی شد این چنین خواهد بود:

(۱)تهدمت: اینکه هر کاری در این فرهنگ توسعه یافته، از عمق انجام می شود؛ فناوری عمیق تر می شود تا آن فناوری سطحی عمق بیشتری بیابد.

(۲)تخصص و تمایز: با تخصص یافتن هر چه بیش تر افراد بشر، جوامع بشری نیز تمایز بیش تری می پذیرند؛

(۳)تمرکز: تصمیم گیری های اقتصادی و سیاسی در دست افراد و نهاد های انگشت شماری تمرکز می یابد. این فراگرد باشد تمایز سیاسی، اقتصادی بی ارتباط نیست.^۱

۱. تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات، فیاض، دکتر ابراهیم، ص ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۶

نتیجه:

اساس تربیت کودک در خانواده شکل می گیرد، وقتی اساس نهال کودک خوب چیده نشد، این نهال کج رشد می کند. برخی از برنامه های تلویزیون فقط با هدف جذب مخاطب تهیه می شوند و در آنها دیدگاه کارشناسانه لحاظ نمی شود، اگر این موضوع در خانواده مورد توجه قرار نگیرد، خانواده با تربیت ناصحیح کودک روبرو خواهد شد و کودک در بزرگسالی به دنبال خودسازی نخواهد رفت یا برای او دشوار خواهد بود، پس کنترل صحیح خانوادهها همراه با برنامه ریزی صحیح در زندگی می تواند به تربیت صحیح او منجر شود.

فصل سوم:

نقش برنامه های تلویزیون در دین گریزی کودک

مقدمه:

تنها پدر و مادر کودک می توانند او را از بدو تولد با دین آشنا سازند، با مقید بودن به انجام اعمال دینی و پرهیز از تلقین نادرست دین به کودک، او را برای فراگیری تعالیم دینی ترغیب نمایند، اگر زمینه های تربیت دینی در کودک ایجاد شده باشد خانواده می توانند از دین گریزی حاصل از برنامه های تلویزیونی نیز جلوگیری کنند.

گفتار اول: نقش پدر و مادر در پیشگیری از دین گریزی کودکان

جامعه اسلامی، بدون بهره مندی کشور از نهاد خانواده سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند. بخصوص در زمینه های فرهنگی، والته در زمینه های غیر فرهنگی، بدون خانواده های خوب، امکان پیشرفت نیست پس خانواده لازم است. حالا نقض نشود که شما می گوئید در غرب خانواده نیست، پیشرفت هست. آنچه که امروز در ویرانی بنیاد خانواده در غرب روز به روز بیشتر دارد نمودارهایش ظاهر می شود، اینها اثرش را خواهد بخشید؛ آن روز غرب به این پیشرفت دست پیدا کرد، در آغاز آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتی مسئله جنسیت با همان رعایت های اخلاقی جنسی - البته نه به شکل اسلامی، بلکه به شکل خاص خودش وجود داشت.

اینکه مشاهده می شود غربی ها در داخل کشور های شرقی، اسلامی، آسیایی این همه سعی می کند شهوت رانی را رواج دهند به خاطر این است که خانواده ها را متلاشی کنند تا فرهنگ اینها را تضعیف کنند تا بتوانند سوار اینها بشوند چون یک ملت تا فرهنگش تضعیف نشود، کسی نمی تواند او را مهار کند، به دهان او دهنه بزند و سوار دوش او بشود و او را براند. آن چیزی که ملت ها را بی دفاع می کند دست اجانب اسیر می کند، از دست دادن هویت فرهنگی است این کار هم، با بر هم خوردن بنیاد خانواده ها در جامعه، آسان می شود برای استعمارگرها و دشمن ها.

خانواده که متزلزل شد، اخلاق اجتماعی ضربه می خورد، سنت های قدیمی و پایدار و ماندگار که مایه سعادت جوامع است و محصول تجربه طولانی ملت هاست از بین می رود.^۱

۱-۱- رابطه والدین با فرزندان:

از ویژگی های خانواده سهل گیر، بی توجهی به آموزش رفتارهای اجتماعی است در این گونه خانواده ها به طور کلی، قوانین بسیار محدودی وجود دارد و افراد، چندان به اجرای قوانین و آداب و رسوم اجتماعی پایبند نیستند و هر کس هر کاری بخواهد، می تواند انجام دهد و دخالت در کارهای یکدیگر معنا ندارد؛ هرچند کودکان در این نوع خانواده استقلال فکری و عملی دارند، به سبب هرج و مرج، نوعی تزلزل روحی در این گونه خانواده ها دیده می شود؛ زیرا هر کس به منافع خود توجه دارد، نه به منافع عمومی خانواده و همین تزلزل، باعث بی قیدی کودکان می شود، به گونه ای که آنان احساس مسئولیت در برابر زندگی را از دست می دهند. در نتیجه این کودکان توانایی زندگی اجتماعی را ندارد.

یکی از اساسی ترین مبانی رفتار انسانی از نظر دین مقدس اسلام، وجود میانه روی در روابط خانوادگی است. این اصل در تمامی زمینه ها و همچنین در زمینه برنامه های خانوادگی نیز می تواند مناسب باشد. افراط و تفریط در آزادی ها و سخت گیری ها و محبت ورزیدن به کودکان و وضع قوانین و مقررات نامناسب، نامطلوب به شمار می آید.

در خانواده مستبد، والدین خواهان اجرای بی چون و چرای دستورهای خود هستند و لزومی برای ارائه دلیل نمی بینند. فرزندان این گونه خانواده ها کمتر به خود متکی اند، خلاقیت کمی دارند و کنجکاو نیستند. در مسائل اخلاقی و عاطفی و ذهنی نیز انعطاف پذیرند و زود تحت تاثیر دیگران قرار می گیرند.

پیشوایان اسلام، الگوی رفتاری همراه با سخت گیری و اعمال قدرت را نادرست دانسته اند. امیرالمؤمنان علیه السلام درباره شیوه صحیح تربیت و رفتار و با فرزندان می فرمایند:

انسان به حکم این که انسان است و دارای شعور و اندیشه است، از طریق پند و اندرز و ادب شایسته تربیت می شود. نه از طریق زور گویی و تنبیه بدنی.

در خانواده، مقتدر، فرزند به استقلال و آزادی فکری تشویق می شود؛ در عین حال والدین، نوعی محدودیت و کنترل بر او اعمال می کنند. در این خانواده اظهارنظر و ارتباط

۱ خانواده (در محضر مقام معظم رهبری) تنظیم: کمیته موضوعی، چاپ هجدهم، ۱۳۹۲، ص ۳۲ تا ۳۴

کلامی وسیعی در تبادل کودک - والدین وجود دارد و گرمی، صمیمیت و محبت به کودک در آن، در سطح بالایی است. از نظر اسلام نزدیکترین روش به دستورهای تربیتی این نوع رابطه با فرزندان است.^۱

جامعه شناسان کارکردهای مهم خانواده را تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل، حمایت و مراقبت، ایجاد آرامش روانی، ارضای نیازهای عاطفی، جامعه پذیری و کنترل و نظارت می دانند؛ البته به این موارد باید نقش بی بدیل خانواده در پرورش معنوی را نیز افزود. تحولات خانواده در دهه های اخیر تمام کار کرد های یاد شده را در معرض آسیب قرار داده است. افزایش زمینه های تحریک جنسی، که به ویژه با گسترش ابزارهای جدید تکنولوژی شاهد آنیم، به افزایش آستانه رضامندی جنسی انجامیده است.

ضعف خانواده در تربیت جنسی فرزندان را نیز نباید از نظر دور داشت. در گذشته ای نه چندان دور، والدین مسائل جنسی را - هر چند به گونه ای بسیار کم رنگ - به فرزندان آموزش می دادند. و آنان خود را موظف به نظارت بر رفتار جنسی فرزندان می دانستند. امروزه با جانشینی نادرست نهادهای رقیب، خانواده، رفته رفته حساسیت خود را در زمینه آموزش جنسی و نظارت از دست می دهد.

ایجاد آرامش روانی، کار کرد دیگر خانواده محسوب می شود که در معرض ضعف قرار گرفته است. زن در ایجاد آرامش نقش ویژه ای ایفا می کند.

کم شدن ارتباطات کلامی در خانواده ها که متأثر از حاکمیت بلا منازع رسانه های تصویری، تغییر الگوی ارتباطی در خانواده، چند شغله بودن سرپرست خانواده و فشار دو چندان ناشی از جمع میان کار خانگی و اشتغال رسمی است، زن و مرد را در برقراری ارتباط سازنده ناتوان کرده است؛ با تاسف باید اذعان کرد که کار کرد معنوی و دینی خانواده نیز دچار افول شده و تمایل به ارزش هایی چون رعایت احکام شرعی و آشنایی با معارف و حیایی و اسوه های اخلاقی و معنوی، جای خود را به ترغیب فرزندان به رقابت بر سر عناوین دنیایی و افزون طلبی و مصرف گرایی داده است، و گونه ای بی توجهی والدین به امور معنوی را می توان مشاهده کرد.^۲

۱. داوود، حسینی، روابط سالم در خانواده، چاپ نوزدهم، قم، انتشارات بوستان کتاب مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۸۲ تا ۸۶

۲. سید جعفر، حق شناس، آسیب شناسی خانواده، چاپ اول، ناشر مرکز امور زنان و خانواده های نهاد ریاست

جمهوری ۱۳۸۸، ص ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۵

۱-۲- نقش پدر و مادر در ایجاد و رشد محیط سالم خانوادگی:

برخی پدران و مادران، در زمینه تربیت اخلاقی و معنوی، فرزندان را رها کرده و این امر را جدی نمی گیرند و تمام توجه خود را تنها به امور دیگری چون تغذیه، پوشاک، تفریح، آموزش های علمی و تحصیلی مصرف می کنند، که این مسئله تعلل در سازندگی معنوی فرزندان محسوب شده و باعث می شود که صفات و اخلاق و آداب ناپسند، به صورت عادت در آنان استحکام یافته و زدودن آن ها دشوار و سخت خواهد بود. در برخی خانواده ها، بیشتر اوقات، اعضای خانواده بدون برنامه ریزی صحیح و سالم نسبت به مسائل معنوی و اخلاقی است و این گوهر گران بها به صورت بیهوده و غیر مفید به هدر می رود. سخنان غیر ضروری و شوخی های افراطی و احیاناً رکیک و... نامناسب، جای گفتگوهای صمیمی و سالم و سازنده را در فضای خانواده پر کرده اند. لحظات و اوقات فراغت، با کارهای نه چندان مفید و لازم سپری می شود؛ که البته می شود کارهای مفید و مثبت چون مطالعه، ورزش، گردش های تفریحی سالم و سرگرمی های مناسب دیگری را جایگزین آن نمود.

پدر و مادری که خود در پی انجام امور لغو و لهو و لعب هستند و نسبت به مسائل دینی و اخلاقی تقیدی ندارند و با سهل انگاری و بی توجهی نسبت به این گونه مسائل برخورد می کنند، این امر را به فرزندان خود هم می آموزند. اما بلعکس، برخی دیگر از پدران و مادران از همان ابتدا فرزندان خود را در همه زمینه ها اعم از تربیتی و علمی و...، با دقت و حساسیت هدایت کرده و آگاهی های لازم را به آنان گوشزد کرده و آنان را از افتادن به دام امور ناشایست و لغو و لهو مصون نگه می دارند.^۱

۱-۳- الگوی فرهنگی:

فرهنگ عمومی دو بخش دارد: یک بخش، امور و مسائل است که بارز و ظاهر و جلو چشم است و حقیقتاً هم در سرنوشت یک ملت دخالت دارد؛ اما در دراز مدت تاثیر می کند. یعنی در مسیر زندگی و حرکتهای آینده یک ملت تاثیر دارد. مثلاً مشکل لباس و چه پوشیدن و چگونه پوشیدن و از کدام الگوی پوشش استفاده کردن جزو مصادیق و نمونه های بارز فرهنگ عمومی جامعه است. یا شکل معماری در جامعه و در چگونه خانه ای زندگی کردن، بخشی از فرهنگ جامعه را شکل می دهد. زیرا خانه های قدیمی ما یک نوع خانواده و

۱. مهدیه خادم، لهو و لعب، ص ۲۷۷

خلقیات بار می آورند (حیاط بزرگ، حوضی در وسطش و اتاقهایی در اطراف از این اتاق پدر خانواده، همه دور هم و بر یک سفره جمع می شوند و در واقع، این خانه است که خانواده را به دنبال خود می کشاند) و آپارتمان نوعی دیگر از خانواده ایجاد می کند. حتی شکل در و پنجره و ارتباط اتاقها باهم، به ناچار تاثیر خاصی بر ذهن و خلق و منش و تربیت افراد دارد. از این رو، امروز- خوشبختانه- میبینیم که در تلویزیون و میزگردها و گفتارها، بر معماری سنتی ایرانی تکیه می شود. در کردارها نمی دانم چگونه است. ولی به هر حال، آنچه معلوم است این که، این ملت کهن و بزرگ، قبل از این که سبک معماری اروپایی تاثیر بپذیرد، خودش یک سبک معماری خاص داشته است.^۱

این برهنگی همراه با فعالیت شدید غریزه جنسی از مختصات تمدن جدید غرب است. این تمدن از بدو ظهور خود تاکنون، مثل یک ابر تیره سعی داشته است تا آسمان سراسر جهان را بپوشاند و همه زمین را از آفتاب حقیقت محروم سازد یکی از ثمرات هجوم غرب به ایران همین تغییر لباس و رواج برهنگی در میان قشرهایی از جامعه بوده است واز آن در رژیم طاغوت تحت عنوان «کشف حجاب» و در این اواخر «رفع حجاب» یاد می شد و در حقیقت چیزی جز مبارزه با پوشش اسلامی و ترویج لباس غربی نبود.

اگر پذیرش لباس غربی نتیجه سلطه فرهنگی غرب و خود باختگی شرق نیست، چرا تاکنون دیده نشده است که حتی یک نمونه از خصوصیات لباس شرقی در مغرب پذیرفته شود و رواج یابد؟ کسانی که تغییر لباس را نپذیرفتند در واقع فرهنگ غرب را نپذیرفته اند و فریب اصطلاح «ترقی» و «آزادی» و «تساوی حقوق» را نخورده بودند و در مقابل فرهنگ غربی مقاومت نمودند.

بی بند و باری در پوشش، بی بند و باری در تحریک است و بی بند و باری در تحریک، بنیاد خانواده را متلاشی می کند. غریزه جنسی یکی از عوامل مهم ازدواج و به وجود آمدن خانواده است، اما پس از ازدواج هر چه زمان می گذرد نقش غریزه جنسی در حفظ دوام خانواده بیشتر می شود. هم اینجا باید گفت که بی لباسی و عریانی و خود نمایی، آفت زندگی خانوادگی است و در یک کلام، بی حجابی ریشه درخت خانواده را می خشکاند. چنانکه دیدیم، نه تنها در اسلام، بلکه در همه مرامهای اجتماعی جهان، این نتیجه حاصل شده است که خانواده باید محفوظ و محترم بماند و زن و مرد باید دل بسته و وفادار یکدیگر باشند تا آشیان

۱. محمد توکلی، انقلاب فرهنگی، چاپ دوم، انتشارات نگین سبز ۱۳۸۸، ص ۴۱

دلپذیری برای فرزندان خویش بنا کنند و با تربیت آنها، آینده جامعه خویش را ترسیم کنند. اما در جامعه‌ی که برهنگی برآن حاکم است هر زن و مردی همواره در حال مقایسه است، مقایسه آنچه دارد، با آنچه ندارد و آنچه ریشه خانواده را می سوزاند این است که مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر، و مخصوصا در وجود شوهر دامن می زند.^۱

لباس نه تنها تحت تاثیر فرهنگ جامعه است که معرف شخصیت تک تک افراد نیز هست، و البته میان شخصیت افراد و فرهنگ عمومی جامعه نیز ارتباطی قوی وجود دارد. در جامعه‌ای که ارزشهای والای معنوی و انسانی، بی اعتبار باشد. و عالم درون انسان، حیثیت و معنایی مستقل از نمایشها و جلوه‌های بیرونی نداشته باشد، قهرا شخصیت انسان به کلی بر پایه توجه دیگران و اظهار نظر آنان درباره وی، شکل می گیرد و پیداست که افراد در چنین جامعه‌ای سعی می کنند با هر وسیله و از جمله با لباسی که به تن می کنند، برای خود نوعی تشخیص و تعیین ایجاد کنند. مد و تغییرات بی شمار و بی دلیل که مرتبا در لباس رخ می دهد، زمینه‌ای در ضمیر و روان افراد دارد. مخصوصا در جامعه‌های غربی که نظام اداری محکم و جا افتاده؛ ماشینیسیم، و تسلط نظامهای اقتصادی و دولت‌ها بر آموزش و پرورش و وسایل ارتباط اجتماعی، افراد جامعه را روز به روز به هم شبیه تر می کند و امکان هر گونه ابراز وجود فردی و ابتکار عمل را از آنان می گیرد. این نیاز به ابراز وجود و خود را از دیگران متمایز کردن، بسیار دیده می شود و فرد وقتی نتواند خود را از راههای منطقی و معقول ممتاز و مشخص کند؛ به هر اقدام دیگری دست می زند چه بسا که سعی می کند با ایجاد هر گونه تغییری در شکل لباس و نوع آرایش سر و صورت؛ توجه دیگران را به خود جلب کند و خود را از گمشدن در جامعه نجات دهد؛ اکنون نوبت مد سازان است که به این عطش سیری ناپذیر پاسخ دهند و ازاین ضعف اخلاقی که ناشی از یک انهتات معنوی است؛ بهره جویی کنند. اما مدپرستی دلایل اخلاقی و روانی دیگر نیز دارد. در جامعه‌ای که اختلاف طبقاتی شدت دارد؛ این اختلاف طبعا در نوع خانه؛ مدل اتومبیل؛ سبک زندگی و مخصوصا در نوع لباس؛ منعکس می شود و مخصوصا اشراف سعی می کنند ثروت خود را با نوع لباسی که می پوشند به دیگران اعلام کنند و لباس بهترین وسیله تفاخر است؛ چون همیشه همراه انسان است.^۲

۱ غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگ، انتشارات سروش ۱۳۷۲، چاپ پنجم، ص ۴۶ و ۴۷ و ۴۹

۲ همان، ص ۴۳ و ۴۴

در بعضی از خانه ها به کودکان اجازه می دهند در ساعات معین و فقط بعضی از برنامه های تلویزیونی را تماشا کنند؛ البته، این برنامه ها نیز باید از جانب والدین تایید شوند. این قبیل والدین معتقدند که از تلویزیون، مانند دارو باید به اندازه و در ساعت های تجویز شده استفاده کرد. بسیاری از والدین احساس می کنند که انتخاب برنامه های تلویزیونی را نمی توان کاملاً بر عهده کودک گذاشت. آنها حاضر نیستند به آدمکش ها و جنایتکاران اجازه دهند تا در اتاق نشیمن خانه خودشان فرزندانشان را تحت تاثیر قرار دهند.

والدین این حق را دارند که نگذارند فرزندانشان تحت تاثیرخشونت ها و طرح مسائل جنسی قرارگیرند. در عین حال که کودکان نباید کاملاً از تراژدی بشری بی خبر بمانند، ولی باید آنها را از سرگرمی هایی که در آنها وحشی گری انسان ها نسبت به یکدیگر حزن انگیز نیست، بلکه قانون است، محافظت کنند.^۱

پدر و مادر هم باید بدانند روی بچه هایشان باید کار کنند، رسانه های جمعی هم باید بدانند که در مقابل بچه ها مسئولند، برنامه های تلویزیون باید احساس نهایت مسئولیت را بکنند در مقابل نوجوانان و جوانان و نوباوگان؛ ما در داخل محیط های خانه پدرها مادرها را در طول بیست سال، سی سال گذشته نتوانستیم آنچنان بسازیم که کودک بیشترین تغذیه ی خودش را درون خانه بشود، علت هم این بوده که بر محیط های فرهنگی، کسانی مسلط بودند که با فرهنگ اسلامی و ایرانی ضد بودند... رادیو و تلویزیون، روزنامه ها، نشریات کودکان، نوارهای مخصوص کودکان، داستان سرائی ها، باید بدانیم، و بفهمیم که چه کار دارد انجام می گیرد با مغز و دل و احساس لطیف کودک... این بذری را پاشید این جا اثرش را امشب، فردا، یک هفته ی دیگر نشان نخواهد داد، اثرش را در جذب ها، در دفع ها در احساس ها، در خدا جوئی ها، خداخواهی ها یا نخواهی ها نشان خواهد داد.^۲

با وقوع انقلاب اسلامی، رهبران انقلاب، مسئله تحقق اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم را در دستور کار خود قرار دارند، اما ایران بلافاصله خود را با طرح های کودتا و تجزیه های متعدد مواجه دید و فراتر از آن تحمیل جنگ ناخواسته به کشور، امکان برنامه ریزی عمیق و اندیشیده را از مسئولان نظام گرفت.

۱. فروزان گنجی زاده، والدین و تربیت فرزند

۲. زهرا نوین، رسالت صدا و سیما، ص ۸۰ و ۸۱

پس از گذشت هشت سال نبرد جنگ در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید و جامعه ملتهب ایران در دوران جنگ بارها و بارها شاهد بمباران شهرها، موشک باران مناطق مسکونی و حتی شیمیایی شدن شهرها بود، به آرامش گرایید.

استفاده از فن آوری، در سال های اولیه پس از جنگ، از حساسیت زیادی برخوردار بودند، زیرا جامعه ی جنگ زده ایران، نیازمند استراحت و تجدید قوا بود تا با روحیه ای تازه، نه تنها به باسازی ویرانی های ناشی از جنگ پردازد، بلکه به جبران عقب ماندگی تاریخی ایران به سازندگی کشور اقدام کنند. جوانان شاهد آن بودند که کمترین شادی، هیجان جویی و تنوع طلبی آن ها در سطح مدارس، دانشگاه ها و جامعه، با دیده تردید نفی و انکار نگریسته می شود و اولیای فرهنگی جوانان، نه تنها حاضر به پذیرش هیجان جویی آن ها نیستند، بلکه با بدعت گذاشتن های متعدد، به ارایه قرائتی بسته نگر از اسلام، دست می زنند.

جوانان در موارد دیگری همچون مد و موسیقی، شاهد بودند بدون آن که اولیای امور جوانان، در صدد ارایه پاسخی مستدل و منطقی به آن ها برآیند، مبارزه با مد را سرلوحه ی کار خود قرار داده، با به طاق نسیان سپردن موسیقی، تصور می کردند، مسئله موسیقی را حل کرده اند.

در همین دوره، در حالی که تلویزیون تنها از دو کانال برخوردار بود، بولتن سازمان تبلیغات اسلامی، در نقدی که بر یکی از برنامه های سیما نوشته بود پیشنهاد کرد: اگر قرار بر پخش برنامه ضعیف است همان بهتر که دو کانال تبدیل به یک کانال شود. تا برنامه تلویزیون، به شکل بهتری ارایه شود.^۱

تغییر رفتارهای موجود در جامعه بین نوجوانان و جوانان با الگو گزینی و همانند سازی با بازیگران برنامه های ماهواره ویدیو و رایانه و تاثیر منفی این الگوها در بی اعتقادی و ایجاد باورهای غلط و انحرافی، و گرایش به پوچی و نهیلیسم و عدم اعمال تربیت صحیح و مراقبت لازم از طرف والدین و مدرسه و جامعه باعث شیوع فساد در بین برخی نوجوانان و جوانان که سازندگان فردای کشور و سرمایه های معنوی و انسانی هستند، ازاین رو یافتن راه کارهای عملی برای کاهش اثرات منفی رسانه های گروهی بیگانه، که باهدف خاصی جوانانرا نشانه گرفته و سنگرهای جبهه فرهنگی در حال فرو ریختن می باشد.

۱. مرتضی منطقی، راهنمای والدین در استفاده از فن آوری ارتباطی جدید، ص ۸۰ تا ۸۲

نفوذ رسانه های فرهنگی گروهی در نوجوانان قابل ملاحظه است. هم پسران و هم دختران خود را قویا با هنر پیشه های تلویزیون و سینما همانند می سازند و این همانند سازی نزد دختران به مراتب نیرومندتر از پسران است. رسانه های جمعی از جمله صدا و سیما و مطبوعات در ایجاد و یا تغییر ذائقه و عاداتی خاص نقش مهم و تعیین کننده ای را ایفا نمایند. روند کلی این رسانه ها هر چه باشد، در افکار و عادات مخاطب تاثیرات عمیقی می گذارد.

اگر والدین از لحظه تولد کودک ارزش های انسان ساز اسلام را در باورهای فرزند گنجانده و او را با عمل خود، چراغ راهنمایی باشند، مسلما دستورات و احکام اسلامی در وی نهادینه شده و جزو اعتقادات یقینی و محکم او در خواهد آمد، و در برابر تحریف و شبهات مقاومت نموده، راه خود را براساس مکتب اسلام در تاریکی های جهل و خرافه و تحریفات دشمنان اسلام پیدا خواهد نمود و آن پسندید که اسلام می پسندد.

خانواده می تواند با تغییر ارزش ها، رفتار ها و انگیزه های کودک و نوجوان را تغییر دهد، همان گونه که رسانه های جمعی با استفاده از تکنولوژی جدید و اصول و فنون روان شناسی مبادرت به انگیزه سازی نموده، و در نهایت سعی در تغییر ارزش ها و سنت های فردی اجتماعی جوامع می نمایند.

ذهن کودک ساده و فاقد شبکه به هم پیوسته متشکل از اندیشه ها و باورهاست، و هنوز فاقد قدرت تحلیل عقاید، تشخیص و سنجش نظرات مختلف و پذیرش یارد منطقی مسائل می باشد، لذا قدرت دفاعی در برابر خطرات وسایل ارتباط جمعی نداشته و به شدت تاثیر پذیر و در نتیجه آسیب پذیر می باشد. از این رو کودک به حمایت و راهنمایی والدین در برابر صدمات احتمالی و حتمی وسایل ارتباط جمعی نیازمند است.

در تبادل فرهنگی هدف باور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است، ولی در تهاجم فرهنگی هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است در تبادل فرهنگ ملت گیرنده فرهنگ، چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می گیرد... در تهاجم فرهنگی چیزهایی را به ملت مورد تهاجم می دهند خوب نیست بد است.^۱

۱. منصوره وطنی، نقش تربیتی والدین و رسانه های گروهی در الگوپذیری نوجوانان و جوانان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه

اصفهان، ۱۳۸۹، ص ۴۱ تا ۷

گفتار دوم: نقش رسانه های ملی در پیشگیری از دین گریزی کودکان:

۲-۱- تعریف دین و قلمرو آن:

درباره ماهیت دین، کارکردهای آن، قلمرو و انتظاری که از آن می رود، دیدگاههای متفاوت و فراوانی ابراز شده است. خلاصه کردن دین در پالایش درون، تهذیب نفس و پاسخ به نیازهای فردی و معنوی یک سوی این دیدگاه متعدد است. در سوی دیگر، علاوه بر اینها، تنظیم روابط انسانها با یکدیگر، تحقق اهداف و آرمانهای والای اجتماعی نظیر عدالت، حاکمیت فضیلت و سرانجام، حضور در همه عرصه های فردی و اجتماعی را رسالت دین دانسته اند.

بنابراین، برای تبیین ماهیت دین و قلمرو احکام آن از نظر «اسلام» باید به آموزه های مستند اسلامی مراجعه کرد؛ نه آنکه تبیین خواست و رسالت یک دین را از سایر مکتبها انتظار داشت. این روش نادرستی است که بخواهیم ماهیت اسلام و حوزه نفوذ آن را نیز با اتکا به مباحث مبتنی بر فرهنگ غرب، تحلیل و استنتاج کنیم.

۲-۲- رسالت سیما و رسالت دینی:

مقصود از رسالت در این عرصه، چیزی متفاوت از کارکرد و وظیفه است و به احساس تعهدی که رسانه ها و گردانندگان آنها نسبت به ارائه یا عدم ارائه اطلاعات و اخبار احساس می کنند. برای تشبیه رسالت را می توان روح حاکم بر فعالیت های حرفه ای و التزام درونی و عملی به دنبال کردن هدف یا اهداف خاصی در ضمن انجام وظایف ذاتی دانست. تعهد رسانه در برابر دین و یا دینی کردن رسانه ها نیز از همین مقوله شمرده می شود.^۱

۲-۱- دین در دنیای رسانه:

با بررسی های تاریخی و تاریخچه ظهور رسانه ها و کارکردهای مذهبی آنها می توان به دو رویکرد اساسی در این رابطه دست یافت؛ رویکرد نخست معتقد است نه تنها بین «رسانه» و «دین» ارتباط تنگاتنگی برقرار است، بلکه رسانه ها بنا به تحقیقات بسیار مقوم دینداری در دوره های مختلف بوده اند، به طوری که پیوند بین رسانه های ارتباطی و دین به زمان های

^۱حسن، بشیر، تعامل دین و ارتباطات، چاپ دوم، ناشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹ و ۱۷۴

دور یعنی نخستین روایت ها از اسطوره ها و خطوط نقاشی حک شده دیواره نمادها بر می گردد از این دیدگاه ها موقعیت مذهب در عصر رسانه ها نشان می دهد که دین با نفوذ در تمامی زوایای اندیشه و عقل آدمی بیش ترین ارزش های ضروری را گردآوری می کند. تا جذب شیوه های ارتباطی و فن آوری های نوین، میان انسان های پیرو آن ارتباط برقرار کرده و به نوعی خود را با شرایط جدید سازگار سازد.

رویکرد دیگر معتقد به تباین، تضاد بین «دین» و «رسانه» است و معتقد است «دین» یک نهاد سنتی است که به توزیع معرفت می پردازد و باید به آن مثل سایر نهاد های سنتی نگریسته شود اما «رسانه» مفهومی مدرن است که دارای کارکردهای کاملاً جدید بوده، و دین تباین دارد، ولی رسانه نیز همانند دین به توزیع معرفت پرداخته و به رابطه انسان با محیط پیرامون خود شکل می بخشد. و رسانه در دنیای جدید رقیب دین است و می کوشد جای دین را بگیرد.

از منظر دیگر، بررسی های تاریخی نشان می دهند که رسانه ها بیش از آن که مولود دین باشند، به تقویت دینداری کمک کرده اند. و مهم آن است که حاملان و عاملان این دو نهاد نمادساز، ظرفیت های یکدیگر را با توجه به واقعیت خودشان شناسایی کرده و به خدمت بگیرند تا به درک و شناخت انسان از جهان پیرامون خود معنا بخشد. تبیین موقعیت دین در دنیای رسانه نیازمند بررسی زمینه های اجتماعی و معرفت شناختی است که در شکل گیری مطالعات نظری و عملی معطوف به تشریح نسبت های دین و رسانه موثر بوده اند.

از سوی دیگر پدیده های رسانه ای پیوندی انکارناپذیر با فرهنگ عامه پسند دارند به همین خاطر تا مدت ها نه عالمان دین نه پژوهشگران دین جایگاه ارزشمندی برای مطالعه پدیده های رسانه ای و به طور کلی پدیده های مرتبط با آن قائل نبودند.^۱

در میان انواع نظریه های ارتباطی، یک رشته نظریه پردازی به نام نظریه های هنجاری یا دستوری وجود دارد که به بایدها و نبایدهای عملکردهای رسانه ها یا دستوری وجود دارد که به بایدها و نبایدهای عملکردهای رسانه ها براساس نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه می پردازد. این نظریه ها ترسیم رابطه دولت، رسانه و جامعه را بر عهده دارند و انتظارات دولت از رسانه ها، ضوابط، شرایط، حاکم بر آنها و توقعات مربوط به نقش اجتماعی رسانه ها را در جوامع گوناگون بررسی می کنند و در کنار نظریه های علمی- اجتماعی، عملکردی و شعوری عامه، چهار حوزه اصلی نظریه پردازی در ارتباطات جمعی را

۱. منوچهر، دین پرست، مدیریت ارتباطات، ماهنامه تحلیلی، شماره ۱۳۸۹، ۲، ص ۳۶

تشکیل می دهند. با مفروض گرفتن امکان تحقق جامعه دینی، التزام حاکمان، پیام آفرینان و مخاطبان رسانه ها به احکام و اخلاق اسلامی، به ارائه اصول مقدماتی نظریه هنجاری رسانه های جدید هستند به برداشت روشمند از قرآن کریم و سنت پیامبر و ائمه معصوم علیهم السلام می پردازد.

در دیگاه الهی- اجتماعی، رسانه وسیله امر به معروف و نهی از منکر است. اهمیت محوری این اصطلاح در ارتباطات فرهنگی و سیاسی در درون جامعه متدین انکار ناپذیر است. در چنین جامعه های دین تبدیل به فرهنگ شده است و هنجارهای دینی- بدون جبر- در درون جامعه پذیرفته شده است؛ در این صورت؛ کارکرد امر به معروف و نهی از منکر، تداوم ارزشها و هنجارهای حاکم بر جامعه است.^۱

این جا[صدا و سیما] یک مجموعه ی فرهنگی است و شاید بشود گفت اثر گذارترین مجموعه فرهنگی در کشور، این رسانه ملی و عمومی است.

صدا و سیما، مسئولیت آموزش عمومی و ایجاد رشد فرهنگی و سیاسی تبیین مبانی اسلام و مقابله با توطئه های تبلیغاتی دشمنرا با بهره گیری از هنر اصیل و سالم بر عهده دارد. صدا و سیما مسئولیت زیادی دارد رادیو تلویزیون، یک دستگاه سرگرم کننده نیست؛ یک دستگاه آموزنده است. این دستگاه حساس و پر اهمیت [صدا و سیما] که امام کبرمان آن را دانشگاهی فراتر از پهنای تمامی کشور و ملت می دانستند، وظیفه ی ایجاد رشد فکری و فرهنگی و سیاسی و تبیین اسلام و مقابله با توطئه های تبلیغاتی را بر عهده دارد. آنچه در مورد این رسانه مهم، مطلوب و ایده آل است، عبارت از این است که دانشگاهی می باشد که در آن، عالی ترین و زیبا ترین مفاهیم انقلابی، به شکل هنرمندانه ارائه بشود و جاذبه داشته باشد.

صدا و سیما باید استقلال فکری و عملی ملت ایران، نظام جمهوری اسلامی و اصل «نه شرقی نه غربی» را با ارائه ی فرهنگ و اندیشه و هنر خودی و اصیل و غنی، ترویج و تحکیم کند و در برابر فرهنگ و هنر و اندیشه ی تحمیلی و بیگانه، حالت تهاجمی داشته باشد و باید انتخاب بهترین شیوه ها و بلیغ ترین زبان ها، غبار غربت و انزوا را از چهره مفاهیم عمیق اسلام و حقایق درخشان قرآن بسترده و ارمغانی را که ملت های مسلمان در سراسر جهان، از نظام جمهوری اسلامی انتظار می برند؛ در دسترس آنان قرار دهد. اگر آن دستگاهی که بر این

۱. تعامل دین و ارتباطات، ص ۱۰۵ و ۱۰۸

مرکز حساس حکومت می کند، یک دستگاه سالم باشد، مورد اطمینان باشد، مومن باشد، باسیاست و بادرایت باشد، یکی از گام های بزرگ برای بالابردن فرهنگ جامعه برداشته شده. اگر خدای نکرده یکی از چیزهایی که گفتم، در آن دستگاه کم باشد، در این امر یک اختلال بوجود می آید لذا سیاست جمهوری اسلامی درباره ی رادیو و تلویزیون که مهمترین ابزارها و وسایل گسترش و تبلیغ فرهنگ و معارفند، همان مطلبی است که رهبر بزرگوار و ژرف اندیش ما، در چند سال قبل از این بیان کردند و آن این بود که رادیو و تلویزیون یک دانشگاهند، حقیقت قضیه هم همین است. دانشگاه آن جایی است که مردم را تعلیم و تربیت می دهد. اگر مدیریت دانشگاه و دستگاه عظیم در جهت عدم سلامت مردم و فکر مردم و آموزندگان این دانشگاه تمام شد.

صدا و سیما باید انواع و اقسام روش های هنری را در برنامه های هنری و فیلم ها و نمایش ها برای تفهیم و توضیح مفاهیم و ارزش های اسلامی به کار گیرد و اگر غیر از این باشد، صدا و سیما جمهوری اسلامی، صدا و سیمای اسلامی نیست. این طور نیست که اگر ما می خواهیم مردم، مسلمانان تربیت بشوند، راهش این است که در تلویزیون دائما برایشان قرآن بخوانیم، یا تفسیر قرآن بگوییم، یا احکام بیان کنیم، نه خیر، این کارها راهی دارد. انسان مسلمان فقط آن نیست که احکام اسلامی بلد است، انسان مسلمان ابعادی دارد، بینش او، روشن بینی او، نیروی باطنی او، نیروی روحی، نیروی جسمی، معلومات وسیع و احساس برتری او در میدانهای زندگی، همه اینها عناصر دخیل در ساخت انسان مسلمانند. شما صد راه برای این مطالب در نظر بگیرید، هر کدام از راهها را به حساب خود بپیمایید، تا به این هدف برسید. عمده آن است که این هدف فراموش نشود، از آن تخلف نشود و عکس آن عمل نگردد؛ هدف ما، این است.^۱

وظیفه صدا و سیما در ارائه هنرمندانه گرایشهای اصولی نظام را با تمام قوت و قدرت و هنرش از آب در بیاورد و ارایه کند. در همه بحثها و تمام آنچه که شما از این رسانه و از قوطی خارج می کنید و به گوش و قلب مستمعان می رسانید، باید این نکته رعایت بشود تاثیر رسانه ها و تلویزیون و هنر از موشک و اتم بیشتر است:^۲

۱. زهر، انوین، تهاجم فرهنگی و رسالت صدا و سیما بر گرفته از سخنان مقام معظم رهبری دامت برکاته، ناشر: مرکز تحقیقات صدا

و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۸ تا ۵۵

۲. فرهنگ و عرصه ی فرهنگی، از رهنمود های رهبر انقلاب اسلامی مدظله العالی، چاپ اول، تهران، ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۸

رسانه های گروهی نمی توانند در جهت اختلاف افکنی و تفرقه اندازی گام بردارند و در صورت دست یازیدن به چنین تحرکاتی، اقدام رسانه ها مصداق تلاش برای تشویق اذهان عمومی به شمار خواهد آمد. جامعه ایده آل اسلام، جامعه ای است که در آن همه افراد و گروهها مجازند که آنگونه که می خواهند، فکر کنند و همان طور که می پسندند، سابقه ای را برگزینند و اعتراض و انتقاد خود را بیان نمایند، اما در عمل جمعی باید همگی از یک طریق ثابت پیروی نمایند.

۲-۳- رسانه ها و نظارت:

یکی از وظایف خطیر رسانه های گروهی که شاید بتوان آن را حساسترین و در عین حال با ارزش ترین و مهمترین کارکرد وسایل ارتباط جمعی دانست، نظارت بر امور جامعه است. رسانه ها از یک سو به عنوان گوش و چشم اجتماع عمل کرده و از خوب و بد امور کسب اطلاع و خبر می کند؛ و از سوی دیگر به مثابه آینه حقیقت نما و زبان جامعه آنچه را می دانند در معرض افکار عمومی قرار می دهند و به این وسیله خطاها را گوشزد، و نقاط قوت و صلاح را می نمایانند.

در جامعه ای که رسانه های گروهی آن از انجام این وظیفه حیاتی شانه خالی کرده، و نقش نظارتی خود را به فراموش سپرده اند، وسیله مطمئن و عمومیتری وجود نخواهد داشت که به این واجب قیام کند و جامعه را به سوی خوینها سوق دهد راز بدیها باز دارد.^۱ اینک نگرش ها، ارزش ها و باورهای شخصی اصحاب رسانه تا چه اندازه بر محتوا تاثیر می گذارند، یکی از بحث بر انگیز ترین موضوعاتی است که در بررسی محتوای رسانه های جمعی با آن رو برو می شویم. وجود یک نگرش الزاما و به طور مستقیم ارتباطی با رفتار ندارد « در آنچه که نوشته شده است وجود داشته باشد. نه فقط افکار کسانی که آن را می نویسند.»

رسانه جمعی باید در خدمت جامعه باشد. هر چند که منتقدان می گویند جنبه های تجاری رسانه جمعی، نقش خدمت رسانی آن را تحت الشعاع قرار می دهد، اما بیشتر روزنامه نگاران بر سر این موضوع اتفاق نظر دارند که رسانه های جمعی (حداقل رسانه های خبری)

۱. جواد، فخارطوسی، امام خمینی (ره) و رسانه های گروهی، چاپ اول، تهران، ناشر ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام
ره، ۱۳۸۱، ص ۵۸ و ۲۷۸ و ۳۰۴

باید از طریق انتشار اطلاعات، فراهم آوردن زمینه پوشش رویدادها و برنامه های سرگرم کننده به جامعه خدمت کنند.

در اسرائیل، دولت در صورتی که تشخیص دهد محتوای رسانه ها باعث بروز خشونت می شوند، می تواند آن ها را سانسور کند. در سال ۱۹۹۸ رسانه های فلسطین چندین بار از فعالیت ممنوع و بسته شدند.^۱

یکی دیگر از وظایف مهم نخبگان و خواص جامعه که از حدیث رتبی مقدم بر وظیفه تولید فکر است رصد و شناسایی فعالیت های دشمن و تبیین موقعیت نیروهای طرفین در جبهه جنگ نرم با نظام سلطه است زیرا تا زمانی که درک صحیحی از فضای جنگ و فعالیت های دشمن و نقاط ضعف و قوت او و نقاط تمرکز دشمن در بمباران فکری و تبلیغاتی و همچنین وضعیت جبهه خودی وجود نداشته باشد طبیعتاً عملیات پدافندی و واکنشی در مقابل دشمن نیز عقیم و ابتر خواهد ماند چه رسد به عملیات های پدافندی و فعالانه.

اما لازم ایفای نقش ها و وظایف نخبگان جامعه در مواجهه با دشمنان انقلاب بر خورده‌اری از بصیرت در حوزه های مختلف است زیرا نخبگان جامعه و جریان‌ات و فعالان سیاسی و عملی و فرهنگی جامعه دچار بی بصیرتی بشوند ولو اینکه دارای غنای محتوایی بسیار در زمینه تخصصی خود باشند به ناکجا آباد خواهند برد.

اما در کنار قشر نخبه جامعه نقش مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی به عنوان کسانی که زمام دار امور کشور هستند نقشی مهم و چشم ناپوشیدنی است چرا که از یک سو مسائل دنیوی و پرتگاه های اخلاقی و حب جاه و مال و مقام در برابر ایشان قرار دارد و از سوی دیگر دشمنان انقلاب با فعالیت سنگین خبری و تبلیغاتی سعی در تلقین ناکارآمدی نظام اسلامی و مسئولان کشور دارند لذا است که رهبر انقلاب خطاب به متولیان قوای سه گانه کشور علاج حمله دشمن به کار آمدی نظام را «اثبات کارآمد» دانسته و در سخنان متعدد و به مناسبت های گوناگون بر مطالبه کارآمدی دستگاه های مسئول کشور از سوی عموم ملت و به خصوص قشر جوان و دانشجوی کشور تاکید کرده اند. نکته دیگری که با کارآمدی نظام پیوند وثیقی دارد لزوم جدیت و برخورد قاطع با مفاسد گوناگون مسئولان کشور است.

۱. مجید، سرابی، اردشیر، زابلی زاده، حسینعلی، افخمی، انتقال پیام تئوری تاثیرات موجود بر محتوای رسانه، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۷ و ۱۸۹ و ۳۸۶

یکی دیگر از راهبردهای اساسی جبهه حزب الله در مواجهه با دشمنان انقلاب اسلامی لزوم در نظر گرفتن استراتژی پدافندی و تعریف زمین بازی برای دشمن است به تعبیر دیگر به جای آنکه دشمنان نظام به طور مداوم در فضای رسانه ای دنیا برای افکار عمومی مسائل کاذب و دروغین و یا کم اهمیت را مسائل اصلی جلوه دهند لازم است مسئولان کشور با توکل به خدای متعال و مرعوب نشدن در برابر جریان زر و زور و تزویر به عمق استراتژیک دشمنان انقلاب و اسلام حمله برده و ابتکار عمل در مواجهه نرم با دشمن را در دست بگیرند.

مساله دیگری که در این مقام لازم است ذکر شود لزوم پر کردن فاصله مسئولان و مردم (شکاف حاکمیت- ملت) است این فاصله هم بعد اقتصادی و معیشتی دارد هم بعد معرفتی و بینشی و هم بعد فرهنگی و اجتماعی به تعبیر دیگر هم مسئولان کشوری می بایست متوسط تحلیل و بینش عمومی مردم ارتقا یابد.^۱

حجت الاسلام و مسلمین جمشیدی، معاون جامعه مدرسین و قائم مقام مدیر حوزه علمیه قم است. درباره ضرورت حضور حوزه در فضای کنونی رسانه ای معتقد است: «رسانه ها هم حوزه را جدی نگرفته اند. در رسانه ها عناصر غیر ارزشی وجود دارند که فضای رسانه ها را غیر اخلاقی کرده اند و به راحتی آبروی افراد را به خطر می اندازد. ما در فضای رسانه فضای منضبطی نداریم. برخی از رسانه ها ما در خدمت اهداف دشمنند و به گفته رهبری پایگاه دشمن شده اند حوزه در این تعاملات می تواند اثر گذار باشد و به پاک و سالم شدن رسانه کمک کند. برخی عناصر ارزشی ما هم به دلیل رقابت های سیاسی، رفتارهای نادرستی بروز می دهند. نباید منش اخلاقی و انقلابی خود را از دست بدهیم. نهادهای نظارتی اشکالات متعددی دارند. حجم کار سنگین، نبود کارشناسان، نبود اثر گذاری و خنثی سازی اثر آنها از سوی نهادهای دیگر سبب شده که این نهادها نتوانند موثر باشند.

رسانه های داخلی ما در برخی حوزه ها نقاط قوت زیادی دارند که باید روی آنها سرمایه گذاری کرد. اما باید دید که حریف دست روی کدام نقاط ضعف گذاشته است تا آنها را باید برطرف کنیم. داشتن سریال های متعدد از نقاط قوت ما محسوب می شود. در برخی موارد در هنگام پخش سریال های پخش شده از کانال های داخلی، مردمی که ماهواره تماشا می کنند، ماهواره خود را خاموش کرده و پای تلویزیون می نشینند. بنابراین می توان در موضوعاتی با مضامین پلیسی، اجتماعی، دینی برای ساخت سریال سرمایه گذاری کرد.

۱. از نهانجام فرهنگی تا جنگ نرم، ص ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۳

بعضی سریال های خارجی پخش شده از شبکه های داخلی مخاطبان بسیاری دارد. از سویی هر چه میزان تولید برنامه ها و سریال های پر محتوا و جذاب به لحاظ تکنیک افزایش یابد، می توان اوغات فراغت مخاطبان بیش تری را پر کرد. اگر آنها با پخش سریال سعی در جذب مخاطب دارند، چرا ما از همین روش استفاده نکنیم. البته نباید در تولید انبوه، کیفیت افت کند.^۱

گفتار سوم: راهکار

۳-۱- فرهنگی:

فرهنگ مبداء همه خوشبختی ها و بدبختی های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوان هائی که تربیت می شوند به این تربیت های فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می کنند. فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می دهد.

فرهنگ یک ملت در راس تمدن بزرگ واقع شده. فرهنگ باید یک فرهنگی باشد موافق با تمدن.

راه اصلاح یک مملکتی فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع شود دست استعمار در فرهنگ ما کارهای بزرگ می کند، نمی گذارد جوانان های ما مستقل بار بیایند؛ نمی گذارند در دانشگاه جوان های ما درست رشد بکنند، بچه ها را به شکلی تربیت می کنند که وقتی بزرگ شدند از اسلام هیچ نمی دانند و تنها فرهنگ بیگانه است که موثر واقع شده اگر فرهنگ درست بشود یک مملکت اصلاح می شود.

در این عصر، استعمار، وابستگان و دنباله رو های خود را در جهان اسلام به کار گماشته تا در زیر شعارهای پر زرق و برق و فریبا و (احیانا شعار اسلام) تعالیم فرهنگ قرآنی را از واقعیت زندگی مجتمع اسلامی دور کنند تا بدین وسیله راه را برای تامین منافع اربابان باز و بی مانع شود.

در هر صورت تمام رسانه ها مربی یک کشور هستند. همه این رسانه ها باید در خدمت ملت باشند، مسیر ملت را باید روشن کند نه اینکه بر خلاف مسیر ملت عمل کند. آنچه از همه

^۱مجله مدیریت و ارتباطات، ص ۳۸ و ۷۱

آن دستگاه‌ها بیشتر رابطه با انسان دارد، تلویزیون است، به خاطر استفاده سمعی و بصری که از آن می‌شود و نیاز به سواد ندارد، رادیو و تلویزیون می‌تواند یک مملکت را اصلاح کند و می‌تواند به فساد بکشد. تبلیغات تلویزیون می‌تواند مردم را یا تربیت کند یا مفهوم کند.^۱

به طور کلی، آنچه ما را از اینگونه تبلیغات مصون می‌دارد توجه به این واقعیت است که این شیوه‌های استعماری برای حاکم کردن ارزشهای ضد اسلامی است. به فرض آنکه سیمای جمهوری اسلامی هم به دلیل کمبود فیلم بعضی از آنها را به ناچار نمایش دهد، ولی باید بدانیم این فیلم‌ها برای ما ساخته نشده و بر طبق ارزش‌های انقلاب، اسلام و کشور ما نیست بنابراین، باید خود را برای مقابله با آنها آماده کنیم اگر فیلمی را هم تماشا می‌کنیم، توجه داشته باشیم که تحت تاثیر پیامهای آن فیلم قرار نگیریم، چه پیامهای گویا و صریح و چه پیامهای ضمنی، مانند شیوه رفتار، طرز پوشیدن لباس، طرز آرایش و مانده آن. پس باید پیشاپیش خود را آماده کرده باشیم که آنها را نپذیریم.^۲

پذیرفتن مظاهر و نمودهای ظاهری غربی که سازگاری با فرهنگ و شرایط عرفی جامعه ما ندارد. به جای افتخار کردن به هویت فرهنگی و ملی و دینی خویش به داشتن ویژگی‌های غربی افتخار کردن، برای مثال کاربرد کلمات و زبان آنان، ستایش همیشگی آنان و تحقیر مداوم جامعه و فرهنگ خود.

دل‌بستگی شدید، تقلید کور کورانه و نوعی تعصب و جانبداری از فرهنگ، رفتار و مظاهر فکری غربی برای مبارزه با تهاجم فرهنگی، همه باید کمک کنند و در این زمینه نقش نوجوانان و جوانان جدی‌تر و اساسی‌تر است، زیرا آنان هدف‌های اصلی برای تهاجم فرهنگی هستند. جوانان و نوجوانان عزیز با تکیه بر ایمان و آگاهی می‌توانند سدهایی نفوذ ناپذیر در برابر هجوم فرهنگی دشمن ایجاد کنند. شیوه‌ها و روش‌های نفوذ و هجوم دشمن را به خوبی بشناسند. دشمن شناسی شرط لازم دشمن ستیزی است. خود را به ایمان و علم مجهز کنند. خودسازی معنوی، تهذیب نفس، پاکی و صفا، تکیه بر عبادت و در یک کلمه پیوند عمیق با پروردگار و در کنار آن مطالعه مستمر و ژرف بسیار سازنده و نگاه‌دارنده است.

۱. دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی (ره)، چاپ سوم، موسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۵، ص ۳ و ۱۸ و ۲۷ تا ۲۷۷

۲. محمد تقی، مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، چاپ ششم، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره)، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳

علم و آگاهی، به زندگی معنی و جهت می بخشد و انسان را در هجوم تند بادهای مقاوم و پایدار می کند. در محافل و مجالس ایمان بخش و دانش افزا شرکت کنند؛ بویژه در پایگاه های ارزشمند دینی مانند مسجد که سلامت دین و ایمان را تضمین می کند.^۱

استمرار فرهنگی در طول سالیان دراز در کشور ما یک اسلام زدایی و اصالت زدایی به وجود آورده است که همه اصالت های اسلامی به تدریج مورد تهدید و به اصطلاح مورد تهمت و برچسب بی اعتباری قرار گرفته و سعی شده است تا بنیان های پوسیده فرهنگ غربی جای آنها را پر کند.

مقام معظم رهبری می فرماید:

هدف قدرت های استکباری از تهاجم فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، بی اعتقاد کردن نسل نو به دین، اصول انقلابی و تفکر فعالی است که دشمنان اسلام را به هراس انداخته و قلمرو قدرت آنها را در معرض خطر قرار داده است.

قدرتهای سلطه گر، بزرگترین عامل توجیه و نشر فسادند؛ فساد اخلاقی، فساد جنسی و فساد اقتصادی... ما باید در کشورهای خود با فساد مبارزه جدی آغاز کنیم.

یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان های مومن را از پابندی های متعصبانه به ایمان - که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می دارد - منحرف می کنند؛ مانند همان کاری که قرن های گذشته در اندلس کردند؛ جوانها ریختند در عالم فساد، شهوترانی و می گساری؛ این کارها در حال حاضر دارد انجام می گیرد.

جوانان ما در کوره ی انقلاب پارسا و مبرا از آلودگی های مختلف شده اند؛ لذا دشمن که این امر را مخالف اهداف خود می داند، از طریق باندهای فساد در تلاش است تا جوانان ما را به سوی تباهی سوق دهد، ولی ما با این مفسدان در هر کجا باشند؛ با شدت برخورد می کنیم؛ زیرا آنها را تباه کننده ی نسل جوان کشور می دانیم.

طی قرون گذشته استعمارگران برای ضایع کردن نسل جوان برنامه ی همه جانبه ای را در کل جهان سوم از جمله کشورهای اسلامی به اجرا در آوردند، زیرا به این حقیقت دست یافته اند که جوانان با فرهنگ، با اراده و با رشد، سلب کننده ی آرامش بیگانگان و چپاولگران هستند، غرق کردن نسل جوان در فسادهای گوناگون یک سیاست پیاده شده ی استعمار و استکبار است.

۱. محمد رضا، سنگری، پرسش های امروز جوانان، چاپ چهارم، انتشارات موسسه فرهنگی برهان، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷

دشمنان تلاش می کنند جوانان که امام آنها را همانند گل تربیت کرده از انقلاب بگیرند؛ آنها برای شایع کردن فساد در میان جوانان این کشور برنامه ریزی می کنند. مقام معظم رهبری عزم پولادین ملت را برای اعتلا و مجد و عظمت اسلام، از دیگر راههای موثر مقابله با تهاجم معرفی کرده و می فرماید: ملت ما باید همانند گذشته با عزم پولادین و گامهای استوار در راه مجد امت اسلامی، اعتلای کلمه اسلام... و احیای ارزشهای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم به پیش برود.

به دلیل وجود خلا تئوریک در عرصه فرهنگ شناسی و مولفه های مربوط به آن و به خصوص شناسایی بهتر و فرهنگ غربی لازم است مرکزی به منظور انجام مطالعات تطبیقی فرهنگ و هنر غربی و اسلامی تاسیس شود. از رسالت های اساسی این مرکز انجام مطالعات تطبیقی و تبیین نقاط اشتراک و اختراق بین فرهنگ غربی و اسلامی است. این مرکز تنها صبغه علمی- پژوهشی را دارا است و اعضای آن باید از میان استادان دانشگاه و حوزه با پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تعیین شوند.

اصلاح و بازبینی روش های آموزش فرهنگی و دینی در مراکز آموزش و پرورش است. پیشنهاد می شود در کنار روش هایی چون مباحثه، سخنرانی، نمایش فیلم و... روش های گفتمان انتقادی، نقد و ارزیابی و مطالعه تطبیقی نیز برای وضوح بیشتر مباحث فرهنگی در کلاس ها درس ارائه شوند.

یک راهکار راهبردی در عرصه برنامه ریزی های فرهنگی و دینی، لازم است تغییرات اساسی در طرز تلقی و بینش و نگرش متولیان برنامه ریز در زمینه ماهیت و مقوله فرهنگ و دین صورت می گیرد. بنابراین یکی از راهکارهای عملی موثر برای بهبود روند توسعه فرهنگ دینی، تغییر جهت گیری فکری- بینشی برنامه ریزان از حالت ملی نگرانی محض به فرا ملی یا جهانی نگرانی است.

یکی از دلایل اساسی آسیب پذیری جوانان جامعه ما در مقابل فرهنگ بیگانه، عدم شناخت واقعی آنان از ماهیت واقعی فرهنگ غرب است. به همین دلیل پیشنهاد می شود درس هایی تحت عنوان هویت شناسی تاریخی ملل در رشته های دانشگاهی و برنامه های درس مدارس در نظر گرفته شود تا دانشجویان و دانش آموزان با پیشینه تاریخی خود آشنا شوند.

تقلید و رایج شدن و پیشرفت تقلید، پیشرفت نیست. وابسته کردن اقتصاد، تقلیدی کردن علم، ترجمه گرایی در دانشگاه؛ که هر چه که آن طرف مرزها، مرزهای غربی و کشورهای اروپایی، گفته اند، ما همان را ترجمه کنیم و اگر کسی حرف زد، بگویند مخالف علم حرف می

زند؛ پیشرفت نیست و ما این را پیشرفت نمی دانیم. نه اینکه ترجمه را رد کنیم؛ یاد گرفتن از دیگران خوب است؛ اما ترجمه کنیم تا بتوانیم خودمان به وجود آوریم. حرف دیگران را بفهمیم تا حرف نو به ذهن خود ما برسد؛ نه اینکه همیشه پای حرف کهنه دیگران بمانیم. این مورد به برنامه های رسانه نیز مربوط می شود که باید حرفی برای گفتن داشته باشند در برنامه های تلویزیونی مثلاً برنامه کودک را که محصول یک کشور غربی است را می توان با معیارهای فرهنگ اسلامی تغییر داد و آن را به کودک عرضه کرد که هم اوقات فراغت او را پر کند و هم به تربیت او لطمه ای وارد نکند.

وظیفه صدا و سیما در تفهیم درخشندهای فرهنگ اسلامی در همه زمینه ها است. صدا و سیما، مسئولیت زیادی دارد. رادیو و تلویزیون برای آموزش - در همه شکل های آن - استفاده می کند.

وظیفه یک رسانه، آموزش و تحلیل و سوق دادن قلب و ذهن و روح و مغز افراد به سمتی است که گردانندگان آن رسانه در نظر دارند. در کشور ما نیز غیر از این نیست. صدا و سیما در جمهوری اسلامی، باید وسیله ای برای سوق دادن مردم به فرهنگ اسلامی و ابزاری برای معرفت و آشنایی مردم با درخشندهای اسلامی و انسانی باشد. وظیفه ای ندارد و اگر مواردی بود که بر خلاف این هدف وارد صدا و سیما شد، نباید پخش کنند.

باید استقلال فکری و عملی ملت ایران، نظام جمهوری اسلامی و اصل «نه شرقی نه غربی» را به ارایه ی فرهنگ و اندیشه و هنر خودی و اصیل و غنی، ترویج و تحکیم کند و در برابر فرهنگ و هنر و اندیشه ی تحمیلی و بیگانه، حالت تهاجمی داشته باشد و باید با انتخاب بهترین شیوه ها و بلیغ ترین زبانها، غبار غربت و انزوا را از چهره ی مفاهیم انتظار می برند؛ در دسترس آنان قرار دهد.

رسانه فرهنگ ساز: تنوع و جذابیت در صدا و به خصوص سیما شرط لازم توفیق آن رسانه است، ولی این نباید موجب گرایش به شیوه های زیان بخش و مخرب گردد. ترویج فرهنگ غربی و استفاده ابزاری از جاذبه های جنسی یا استفاده از موسیقی های لهوی و حرام و چیزهای از این قبیل نباید به بهانه جذاب کردن تلویزیون به این دستگاه موثر که در معرض دید همه قشرها و خانواده ها است راه یابد.

۳-۲- اجتماعی:

در کنار دامن زدن به دغدغه عدالت اجتماعی و رسیدگی به فقرا، زندگی اشرافی و تجملاتی پوچ و بیهوده را هم تخریب کنید؛ این زندگی واقعا در خور تخریب است. زندگی تجملاتی نباید به هیچ وجه ترویج شود، بلکه باید تخریب شود و نقطه منفی به حساب بیاید. چرا بیخود تجمل گرایی رواج پیدا کند؟ ما باید به فقیر عزت نفس و حس مناعت بدهیم و به غنی باید کمک به فقیر را بیاموزیم. به هر حال در کل زندگی جامعه، باید از زندگی اشرافی و تجملاتی الگو سازی نکنیم.

در جنگ نرم، باورها و ارزش های اساسی یک جامعه مورد هجوم برای تغییر قرار می گیرد. با تغییر باور های اساسی جامعه، قالب های تفکر و اندیشه دگرگون شده و مدل های رفتاری جدیدی شکل می گیرد. چالش جایگزین شده و این رفتارها به سمت ساختار شکنی جهت می یابد.

آرام و تدریجی بودن این جنگ به گونه ای است که بسیاری آن را تشخیص نمی دهند. جنگ نرم زیر سطحی، غیر آشکار و به همین دلیل نامحسوس است.

در این جنگ تلاش می شود تصویری شکست خورده، نا امید و مایوس از حریف ارائه شود و در مقابل مهاجم با نماد سازی و تصویری سازی خود را پیروز و موفق نشان می دهد. هدف اصلی در جنگ نرم تغییر باورها و اعتقادات چنانچه این تغییر حاصل گردد، به راحتی تغییر مجدد و بازگشت به حالت اولیه میسر نمی باشد.

از احساسات و عواطف جامعه هدف به عنوان پلی برای نفوذ در افکار و اندیشه ها برای ایجاد تغییر و دگر گونی در باورها استفاده شود.

فضای مجازی و سایبری محیط اصلی جنگ نرم در شرایط کنونی به حساب می آید. موانع و راهکارهای ارتقای جایگاه و نقش قدرت نرم در روند تکاملی انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی ایران گرچه توانست جایگاه و اهمیت قدرت نرم را باتوجه به نقش فرهنگ انقلاب اسلامی در جهان اسلام را از حاشیه به متن بکشد و تعادل قدرت را در عرصه بین المللی به نفع کشورهای جهان سومی رقم زند و معنویت تبیین نماید لیکن باید از هر گونه افراط و تفریط در این زمینه خود داری ورزد. چرا که توجه به نقش قدرت نرم بدون توجه به مقتضیات زمینه ای و محیطی آن موجب آرمان گرایی محض می شود و نیز غفلت از اهمیت قدرت نرم افزاری به عنوان ظرفیت و پتانسیل عمده انقلاب اسلامی موجبات انفعال و وادادگی را فراهم می آورد. از این رو شایسته است متناسب باتحرک و رشد و پیشرفت جامعه بشری و با آینده نگری در خصوص فرصت ها و چالش های پیش رو به نو آوری و خلاقیت

در زمینه ی سیاست های فرهنگی اهتمام ورزد. در این راستا، شایسته است نخست به آسیب شناسی سیاست های فرهنگی که ناظر بر ارتقای نقش و جایگاه قدرت نرم است پرداخت شود و سپس راهکارهای تقویت و گسترش توان بهره گیری از قدرت نرم مورد علاقه قرار گیرد:

الف) آسیب شناسی جایگاه و نقش قدرت نرم در انقلاب اسلامی

عدم برنامه ریزی جامع و همه جانبه گر به دلیل نبود یک ابر سیستم ملی در برنامه ریزی آموزشی و روزمرگی و مقطعی و موقت و شتابان بودن سیاست های فرهنگی با توجه به عدم هماهنگی سیاست های فرهنگی با سایر برنامه های توسعه کشور و نیز عدم تناسب سیاست های فرهنگی با جامعه شناسی فضای زندگی، آمایش و سرزمینی و عدم تحقق بسترها و زیر ساخت های فرهنگی به دلیل عدم هماهنگی میان کانال های جامعه پذیری و فرهنگ سازی و توسعه نیافتگی فرهنگی ناشی از تضاد بین نهادهای فرهنگی پذیری شامل خانواده، گروه همسال می شود.

فقدان سیستم مناسب ارزیابی و کنترل کیفی عملکرد های فرهنگی در داخل کشور
راهکارهای تقویت و گسترش توان بهره گیری از قدرت نرم در انقلاب اسلامی
بهترین راه ارتقای توان بهره گیری از قدرت نرم در فرایند انقلاب اسلامی اهتمام به اصلاح مدیریت فرهنگی در کشور باشد.

هماهنگی میان سیاست های فرهنگی بخش دولتی و غیر دولتی
مشخص کردن ضوابط و قوانین حاکم بر سیاست های فرهنگی
ایجاد انگیزه و تشویق فعالیت های فرهنگی در ابعاد اجتماعی، راهبردی
برنامه ریزی جامع و فرا بخشی و طراحی فرهنگی با در نظر گرفتن اصول ارزشی،
ترویج و تحکیم آموزه های مکتب اسلام و اندیشه حضرت امام در باور و عمل
مسئولان و آحاد جامعه تلاش مسئولان و مدیران سیاسی و فرهنگی در جهت ارتقای بنیادهای
فکری و رفتاری و ایجاد و تقویت روحیه خود باوری.

امید دادن به نسل جوان

به اینها (جوانان) قدرت تحلیل بدهید به اینها توان کار و نشاط کار بدهید- چه جور؟ با
امید دادن، امید بخشیدن به فضای کلاس.

عزیزان من شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه جنگ نرم یکی نگاه خوش
بینانه و امید وارانانه است...اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بد بینانه شد، نگاه چه فایده ای شد مطلقا
دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت، همانی است که دشمن می خواهد.

تبیین حقایق به عموم مردم توسط نخبگان یکی از کارهای نخبگان و خواص تبیین است. حقایق را بدون تعصب روشن کنند. جناح و اینها را باید کنار گذاشت. باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب «عمار یاسر» تبیین حقیقت بود.

زمانی امام خمینی رحمه الله فرمودند: «مساجد سنگر است...» متأسفانه مدیران نظام به این امر توجه کافی ننمودند. امروز نیز مقام معظم رهبری فرموده اند: «هر انجمن اسلامی یک سنگر فرهنگی است...»

مساله تهاجم فرهنگی که بنده بارها از آن اسم آورده ام و حقیقتاً و قلباً و روحاً نسبت به آن حساس هستم دو شاخه ی اساسی و مهم دارد که هر شاخه برای شما قابل توجه است: یکی عبارت جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ بومی است و این ادامه ی همان کاری است. که در دوران پهلوی به صورت آزاد و رخ شاه عباسی انجام می گرفته است که با پیروزی انقلاب اسلامی بحمدالله قطع شد و این ها دارند فشار می آورند که همان کار باید انجام بگیرد. شاخه ی دوم عبارت است از جمله به جمهوری اسلامی و ارزش های جمهوری اسلامی و ارزش های ملت ایران که از طرف فرهنگی، با نوشتن و تهیه ی فیلم و نمایشنامه ها و تنظیم کتاب ها و فصلنامه ها و با هدایت بیگانه امروز در کشور ما انجام می گیرد.

لازم است در میان ادبا و روشنفکران و نویسندگان و شعرا و هنرمندان و سینما گران و دانشمندان و اساتید، یک بسیج عمومی برای مقابله با جریان تهاجم فرهنگی که دشمن هدایت می کند انجام بگیرد. در این جنگ نرم وظیفه ی مجموعه ی فرهنگی این است که هنر و اتمام عیار و با قالبی مناسب به میدان آورد تا اثرگذار شود.

فرایند توسعه فرهنگی و همچنین توسعه فرهنگی دینی در جوامع دینی در جوامع اسلامی، افزون بر اثرپذیری از مبانی و بسترهای چالش برانگیز غیر بومی، تحت تاثیر ملاحظات درونی و بومی نیز قرار می گیرد.

این مبانی و بسترهای درونی و بومی اگر چه ماهیتاً امری متفاوت از موارد چالش برانگیز بیرونی اند، اما به لحاظ برانگیختگی چالش ها برای توسعه فرهنگ دینی، کارکرد و پیامدهای مشابهی را دارا هستند. البته اگر بخواهیم به نسبت شناسی مبانی و بسترهای بیرونی و درونی بپردازیم، این نکته قابل تاکید خواهد بود که نفوذ آموزه های چالش بر انگیز بیرونی، اگر چه تاثیر مستقیم آن بر افکار و اندیشه های نخبگان یک جامعه است، اما در عین حال به

طور مستقیم نیز اثراتی را بر تصمیم گیری ها، برنامه ریزی ها و اقدامات نخبگان آن جوامع بر جای می گذارد. در جامعه ایران نیز ما شاهد این نوع اثر گذاری ها و اثر پذیری ها در میان نخبگان جامعه هستیم تا جایی که آنها به جای مواجهه فعالانه با نفوذ آموزه های بیرونی، به برخورد انفعالی روی می آورند و این انفعال نیز در کارکرد، تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های آن ها پیرامون امور فرهنگی و دینی بی تاثیر نیست.

در جهان امروز به خصوص در جامعه پس از انقلاب اسلامی، تغییرات شگرف و رو به افزایش فراوانی دیده می شود. و لزوم همراهی و غلبه بر پیامد های این تغییرات و هدایت و کنترل آن کاملاً در جمهوری اسلامی احساس می شود. این واقعیت خود بیانگر حقیقتی دیگر است و آن لزوم اهتمام و تلاش نخبگان جامعه در جهت درک وقایع در حال ظهور و سپس پیش بینی وقایع مورد انتظار و ارائه راه حل های لازم و سریع در جهت پیشگیری از عواقب منفی آن و همچنین بهره گیری از نتایج مثبت آن وقایع است.^۱

۳-۳- خانوادگی:

تماشای تلویزیون کاری اعتیادآور است و فرزندان هر چه بیشتر آن را تماشا کند، بیشتر می خواهد که تماشا کند. مانند تمام اعتیادهای دیگر، اینکه صرفاً از او بخواهید این کار را رها کند نه تنها هیچ اثری ندارد بلکه روشی عالی برای شروع جنگی تمام عیار است. ابتدا تصمیم بگیرید که چه مقدار وقت برای تماشای تلویزیون کافی است، مثلاً هر روز یک ساعت فهرست برنامه های پیشنهادی را به فرزندان بدهید. برخوردی مثبت داشته باشید. استوار و با محبت باشید. به سلاحيهای خود متوسل شوید. بعد از دو هفته شاهد کودکی جدید و پر انرژی خواهید بود.

اگر فرزندان در اوقات خاصی تلویزیون تماشا می کند برای این زمانها فعالیتهایی خاص طراحی کنید، مثلاً، دیدار از دوستان، رفتن به فروشگاه برای خرید یا قدم زدن با خانواده، اگر در مورد قطع برنامه های او مهم باشید، او نیز این عادت را ترک می کند و به احتمال زیاد خودش کارهای دیگری پیدا می کند تا انجام دهد.

تلویزیون را به قسمتی از خانه منتقل کنید که چندان راحت و خوشایند نباشد، در آنجا خوراکی قرار ندهید و محل را به جایی ناراحت و منزوی برای فرزندان تبدیل کنید تا هر چه زودتر بخواهد از آنجا خارج شود.

۱. چالشهای توسعه فرهنگ دینی، ص ۱۱۱ تا ۱۳۰

تلویزیون را برای تعمیر یا سرویس به تعمیرگاه ببرید و بگذارید دو هفته در آنجا بماند. در طول این مدت، انواع جایگزینهای متنوع را در اختیار فرزندتان قرار دهید. تا زمانی که تلویزیون به خانه باز گردانده شود، اعتیاد فرزندتان از بین می رود. برنامه های تلویزیون را گلچین کنید. بچه ها از شما یاد می گیرند. و الگو می گیرند.^۱

رسانه ها دارای تاثیری قدرتمند و نامعلوم بر افکار عمومی هستند و این مسئله می تواند اثر خوشایند یا ناخوشایند ب عملیات ها داشته باشد. مقامات سیاسی و نظامی باید به نقش رسانه ها توجه کنند و با تدارک برنامه ها و روابط مناسب، ادامه روند عملیات ها را امکان پذیر سازند.

هر کشوری که بتواند از ابزارهای متنوع تر بیش تر، پرحجم تر، مدرن تر و تکنولوژی های جدید رسانه ای و ارتباطی استفاده کند، قادر خواهد بود تا موفقیت بیشتری را برای خود در عرصه جنگ رسانه ای تضمین نماید.

تکنولوژی و ابزار به تنهایی و بدون استفاده از دانش فنی و نیروی انسانی متخصص چه در بخش تکنیکی و چه در بخش تولید محتوا، کارآمدی چندانی نخواهد داشت.

برنامه ها باید علاوه بر رعایت قواعد علمی در برنامه ریزی، اجرا و پیگیری و در نظر گرفتن مخاطب و نیز بازدهی برنامه ها، به کادرهای با کفایت، امکانات بیشتر و دستگاه های فرستنده قوی تر احتیاج دارد.^۲

نتیجه:

خانواده ها باتکیه بر تغذیه و پوشاک و تفریح کودک و نادیده گرفتن نیازهای معنوی کودک که این مسئله در سازندگی معنوی فرزندان یک امر مهم محسوب می شود. اگر خانواده ها و مسئولین برنامه ریزی معنوی و اخلاقی برای کودک در نظر نگیرند، کودک نسبت به تعالیم دینی هیچ گرایشی نخواهد داشت، بنابراین دین گریزی کودک در بزرگسالی منشا پایه ریزی نادرست تربیتی در زمان کودکی اوست.

۱ مترجم، اکرم، قیطاسی، راهنمای کامل تربیت کودک، چاپ دوازدهم، موسسه انتشارات صابرین، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷

۲ حمید، ضیایی پور، جنگ نرم ویژه جنگ رسانه ای، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، ص ۱۳ و ۵۲ و ۸۱ و ۹۰

نتیجه گیری

برای تحکیم نظام خانواده و ترقی یک کشور لازم است، تربیت انسان قبل از تولد او مورد توجه قرار گیرد، لازم است خانواده ها شیوه تربیت صحیح را از تعالیم اسلامی و سیره اهل بیت بیاموزند و تمامی شرایط و مواردی را که تحت تاثیر یک تربیت صحیح قرار دارد را به خوبی رعایت کنند. علاوه بر خانواده نیاز است که مسئولان و مدیران دولتی نیز که با کودک در ارتباط هستند، به تربیت کودک اهتمام ورزند و هرآنچه که موجب به خطر افتادن آینده اخلاقی و رفتاری کودک می شود را از بین ببرند.

از آنجا که تلویزیون وسیله القا افکار و بینش برنامه سازان است و هدف جذب مخاطب است گاهی برنامه ها بدون دیدگاه های کارشناسانه تولید می شود که لازم است والدین و مسئولین تلاش زیادی برای رشد و ترقی کودک کنند و برنامه های که در برانگیختن فعالیت فکری کودک و خلاقیت او موثر است تولید شود. تا بتوانیم به تربیت صحیح دست یابیم و از میزان بزهکاری موجود در جامعه کم کنیم.

فهرست منابع

*قرآن کریم

*صحیفه سجادیه

۱. ابوالقاسمی، محمدجواد، به سوی توسعه فرهنگ دینی در جامعه ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات عرش پژوه، ۱۳۸۵
۲. ابوالقاسمی، جواد، سجادی، سیدمهدی، چالشهای توسعه فرهنگ دینی، چاپ اول، انتشارات عرش پژوه، ۱۳۸۴
۳. احسانی، محمد، تربیت دینی خانواده، کتابخانه دیجیتالی تبیان، تاریخ بازدید، ۹۴
۴. احمدی علی آبادی، دکتر کاوه، فراتحلیل هایی برآسیب های اجتماعی و فرهنگی در جامعه، کتابخانه مجازی ایران
۵. احمد زاده کرمانی، روح الله، بازاندیشی در فرهنگ و رسانه، چاپ اول، نشرچاپار، ۱۳۹۰
۶. ارگانی بهبهانی، شیخ محمود، فرهنگ تربیت فرزند در اسلام، چاپ اول، انتشارات پیام مهدی علیه السلام، ۱۳۷۹
۷. انوری، حسین، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران ۱۳۸۱
۸. اسحاقی، زهرا، و میرزا بیگی، حسنعلی، نقش خانه و مدرسه در تربیت کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، ناشر فرا گفت ۱۳۸۹
۹. احمدی، مجتبی، زارع درخشان، ابوذر، همزاده ایبانه، حسین، از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم، چاپ اول، انتشارات کیهان، ۱۳۸۹
۱۰. آسوده، محمدحسین، عواقب گناهان، چاپ دوم، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۹
۱۱. تعامل دین و ارتباطات، بشیر، حسن، چاپ دوم، ناشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹

۱۲. بهشتی، احمد، تربیت کودک در جهان امروز، چاپ پنجم، ناشر موسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۸
۱۳. پاک نیا، عبدالکریم، خانواده و وظایف مبلغان دینی ۲، کتابخانه دیجیتال تبیان، تاریخ بازدید ۹۴//۵/۱۵
۱۴. پسندیده، عباس، رضایت از زناشویی، چاپ ششم، قم، انتشارات سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۹۰
۱۵. مترجم پرنیانی، مینو، راهنمایی عملی مشاوره کودکان، چاپ دوم، تهران، انتشارات رشد، بهار ۸۹
۱۶. توکلی، محمد، گلبرگ امین-فرهنگ اسلامی مجموعه بیانات مقام معظم رهبری حفظه الله، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات نگین سبز، ۱۳۸۸
۱۷. توکلی، محمد انقلاب فرهنگی، چاپ دوم، انتشارات نگین سبز ۱۳۸۸
۱۸. تهرانی، حاج آقا مجتبی، ادب الهی، تربیت فرزند، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، نشر موسسه فرهنگی و پژوهشی مصابیح الهدی ۱۳۹۱
۱۹. جاویدی، مجتبی، امنیت اخلاقی از دیدگاه رهبری چاپ اول، ناشر: مرکز پژوهش های مجلس های شورای اسلامی، ۱۳۸۹
۲۰. حبیبی، مهدی، رسانه شناسی، دانشگاه علمی کاربردی واحد بیرجند، پاییز ۲۹
۲۱. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگ، چاپ پنجم، انتشارات سروش ۱۳۷۲
۲۲. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۷، چاپ اول، انتشارات بنیاد دایره المعارف اسلامی
۲۳. حسینی، داوود، روابط سالم در خانواده، چاپ نوزدهم، قم، انتشارات بوستان کتاب مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰
۲۴. حسینی، سید مجتبی، پرسش و پاسخ دانشجویی، چاپ ششم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵
۲۵. حق شناس، سید جعفر، آسیب شناسی خانواده، چاپ اول، ناشر مرکز امور زنان و خانواده های نهاد ریاست جمهوری ۱۳۸۸،
۲۶. حیدری نراقی، علی محمد، رساله حقوق امام سجاد علیه اسلام، چاپ سیزدهم، قم، انتشارات مهدی نراقی، ۸۸

۲۷. خادم، مهدیه، لهو و لعب از دیدگاه قرآن و روایات، چاپ اول، انتشارات نشر دانش آموز، ۱۳۹۰
۲۸. داودی، دکتر محمد، سیره تربیتی پیامبر صلوات الله علیه، تربیت اخلاقی، جلد ۳، چاپ سوم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹
۲۹. دکتر داودی، محمد، تربیت دینی، جلد دوم، چاپ هفتم، قم، انتشارات، حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹
۳۰. درخشان، مجید، مترجم: عبدالهی، شهره، کودک و تلویزیون، جلد دوم، واحد انتشارات و مطبوعات
۳۱. دهنوی، حسین، نسیم مهر ۳، چاپ پنجم، قم، انتشارات خادم الرضا، ۸۸
۳۲. _____، _____، ۲، چاپ سی و چهارم، انتشارات خادم الرضا، ۱۳۸۸
۳۳. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت زهرا سلام الله علیها، چاپ سیزدهم، قم، انتشارات مشهور، ۸۹
۳۴. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان امام حسین، تهران، نشر جاوید، ۱۳۹۱
۳۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۷ و ۶، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳
۳۶. دین پرست، منوچهر، مدیریت ارتباطات، ماهنامه تحلیلی، شماره ۲
۳۷. رجبی نیا، داوود، جنگ نرم رسانه ای تهاجم بر ضد اسلام، چاپ اول، ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، زمستان ۱۳۸۹
۳۸. رضایی مریم، پیشوایی، فریده، قاب جادو، آسیب های اینترنت و تلویزیون در غرب، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب نشر، ۹۲
۳۹. رهبر، عباسعلی، غرب و تجدد حیات اسلام، چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشی اسلامی،
۴۰. زارعان، علی، پیامدهای فرهنگی اسباب بازی، چاپ دوم، تهران، انتشاراتی فرهنگ و دانش، ۱۳۷۹
۴۱. سرابی مجید، زابلی زاده اردشیر، افخمی حسینعلی، انتقال پیام تئوری تاثیرات موجود بر محتوای رسانه، دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۳

۴۲. ساروخانی، دکتر باقر، جامعه شناسی نوین ارتباطات، ساروخانی، دکتر باقر، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۱
۴۳. سنگری، دکتر محمد رضا، پرسش های امروز جوانان، چاپ چهارم، انتشارات موسسه فرهنگی برهان، ۱۳۹۳
۴۴. شجاعی زند، علی رضا، جامعه شناسی دین، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر نی، ۱۳۸۸
۴۵. شرفی، دکتر محمد رضا، تربیت اسلامی، با تاکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)، شرفی، چاپ اول، تهران، نشر پنجره ۱۳۷۹
۴۶. شیران، حسین، جامعه شناسی ارتباطات، تهران، ناشر الکتونیک: جامعه شناسی شرقی، بهار ۱۳۹۰
۴۷. صمدی آملی، داوود، شرح مراتب طهارت، صمدی آملی، داوود، جلد اول و دوم، چاپ دوم، قم، ناشر روح وریحان، ۸۹
۴۸. ضیایی پور، حمید، جنگ نرم ویژه جنگ رسانه ای، چاپ چهارم، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران،
۴۹. ترجمه طباطبایی، دکتر صادق، نقش رسانه های تصویری در زوال کودکی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۷
۵۰. طاهری بنچناری، میثم، فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸
۵۱. طاهری حبیب الله، بررسی مبانی فرهنگ غرب و پی آمدهای آن، چاپ اول، قم، ناشر بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳
۵۲. طهماسبی، احمد، شبیخون فرهنگی، چاپ هفتم، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۹۱
۵۳. عیسی زاده، عیسی، خانواده قرآنی، چاپ اول، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۱
۵۴. عباسی، محمد، عوامل دین گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب، ماهنامه معرفت
۵۵. غلامی، یوسف، اخلاق و رفتار های جنسی، چاپ پنجم، نشر معارف، ۱۳۸۹
۵۶. فخار طوسی، جواد، امام خمینی (ره) و رسانه های گروهی، چاپ اول، تهران، ناشر ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام ره، ۱۳۸۱
۵۷. فلسفی، محمد تقی، کودک از نظر محیط و وراثت، چاپ پانزدهم، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۹، ۱۳۸۹، ۱۳۸۹، عباس، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، قم، ناشر: شکوفه یاس، ۸۹

۵۸. فیاض، دکتر ابراهیم، مهندسی فرهنگ عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر کتاب، ۱۳۹۲
۵۹. فیاض، دکتر ابراهیم، تعامل دین فرهنگ و ارتباطات، تهران، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۹
۶۰. مترجم: قاسمیان، رحیم، درک تئوری رسانه، چاپ اول، ۱۳۸۶، نشر ساقی
۶۱. قائمی، دکتر علی، تربیت و بازسازی کودکان، چاپ هفتم، انتشارات امیری، ۱۳۷۰
۶۲. قائمی، دکتر علی، شناخت، هدایت و تربیت، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۳
۶۳. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
۶۴. قیطاسی، مترجم، اکرم، راهنمای کامل تربیت کودک، چاپ دوازدهم، موسسه انتشارات صابرین، ۱۳۸۹
۶۵. کرباسیان، قاسم، پژوهشکده باقرالعلوم، تاریخ بازدید ۹۶/۹/۲۲ (پژوهه بزرگترین بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی)
۶۶. کریمی، آمنه، سبک تربیت اجتماعی کودک در آموزه اسلامی، موسسه تحقیقات و نشر معارف، ۹۴/۴/۱۱
۶۷. کریمی، آمنه، تاثیر رسانه در تربیت اجتماعی کودک، کتابخانه دیجیتالی اهل بیت علیهم السلام، موسسه نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، زمان بازدید ۹۴/۴/۱۱
۶۸. کلانتری، علی اکبر، الگوی مصرف، چاپ سوم، قم، ناشر موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸
۶۹. مترجم گنجی زاده، فروزان، والدین و تربیت فرزند، چاپ سوم، نشر دات، ۱۳۸۸
۷۰. ترجمه ماهر، فرهاد، روان شناسی اجتماعی و کاربردی، چاپ ششم، انتشارات آستان قدس رضوی مشهد ۱۳۸۶
۷۱. محدثی، جواد، راه زندگی الفبای سعادت خانواده، چاپ پنجم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۹۱۳
۷۲. مرادی، حجت اله، قدرت و جنگ نرم، چاپ اول، نشر ساقی، ۱۳۸۸
۷۳. مصباح یزدی، استاد محمد تقی، تهاجم فرهنگی، چاپ ششم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام (ره) ۱۳۸۰
۷۴. مظاهری، علی اکبر، هشدار های تربیتی، مظاهری، علی اکبر، چاپ دهم، انتشارات هجرت، ۸۷
۷۵. مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، چاپ دهم، نشر بین الملل، ۱۳۸۸

۷۶. مهدی زاده، تورج مبانی ارتباط با رسانه ها، چاپ دوم، تهران، انتشارات: پارس بوک، ۱۳۹۱
۷۷. فرهنگ معین، جلد یک و دو و سه، چاپ،
۷۸. میخبر، سیما، ریحانه بهشتی، چاپ ۱۳۶، قم، ناشر نور الزهراء، ۱۳۹۵
۷۹. منطقی، مرتضی، بازی های ویدیویی - رایانه ای، منطقی، چاپ دوم، انتشارات عابد، ۱۳۸۷
۸۰. منطقی، مرتضی، راهنمای والدین در استفاده فرزندان از فن آوری ارتباط جدید، چاپ دوم، انتشارات عابد، ۱۳۸۷
۸۱. نوین، زهرا، تهاجم فرهنگی و رسالت صدا و سیما بر گرفته از سخنان مقام معظم رهبری دامت برکاته، ناشر: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
۸۲. نوری، محمد، آسیب شناسی رفتار انسان از دیدگاه قرآن، چاپ چهارم، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، ۱۳۹۰
۸۳. نعمتی، محمدرضا، مختاری، رضا، غنا و موسیقی، چاپ اول، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۷
۸۴. ناطقی، محمدتقی، فرهنگ سازی در اسلام، چاپ دوم، نشر نسیم انتظار، زمستان ۱۳۸۵
۸۵. منصوره وطنی، نقش تربیتی والدین و رسانه های گروهی در الگوپذیری نوجوانان و جوانان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۹
۸۶. فرهنگ و عرصه ی فرهنگی، از رهنمود های رهبر انقلاب اسلامی مدظله العالی، چاپ اول، تهران، ناشر: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۸
۸۷. خانواده (در محضر مقام معظم رهبری) تنظیم: کمیته موضوعی، چاپ هجدهم، ۱۳۹۲ تبلیغات هنر و رسانه از دیدگاه امام خمینی (ره)، چاپ اول، ناشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام ره، ۱۳۸۱